

پیوسته

شماره: ۱۶/۹۳۶۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱

پیوست:

حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

عطف به نامه شماره ۹۳/۱۰۰/۱۱۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷ و پیرو نامه شماره

۱۱۴/۱۶۷۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران کتاب اول، دوم و سوم لایحه تجارت که به منظور رفع ایراد آن شورا

در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده

است، به پیوست ارسال می شود.

علی لاریجانی

## لایحه تجارت کتاب اول - قراردادهای تجارتي

### فصل اول - مقررات عمومی

ماده ۱- مقررات این قانون در موارد زیر اعمال می‌شود:

- ۱- کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با یکدیگر
- ۲- کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با مصرف‌کنندگان، مشروط بر آنکه قوانین و مقررات مساعدتری به نفع مصرف‌کننده بر رابطه قراردادی بین صاحب حرفه و مصرف‌کننده حاکم نباشد.

- ۳- کلیه قراردادهای منعقدشده بین مصرف‌کنندگان با یکدیگر، مشروط بر آنکه طرفین قرارداد خود را صریحاً تابع این قانون قرار داده یا قوانین مربوط نسبت به حکم قضیه، ساکت بوده باشند.

تبصره ۱- شخصی که قرارداد را خارج از فعالیت‌های شغلی خود منعقد می‌کند «مصرف‌کننده» و شخصی که قرارداد را در چهارچوب فعالیت‌های شغلی خود منعقد می‌کند «صاحب حرفه» نامیده می‌شود.

- تبصره ۲- کلیه قراردادهای توزیع‌کنندگان کالا، ارائه‌کنندگان خدمات و تولیدکنندگان در راستای فعالیت‌های شغلی آنان محسوب می‌شود، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

ماده ۲- اشخاص در انعقاد قرارداد خصوصی، تعیین مفاد و تعیین قانون حاکم بر آن آزادند.

ماده ۳- قرارداد، تابع قانون محلی است که با توجه به اوضاع و احوال مسلم قضیه بیشترین ارتباط را با آن قرارداد داشته باشد مگر آنکه متعاقدین آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

ماده ۴- طرفین قرارداد می‌توانند شمول اعمال قانون را نسبت به قرارداد استثناء یا محدود نمایند یا مفاد قانون قابل اعمال را به نحو دلخواه تغییر دهند. قاعده آمره قابل اعمال در مورد قرارداد قابل استثناء، تحدید یا تغییر نیست.

تبصره- قاعده امره عبارت است از احکام الزامی شرعی، مباحات  
اقتضائی و قواعد قابل اعمال مرتبط با نظم عمومی.

ماده ۵- انعقاد قرارداد، ابراز اراده یا هر عمل دیگر مرتبط با قرارداد و  
اثبات آنها نیازمند هیچ تشریفات خاصی نیست. این امور، به هر وسیله از جمله  
شهادت شهود، قابل اثبات است.

ماده ۶- قرارداد ممکن است «دوتعهدی» یا «تک‌تعهدی» باشد. قرارداد  
دوتعهدی، قراردادی است که به موجب آن طرفین تعهدات متقابلی را به نفع  
یکدیگر به عهده می‌گیرند و قرارداد تک‌تعهدی قراردادی است که به موجب آن  
یک طرف در مقابل طرف دیگر تعهدی را به عهده می‌گیرد، بدون آنکه متعهد  
تعهد متقابلی را به نفع متعهد به عهده گرفته باشد.

ماده ۷- «تعهد یک طرفه» قراردادی است که به موجب آن یک طرف  
(متعهد) به دیگری (ذی نفع) در دوره زمانی مشخص حق انتخاب انعقاد  
قراردادی را می‌دهد که عناصر ضروری آن تعیین شده و فقط اراده ذی نفع برای  
تشکیل آن ابراز نشده است. لغو تعهد یک طرفه در دوره زمانی تعیین شده برای  
ذی نفع جهت اعمال حق مانع انعقاد قرارداد تعهد شده نیست. قرارداد با شخص  
ثالث آگاه به وجود تعهد یک طرفه که به سبب آن تعهد مذکور نقض شده است،  
باطل است.

ماده ۸- در تفسیر این قانون باید به ویژگی تجارتي آن و هدف قانون  
شامل ایجاد وحدت رویه در اعمال مقررات تجارتي توجه شود.

ماده ۹- در این قانون:

«هویت» شامل نام، نام خانوادگی و شماره ملی برای اشخاص حقیقی و  
نام و شماره انحصاری برای اشخاص حقوقی است.  
«دادگاه» شامل هر دیوان داورى نیز می‌شود.

«نوشته» شامل هر چیزی است که حاوی ثبت اطلاعات موجود در خود و قابل تکثیر به شکل ملموس یا محسوس باشد.

ماده ۱۰- کلیه اخطارهای مقرر در مواد این قانون متناسب با وسایل ارتباطی در دسترس با توجه به اوضاع و احوال قابل انجام است. تبصره- مقصود از اخطار هر بیانیه، تقاضا، درخواست یا ابراز قصد دیگر است.

ماده ۱۱- اخطار از زمان وصول به مخاطب قانوناً واجد اثر است. اطلاع شفاهی مخاطب، تحویل اخطار به محل فعالیت مخاطب یا نشانی پستی وی از مصادیق وصول اخطار است.

تبصره- چنانچه یکی از طرفین بیش از یک محل فعالیت داشته باشد، تحویل اخطار به محلی که با توجه به اوضاع و احوال مسلم یا به موجب توافق طرفین قبل از انعقاد قرارداد، نزدیکترین ارتباط را با قرارداد یا اجرای آن داشته باشد از مصادیق وصول اخطار است.

ماده ۱۲- طرفین مکلفند در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد، اصل حسن نیت و عمل منصفانه در تجارت را رعایت کنند. طرفین نمی‌توانند برخلاف مفاد این ماده توافق کنند.

ماده ۱۳- رعایت حسن نیت به وسیله طرفین مفروض است، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

ماده ۱۴- هیچ شخصی در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد نباید ناهماهنگ با تصویری که خود برای طرف دیگر ایجاد کرده است، عمل کند. اگر طرف مقابل با اعتماد متعارف به وضع ایجادشده اقداماتی را انجام دهد یا هزینه‌هایی را متحمل گردد، شخصی که وضع مذکور را ایجاد نموده، مسئول جبران خسارات واردشده است.

ماده ۱۵- هر یک از طرفین مکلف است اطلاعاتی را که در جریان مذاکرات قراردادی به عنوان «اطلاعات محرمانه» از سوی طرف دیگر به او ارائه می شود حفظ نماید، ولو آنکه مذاکرات مذکور به انعقاد قرارداد منجر نشود. در صورت افشای اطلاعات مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، متخلف مسؤول جبران خسارات وارد شده است. تعهد به عدم افشای اطلاعات مذکور، در صورت انعقاد قرارداد تا پایان آن و در صورت عدم انعقاد قرارداد دو سال از تاریخ مذاکرات است، مگر اینکه به موجب توافق طرفین مدت دیگری مشخص شده باشد. در هر صورت، تکلیف حفظ اسرار تجارتي طرفین و عدم استفاده از آن محدود به مدتهای مذکور نیست.

ماده ۱۶- شروع مذاکره قراردادی و ادامه آن باید با هدف حصول توافق صورت گیرد و طرفین در طول مذاکرات مکلف هستند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً برای اتخاذ یک تصمیم متعارف در خصوص انعقاد قرارداد لازم است به طرف مقابل ارائه نمایند، در غیر این صورت و نیز در صورتی که یکی از اطراف مذاکره به نحو غیر متعارف، غیرموجه و یک جانبه مذاکرات را قطع نماید، مسؤول خسارات و هزینه های تحمیل شده بر طرف مقابل است.

تبصره- شروع مذاکره صرفاً با هدف بازداشتن طرف مقابل از مذاکره با دیگری، ورود به مذاکرات با هدف دستیابی به اسرار تجارتي و اطلاعات مالی طرف مقابل، شروع مذاکراتی که بی نتیجه بودن آن از ابتدا بر شخص شروع کننده معلوم است یا شروع مذاکره بدون اینکه مذاکره کننده اختیار توافق مورد نظر را داشته باشد، از مصادیق مذاکره بدون هدف حصول توافق محسوب می شود.

ماده ۱۷- چنانچه نماینده، به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد یا هویت منوب عنه را افشاء ننماید، طرف مقابل می تواند علاوه بر اصیل، اجرای قرارداد را از نماینده نیز مطالبه کند.

ماده ۱۸- چنانچه نماینده به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد و هویت منوب‌عنه را افشاء نماید، طرف مقابل فقط می‌تواند اجرای قرارداد را از اصیل مطالبه کند، مگر اینکه نماینده نیز صریحاً یا ضمناً اجرای قرارداد را تعهد نموده باشد.

ماده ۱۹- در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطای نمایندگی است، نماینده نمی‌تواند خود را در وضعیتی قرار دهد که با اعطاءکننده نمایندگی دارای تعارض منافع شود، مگر آنکه این امر را قبلاً به وی اطلاع داده باشد.

ماده ۲۰- چنانچه شخصی به هر طریق موجب شود که دیگری نماینده یا دارای اختیاراتی از جانب او شناخته شود و اشخاص ثالث با اعتماد متعارف به وضع ایجادشده با او به مانند نماینده یا شخص واجد اختیار برخورد نمایند، اصیل نمی‌تواند در مقابل شخص ثالث به فقدان نمایندگی یا فقدان اختیارات نماینده استناد کند.

ماده ۲۱- عزل نماینده‌ای که نمایندگی او در دفتر ثبت تجارتي به ثبت رسیده است باید ثبت و آگهی شود، در غیر این صورت، عزل در مقابل شخص ثالث ناآگاه، غیرقابل استناد است.

ماده ۲۲- اگر طرفین تعیین برخی از مفاد قرارداد را به مذاکرات بعدی یا شخص ثالث موکول کرده باشند، این امر مانع از انعقاد قرارداد نیست. در این صورت، چنانچه طرفین بعداً در مورد مفاد مذکور به توافق نرسند یا شخص ثالث آن را تعیین نکند، قرارداد باطل نمی‌شود، مشروط بر اینکه معیار متعارفی برای تعیین آن مفاد وجود داشته باشد که در این صورت مفاد مذکور باید با توجه به آن معیار تعیین شود.

ماده ۲۳- طرفین می‌توانند توافق کنند مبلغ معامله به وسیله شخص ثالث یا بر اساس ضابطه‌ای مشخص تعیین شود. هرگاه تعیین مبلغ به شخص ثالث واگذار شده باشد، شخص مذکور باید در تعیین مبلغ به نحو متعارف عمل کند.

چنانچه ثالث نخواهد یا نتواند مبلغ را تعیین کند، مبلغ مذکور به نحو متعارف تعیین می شود. چنانچه توافق شده باشد مبلغ معامله بر اساس ضابطه ای تعیین شود که دیگر وجود ندارد یا قابل دسترس نیست، نزدیکترین ضابطه معادل با ضابطه مورد توافق باید جایگزین شود.

ماده ۲۴- در موارد زیر، شرط مندرج در قرارداد، چنانچه موجب عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین گردد، غیرمنصفانه محسوب می شود و زیان دیده می تواند خواهان ابطال شرط شود:

۱- شرط مندرج در قرارداد بین مصرف کننده و صاحب حرفه، چنانچه شرط به زیان مصرف کننده باشد؛

۲- شرط مندرج در قراردادی که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار است، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛

۳- شرط مندرج در قرارداد نمونه ارائه شده از سوی یکی از طرفین، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛

تبصره ۱- در احراز عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین باید به ماهیت و هدف قرارداد، اوضاع و احوال حاکم بر انعقاد قرارداد و سایر شروط آن قرارداد توجه شود.

تبصره ۲- در مواردی که زیان دیده خواهان ابطال شرط است، اگر طرف مقابل قبول نماید که شرط مذکور تعدیل شود، دادگاه حکم به تعدیل شرط به نحو متعارف می دهد.

ماده ۲۵- در قراردادهایی که شخص صاحب حرفه با مصرف کننده منعقد می کند، درج شروط زیر به نفع صاحب حرفه ممنوع بوده و کأن لم یکن محسوب می شود:

۱- شرطی که مسئولیت قانونی صاحب حرفه را منتفی یا محدود نماید.

- ۲- شرطی که حقوق قانونی طرف مقابل را در صورت عدم اجرای جزئی یا کلی قرارداد از سوی صاحب حرفه منتفی یا محدود نماید.
  - ۳- شرطی که به صاحب حرفه حق فسخ دهد، چنانچه طرف مقابل در همان مورد فاقد این حق باشد.
  - ۴- شرطی که به صاحب حرفه در تغییر نوع انجام کار یا صفات محصول، بدون دلیل منطقی بیان شده در قرارداد، اختیار بدهد.
  - ۵- شرطی که به صاحب حرفه در تعیین قیمت در زمان تسلیم یا افزایش آن اختیار بدهد، بدون آنکه در همان مورد به طرف مقابل حق فسخ داده شده باشد.
  - ۶- شرطی که تفسیر قرارداد با داوری در خصوص مطابقت کالا یا خدمات ارائه شده با مفاد قرارداد را به شخص ارائه کننده یا ثالثی که از جانب او تعیین می شود واگذار کند.
  - ۷- شرطی که تعهد طرف مقابل را قطعی کند، اما انجام تعهد از سوی صاحب حرفه را منوط به شرط تعلیقی نماید که تحقق آن منوط به اراده خود او است.
  - ۸- شرطی که به موجب آن بار اثبات از عهده صاحب حرفه به طرف مقابل منتقل شود.
  - ۹- شرطی که وجه التزام تعیین شده در قرارداد را در مقایسه با صدمه و زیان ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن و اوضاع و احوال دیگر، به نحو غیرمتعارفی بیشتر تعیین کرده باشد.
  - ۱۰- شرطی که مصرف کننده را به قبول داوری ملزم نماید که صاحب حرفه تعیین می کند.
- تبصره- در قراردادهایی که که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار باشد هرگاه شروط موضوع این ماده به زیان طرف دیگر درج گردد، حکم این ماده مجری است.



ماده ۲۶- هر قراردادی که به طور صحیح منعقد شده است، برای طرفین الزام آور است. هرگونه تغییر مفاد قرارداد یا فسخ آن، تنها به موجب مفاد خود قرارداد یا توافق جدید امکان پذیر است، مگر اینکه قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۲۷- طرفین به رعایت رویه‌ها و شیوه‌های معمول بین خود ملزم هستند.

ماده ۲۸- طرفین به رعایت عرفهایی که به طور معمول در معاملات مرتبط به وسیله اشخاص رعایت می‌شود، ملزم هستند، مگر آنکه اعمال عرف مذکور در خصوص آن رابطه قراردادی، نامتعارف باشد.

ماده ۲۹- در تفسیر کلیه قراردادها در صورت فقدان قوانین آمره، سکوت قرارداد به ترتیب بر رویه و شیوه معمول بین طرفین، عرف خاص، عرف عام و قوانین تکمیلی محمول است.

ماده ۳۰- اگر شرط مبهمی به پیشنهاد یکی از طرفین در قرارداد درج شده باشد، آن شرط به ضرر پیشنهاددهنده آن تفسیر خواهد شد.

ماده ۳۱- هر یک از طرفین مکلفند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً لازمه اجرای قرارداد است به طرف مقابل ارائه نمایند. هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند با استناد به اینکه اطلاعات مذکور در زمره اسرار تجاری است یا عدم ارائه آنها در قرارداد شرط شده است، از انجام این تکلیف خودداری کند.

ماده ۳۲- تا زمانی که متعهد خطاری از متعهدکنه مبنی بر انتقال حق دریافت نکرده است با انجام تعهد برای انتقال‌دهنده از تعهد خود بریء می‌شود. پس از اینکه شخص متعهد اخطار مزبور را وصول کرد، فقط با ایفای تعهد برای منتقل‌آلیه از تعهد خود بریء می‌شود. اگر حق واحدی به طور متوالی به دو یا چند شخص انتقال یافته باشد، شخص متعهد با ایفای تعهد مطابق با توالی دریافت اخطارها از تعهد خود بریء می‌شود.

ماده ۳۳- در موردی که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جز به وسیله متعهد ممکن نیست، چنانچه متعهدله از دادگاه اجبار متعهد به اجرای قرارداد را تقاضا کند، دادگاه می تواند به درخواست متعهدله، در حکم راجع به اصل دعوا یا پس از صدور حکم، به تناسب موضوع تعهد، مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکوم علیه مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجراء نکند، مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر به محکوم له بپردازد.

ماده ۳۴- چنانچه پیش از تاریخ اجرای تعهد، با توجه به اوضاع و احوال، ظن متعارف وجود داشته باشد که یکی از طرفین تعهدات اساسی خود را در تاریخ مقرر اجراء نخواهد کرد، طرف دیگر می تواند خواستار ارائه تضمین متناسب برای اجرای تعهد باشد و تا ارائه آن از اجرای تعهدات خویش خودداری کند. اگر تضمین متناسب در مدت زمان متعارف ارائه نشود، طرف دیگر می تواند قرارداد را فسخ کند. با وجود این، چنانچه عدم اجرای تعهدات اساسی یکی از طرفین در تاریخ مقرر قطعی باشد، تقاضای ارائه تضمین لازم نیست و طرف دیگر می تواند رأساً قرارداد را فسخ کند.

تبصره- در احراز اساسی بودن تعهد نقض شده اوضاع و احوال مسلم قضیه از جمله رکن بودن تعهد نقض شده، شدت زیان بار بودن نقض و ناکارآمد بودن اجبار متعهد به ایفای تعهد، مناط اعتبار است.

ماده ۳۵- در صورت نقض تعهدات اساسی قراردادی، متعهدله می تواند رأساً قرارداد را فسخ نماید. در این مورد، وجود حق فسخ مانع الزام به ایفای تعهد و اعمال آن مانع تقاضای جبران خسارات ناشی از نقض نیست.

ماده ۳۶- در صورت نقض تعهدات غیراساسی قراردادی، متعهدله می تواند به موجب اخطار مهلت اجرای قرارداد به وسیله متعهد را به نحو متعارف تمدید کند. در این صورت، متعهدله مجاز به الزام متعهد به ایفای تعهد نیست. اگر متعهد تعهدات خود را در مهلت مذکور اجراء نکرد یا اعلام نمود که اجراء نمی کند،

متعهدگه می تواند تا زمانی که تعهد مذکور انجام نشده است، قرارداد را فسخ نماید. در هر حال، متعهدگه می تواند، حسب مورد، خسارات ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن را از متعهد مطالبه کند، مگر اینکه عدم اجراء یا تأخیر به حادثه خارجی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل رفع، مستند باشد.

ماده ۳۷- هرگونه نقض قرارداد، شامل عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن، به زیان دیده حق مطالبه جبران کامل خسارت را می دهد، مگر اینکه نقض قرارداد ناشی از تجویز صریح مقنن باشد. مطالبه جبران کامل خسارت نافی اعمال ضمانت اجراهای دیگر در نظر گرفته شده برای نقض قرارداد نیست و اعمال ضمانت اجراهای مذکور، نافی حق مطالبه جبران کامل خسارت نمی باشد.

تبصره- خسارت شامل هر ضرر وارد شده، اعم از مادی و معنوی، و هر محرومیت از نفع مسلم از جمله نفع ناشی از اجتناب از هزینه یا خسارت، می شود.

ماده ۳۸- اگر یکی از طرفین قرارداد به دلیل نقض تعهدات قراردادی طرف دیگر طبق مقررات معامله را فسخ کند و طی مدت و به طریق متعارف معامله ای جایگزین منعقد نماید، می تواند مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ معامله جایگزین و هر خسارت دیگر ناشی از این امر را از طرف دیگر مطالبه کند. اگر طرف زیان دیده معامله جایگزینی منعقد نکرده اما مبلغ رایجی برای اجرای موضوع تعهد وجود داشته باشد، وی می تواند مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ رایج در زمان فسخ قرارداد و هر خسارت دیگر ناشی از عدم اجراء یا تأخیر در اجرای قرارداد را از طرف دیگر مطالبه کند. مبلغ رایج مبلغی است که عرفاً برای کالاها یا خدمات موضوع قرارداد در اوضاع و احوال مشابه، در محل اجرای قرارداد، مقرر است.

ماده ۳۹- در صورت بروز حوادثی که تعادل قرارداد را به طور اساسی برهم زده یا به نحو فاحشی هزینه اجرای تعهد را برای یک طرف افزایش داده است، طرف زیان دیده حق دارد به منظور ایجاد تعادل قراردادی در مدت

متعارف و با ذکر دلایل درخواست مذاکره کند. درخواست مذاکره حق خودداری از اجرای تعهدات را به طرف زیان‌دیده نمی‌دهد. در صورت عدم دستیابی به توافق در مدت متعارف، هریک از طرفین می‌توانند تعدیل قرارداد را از دادگاه تقاضا کنند. دادگاه در صورت احراز موضوع این ماده، حکم به تعدیل قرارداد می‌دهد و چنانچه حکم به تعدیل، نامتعارف یا تعدیل، ناممکن باشد، از تاریخ حکم قرارداد را ابطال می‌کند.

تبصره ۱- چنانچه قرارداد در خصوص نحوه تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، متضمن مقرراتی باشد، مفاد این ماده اجراء نخواهد شد، مشروط بر آن که مقررات مذکور غیرمنصفانه نباشد. در هر حال، طرفین نمی‌توانند بر عدم امکان تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، توافق نمایند.

تبصره ۲- حوادث قبل از انعقاد قرارداد که زیان‌دیده نسبت بدان مطلع بوده است یا باید مطلع می‌بود، حوادثی که برای زیان‌دیده به هنگام انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی یا کسب اطلاع بوده است، بعضی از حوادثی که زیان‌دیده خطر احتمالی ناشی از آن را بر عهده گرفته باشد و مواردی که تأخیر زیان‌دیده موجب آن شده است، موجب ابطال یا تعدیل قرارداد نیست.

ماده ۴۰- در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطای نمایندگی است، سمت نمایندگی، حسب مورد، با انحلال، فوت یا حجر اعطاکننده نمایندگی پایان می‌یابد، لکن در صورت اقتضای ضرورت، نماینده قبلی تا تعیین نماینده جدید، با رعایت مصلحت، مسئولیت اداره اموال را برعهده خواهد داشت.

ماده ۴۱- نحوه محاسبه کلیه مهلتها و مواعد مقرر در قراردادها و این قانون تابع قانون آیین دادرسی مدنی است، مگر به موجب قرارداد یا قانون برخلاف آن مقرر شده باشد.

## فصل دوم - دلالی

ماده ۴۲- دلالی عقدی است که به موجب آن دلال در برابر دیگری (آمر) تعهد می‌کند که برای او طرف معامله پیدا کند و در انعقاد معامله با طرف مذکور وساطت نماید.

### مبحث اول - حقوق و تکالیف دلال

ماده ۴۳- دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی کند و شخصاً نیز به تجارت بپردازد.

ماده ۴۴- دلال می‌تواند در یک زمان برای چند آمر دلالی کند. در این صورت، باید آنها را از این موضوع و مسائل دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود آگاه کند.

ماده ۴۵- دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول خسارات ناشی از تقصیر خود است.

ماده ۴۶- دلال باید اطلاعات صحیح و کاملی را در مورد جزئیات معاملات مرتبط با موضوع دلالی به طرفین معامله ارائه کند، حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد.

ماده ۴۷- دلال نمی‌تواند از سوی یکی از طرفین معامله، وجهی را دریافت، دینی را تأدیه و یا اینکه تعهدات وی را اجراء کند، مگر اینکه چنین اجازه‌ای داشته باشد.

ماده ۴۸- دلال مسؤول حفظ و نگهداری کلیه اشیاء و اسنادی است که ضمن معاملات به او تسلیم می‌شود، مگر اینکه ثابت کند تلف اشیاء یا اسناد مذکور ناشی از علتی است که به شخص او یا کارکنان وی مستند نیست.

ماده ۴۹- هرگاه اسناد معامله در حضور دلال، امضاء و یا به وسیله او رد و بدل شود، دلال ضامن اصالت امضاها و مندرج در اسناد مذکور است.

ماده ۵۰- دلال ضامن اجرای معاملاتی که به وساطت او منعقد می‌شود نیست.

ماده ۵۱- دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که به عنوان طرف معامله به امر خود معرفی می کند، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسئولیت معاف شده باشد. با این حال در صورت تقصیر دلال، شرط عدم مسئولیت وی مانع از رجوع به او نخواهد بود. دلال در مقابل طرف قرارداد، ضامن اعتبار امر خود نیست.

ماده ۵۲- دلال در مورد ارزش یا جنس کالای مورد معامله در برابر امر مسؤول است، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسئولیت معاف شده باشد. با این حال، شرط عدم مسئولیت دلال مانع از رجوع به وی در صورت تقصیر نیست.

ماده ۵۳- هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کنند، دلال در مقابل متعهدله مسؤول اجرای معامله است.

ماده ۵۴- چنانچه دلال در معامله موضوع قرارداد دلالی ذی نفع یا سهام باشد، باید طرف ناآگاه را از این امر مطلع کند. در غیر این صورت مسؤول خسارات وارد شده است و به جزای نقدی از یک دهم تا نصف ارزش مورد معامله محکوم می شود.

ماده ۵۵- در صورتی که دلال در معامله سهام باشد، با امر خود متضامناً مسؤول اجرای تعهد است.

ماده ۵۶- دلال حق ندارد برخلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی سأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام یا برخلاف عرف تجارته محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه های صرف شده نیست و به جزای نقدی درجه چهار و دو سال محرومیت از دلالی محکوم می شود.

### مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های دلال

ماده ۵۷ - میزان اجرت دلال به موجب قرارداد تعیین می‌شود. در صورت وجود تعرفه مصوب مراجع ذیصلاح، میزان اجرت دلال نباید از تعرفه مذکور بیشتر باشد.

ماده ۵۸ - دلال نمی‌تواند اجرت را مطالبه کند، مگر معامله به وساطت او منعقد شود.

ماده ۵۹ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت است.

ماده ۶۰ - مخارجی که دلال در اجرای دلالتی با اذن یا اجازه آمر متحمل شده است، حتی در صورت عدم انعقاد معامله نیز، قابل مطالبه است.

ماده ۶۱ - اجرت و مخارج دلال بر عهده طرفی است که او را مأمور می‌کند، مگر اینکه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۶۲ - در صورتی که معامله، اقاله یا به استناد یکی از خیارات قانونی فسخ شود، حق مطالبه اجرت از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه اقاله یا فسخ معامله به دلال مستند نباشد.

ماده ۶۳ - دلالتی معاملات ممنوع، اجرت ندارد.

ماده ۶۴ - در موردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدات طرفین یا زمانی که در قرارداد معین شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دو طرف از این قید معاف شده باشد. کالای فاسدشدنی از شمول این حکم مستثنی است.

ماده ۶۵ - دلال مکلف است از هرگونه افشای اسرار دو طرف معامله، که وی به اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است، خودداری کند. در صورت افشای اسرار مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، مسؤول جبران خسارات وارده است.

ماده ۶۶- دلال باید کلیه معاملاتی را که به وساطت او انجام گرفته است، با ذکر نوع و مشخصات معامله و طرفهای آن در یک دفتر الکترونیک ثبت کند.

### فصل سوم - حق العمل کاری

ماده ۶۷- حق العمل کاری عقدی است که به موجب آن شخصی در مقابل دیگری (آمر) تعهد می کند که به نام خود و حساب او معامله نماید.

#### مبحث اول - حقوق و تکالیف حق العمل کار

ماده ۶۸- حق العمل کار باید آمر را از اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام دادن معامله به فوریت مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به او اطلاع دهد.

ماده ۶۹- حق العمل کار مکلف به بیمه کردن موضوع معامله نیست، مگر اینکه آمر دستور داده یا قانون مقرر کرده باشد.

ماده ۷۰- حق العمل کار مسؤول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر یا تقلب او ناشی می شود.

ماده ۷۱- اگر کالایی که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال می شود دارای عیوب ظاهری باشد، حق العمل کار باید برای حفظ حق رجوع آمر به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت، اقدامات لازم را انجام دهد و به نحو مقتضی کالا را محافظت و آمر را از اقدامات خود آگاه کند. در غیراین صورت مسؤول خسارت ناشی از این تقصیر است.

ماده ۷۲- اگر فروش کالایی که برای حق العمل کار ارسال می گردد ممکن نشود و یا آمر از اذن فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد، وی می تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده ۷۳- در هر صورت، چنانچه بیم فساد سریع کالایی رود که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال شده است، حق العمل کار می تواند و در صورتی



که منافع امر ایجاب کند مکلف است کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده ۷۴- در صورتی که حق العمل کار بدون رضایت امر مالی را به اقساط یا نسیه بفروشد یا به صورت سلف بخرد یا برای خرید، پیش پرداختی بدهد، ضررهای ناشی از آن برعهده وی است. با وجود این، اگر خرید یا فروش به نحو مذکور مطابق رویه بین طرفین یا عرف تجارتهی محل اجرای حق العمل کاری باشد، حق العمل کار به انجام آن مجاز است، مگر اینکه امر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۷۵- چنانچه حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که امر معین کرده، بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه امر معین کرده، بخرد، در برابر امر مسؤول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق العمل کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتر به امر بوده و کسب اجازه از وی در آن زمان مقدور نبوده است.

ماده ۷۶- اگر حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که امر معین کرده است بخرد یا به بیشتر از قیمتی که امر تعیین کرده است بفروشد، حق تصرف در تفاوت قیمت را ندارد و باید تفاوت آن را به حساب امر منظور کند.

ماده ۷۷- در موارد زیر حق العمل کار می تواند خود طرف معامله قرار گیرد:

۱- چنانچه امر صریحاً به حق العمل کار اذن داده باشد.

۲- چنانچه حق العمل کار مأمور به خرید و یا فروش کالا، اسناد تجارتهی و یا سایر اوراق بهاداری باشد که قیمت بورسی یا بازاری دارد، مگر اینکه امر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۷۸- در موارد مذکور در ماده (۷۷) اگر امر از امر خود رجوع کند و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.

ماده ۷۹- در موارد مذکور در ماده (۷۷)، اگر معامله را بدون تعیین طرف معامله به امر اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب می شود.

ماده ۸۰- در مواردی که حق العمل کار خود نمی تواند طرف معامله واقع شود، مکلف است طرف معامله را به امر معرفی کند.

ماده ۸۱- حق العمل کار در مقابل امر مسؤول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر اینکه مجاز به معامله به اعتبار نباشد یا خود طرف معامله را ضمانت کرده باشد یا در قرارداد امر و حق العمل کار مسؤولیت او مقرر شده باشد یا عرف تجارتهی محل او را مسؤول بشناسد.

#### مبحث دوم- اجرت و هزینه های حق العمل کاری

ماده ۸۲- مفاد ماده (۵۷) این قانون درباره میزان حق العمل نیز مجری است. حق العمل کار در صورتی مستحق حق العمل است که معامله اجراء شده یا عدم اجرای آن به امر مستند باشد. اگر معامله به علل دیگری که مستند به حق العمل کار نیست، اجراء نشود، حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف تجارتهی محل اجرای حق العمل کاری معین می کند.

ماده ۸۳- هزینه هایی که صرف آن برای انجام حق العمل کاری ضروری بوده است، حتی در صورت عدم استحقاق حق العمل نیز قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۸۴- در موارد مذکور در ماده (۷۷) این قانون، حق العمل کار مستحق حق العمل و مخارج عادی حق العمل کاری است و باید قیمت را طبق نرخ بازار در روز انجام حق العمل کاری منظور کند.

ماده ۸۵- در صورت تقلب حق العمل کار از جمله در موردی که حق العمل کار به حساب امر قیمتی بیشتر از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش محسوب کند، وی مستحق حق العمل نیست. علاوه بر این، در دو صورت اخیر امر می تواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

ماده ۸۶- حق العمل کار برای وصول مطالبات خود از آمر نسبت به اموال موضوع معامله یا قیمتی که اخذ کرده است، حق حبس دارد؛ با این حال در خصوص اموال قابل تجزیه نمی تواند بیش از طلب خود را حبس نماید.

#### فصل چهارم - نمایندگی تجارتي

ماده ۸۷- نمایندگی تجارتي عبارت است از تعهد به بازاریابی، انجام مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد و یا ارائه خدمات به نام و به حساب دیگری، به نحو مستمر، بدون اینکه نماینده، مستخدم یا اجیر طرف دیگر باشد.

ماده ۸۸- مقررات این فصل مانع اعمال مقررات مربوط به نمایندگی هایی که قانون در مورد آنها ترتیب دیگری مقرر کرده است، نمی باشد.

#### مبحث اول - حقوق و تکالیف طرفین نمایندگی تجارتي

ماده ۸۹- نماینده تجارتي می تواند نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند، مگر اینکه به موجب قرارداد از قبول نمایندگی دیگری منع شده باشد. در هر حال، چنانچه نماینده تجارتي نمایندگی شخص دیگری را بپذیرد که در همان موضوع نمایندگی با اعطاء کننده نمایندگی رقابت دارد، این موضوع را باید به اطلاع اعطاء کننده نمایندگی برساند.

ماده ۹۰- اعطاء کننده نمایندگی می تواند در محدوده جغرافیایی مشخص به اشخاص متعدد نمایندگی تجارتي اعطاء و یا خود به عرضه کالا و یا خدمات اقدام کند، مگر اینکه با نماینده تجارتي به نحو دیگری توافق کرده باشد.

ماده ۹۱- نماینده تجارتي و اعطاء کننده نمایندگی باید اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی از جمله پیش بینی خود در خصوص حجم معاملات و تغییرات آن و کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع نمایندگی را مبادله کنند.

ماده ۹۲- نماینده مسؤول تلف یا نقصان کالاهایی است که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در تصرف دارد، مگر اینکه ثابت کند تلف یا نقص، مستند به او یا اشخاص تحت امر وی نبوده است.

ماده ۹۳- نمایندگی تجارتهی باید در دفتر ثبت تجارتهی به ثبت برسد، در غیر این صورت محل اجرای نمایندگی مهر و موم (پلمب) می شود.

ماده ۹۴- چنانچه اقامتگاه اعطاءکننده نمایندگی خارج از کشور باشد، نماینده تجارتهی نیز مسؤول اجرای قراردادهایی است که به عنوان نماینده با اشخاص ثالث منعقد کرده است.

ماده ۹۵- قرارداد نمایندگی از حیث مدت محدود است، مگر اینکه بر نامحدودبودن آن تصریح شده باشد.

ماده ۹۶- در قرارداد نمایندگی محدود، مدت نمایندگی باید در قرارداد نمایندگی تعیین شود و الا مدت نمایندگی دو سال فرض می شود.

ماده ۹۷- چنانچه اعطاءکننده نمایندگی قرارداد را پیش از موعد فسخ نماید، نماینده مستحق خسارات وارده خواهد بود، مشروط بر اینکه این فسخ ناشی از تقصیر نماینده نباشد. فسخ قرارداد نمایندگی نامحدود پیش از دو سال از زمان اجرائی شدن قرارداد نیز مشمول همین حکم است.

ماده ۹۸- در صورت عدم ایفای تعهدات از سوی هریک از طرفین نمایندگی تجارتهی، از جمله قطع رابطه نمایندگی به وسیله یکی از طرفین بدون علت موجه، متخلف مسؤول جبران زیانهای وارده به طرف مقابل است. چنانچه رابطه نمایندگی قطع شود، زیان دیده می تواند حداکثر ظرف مدت یکسال از تاریخ قطع رابطه برای مطالبه خسارات وارده اقامه دعوا کند.

ماده ۹۹- قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید به منطقه جغرافیایی مشخص، نوع کالاها و خدماتی که موضوع قرارداد نمایندگی است و گروه اشخاصی که فعالیت نماینده

تجارتی به آنها مربوط می‌شود، محدود باشد و الا باطل است. شرط عدم رقابت، حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

### مبحث دوم- اجرت و هزینه‌های نماینده تجار

ماده ۱۰۰- میزان اجرت نماینده به موجب قرارداد تعیین می‌شود.

ماده ۱۰۱- نماینده تجار می‌تواند به موجب اینک موضوع نمایندگی انجام بازاریابی و یا مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد یا ارائه خدمات باشد، به ترتیب به محض انعقاد قرارداد به وسیله اعطاءکننده نمایندگی، اجرای قرارداد یا ارائه خدمت به وسیله نماینده، مستحق اجرت می‌شود. چنانچه عدم انعقاد یا اجرای قرارداد مستند به اعطاءکننده نمایندگی باشد، نماینده حسب مورد، پس از گذشت زمان متعارفی که قرارداد باید در آن مدت منعقد می‌شد یا پس از گذشت زمانی که قرارداد باید در آن مدت اجراء می‌گردید، مستحق اجرت می‌شود. اگر معامله به علل دیگری منعقد یا اجراء نشود، نماینده تجار می‌تواند برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف محل اجرای نمایندگی معین می‌کند، مشروط بر آنکه عدم انعقاد یا اجراء مستند به نماینده نباشد.

ماده ۱۰۲- نماینده انحصاری از بابت کلیه اقدامات اعطاءکننده نمایندگی در حدود موضوع قرارداد و یا اشخاصی که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در حوزه نمایندگی انحصاری اقدام کرده‌اند، مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۱۰۳- اگر اعطاءکننده نمایندگی ظرف مدت متعارف، نماینده را از عدم انعقاد یا عدم اجرای قراردادی که نماینده حسب مورد مذاکرات مقدماتی آن را انجام داده یا آن را منعقد کرده است، مطلع نکند، نماینده مستحق اجرت است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۱۰۴- پس از خاتمه قرارداد نمایندگی، نماینده تجار می‌تواند، مشروط بر بابت انعقاد یا اجرای قراردادهایی که در مدت متعارفی پس از خاتمه قرارداد

نمایندگی و در نتیجه فعالیت‌های نماینده در طول دوره نمایندگی منعقد یا اجراء می‌شوند، مستحق اجرت است.

ماده ۱۰۵- چنانچه طبق ماده (۱۰۴) این قانون نماینده تجارتنی سابق مستحق اجرت باشد، نماینده جدید در آن مورد حق مطالبه اجرت ندارد، مگر اینکه قرارداد وی با اعطاکننده نمایندگی استحقاق اجرت را ایجاب کند یا فعالیت او نیز در انعقاد یا اجرای قرارداد مؤثر بوده است که در این صورت براساس شرایط و اوضاع و احوال اجرت بین آنان تقسیم می‌شود.

ماده ۱۰۶- اعطاکننده نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت سه‌ماه از تاریخ استحقاق اجرت، فهرست اجرت‌های پرداخت‌نشده را به نماینده تجارتنی تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی باشد که اجرت براساس آنها محاسبه شده است. همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوط باید به فهرست مذکور ضمیمه شود.

ماده ۱۰۷- درموردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده و دو طرف پس از انقضای مدت آن را ادامه می‌دهند، تعهدات قراردادی آنها باقی است، مگر آنکه یکی از دو طرف با اخطار قبلی سه‌ماهه، آن را خاتمه دهد. دو طرف قرارداد نمی‌توانند به مهلتی کمتر از مهلت مذکور توافق کنند و اگر به مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش‌بینی‌شده برای اعطاءکننده نمایندگی نباید کوتاهتر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارتنی پیش‌بینی شده است. چنانچه قرارداد به علت تقصیر یکی از دو طرف یا حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع منحل شود، مقررات این ماده لازم‌الرعایه نیست. اگر قرارداد برای مدت نامحدود منعقد شده باشد، مقررات این ماده مجری است.

ماده ۱۰۸- هرکس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی از طرف دیگری نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده، به جزای نقدی درجه سه قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

### فصل پنجم - حمل و نقل

ماده ۱۰۹- قرارداد حمل و نقل قراردادی است که به موجب آن متصدی حمل و نقل در برابر دیگری تعهد می‌کند که اشخاص و یا کالاهایی را از محلی به محل دیگر حمل کند. شخصی که به نام یا به حساب وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است، «فرستنده» و شخصی که مجاز به دریافت کالا در مقصد می‌باشد، «گیرنده» نامیده می‌شود.

تبصره- کالا شامل هرگونه مال منقول می‌گردد. در موردی که کالا در داخل بارگنج (کانتینر)، جعبه، قفس یا بارکف (پالت) یا هر وسیله مشابه دیگری قرار داده شده یا به گونه‌ای بسته‌بندی شده، کالا شامل بارگنج (کانتینر)، جعبه، قفس، بارکف (پالت) و وسایل مشابه دیگر نیز می‌گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

ماده ۱۱۰- حمل و نقل به وسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره وسایل نقلیه زمینی، هوایی، ریلی و یا دریایی تابع مقررات این فصل نیست. قراردادهای حمل و نقل، هرچند به صورت قرارداد اجاره تنظیم شود، مشمول این فصل است.

ماده ۱۱۱- قراردادهای مشمول معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته، مشمول مقررات این فصل نیست. در موارد سکوت این قانون، حسب مورد مقررات معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته تا حدی که بر حمل و نقل داخلی قابل اعمال باشد مجری است.

### مبحث اول - حقوق و تکالیف متصدی حمل و نقل

ماده ۱۱۲- متصدی حمل و نقل مکلف است کالا را به طور سالم به مقصد برساند. اگر کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسؤول قیمت کالا در روز پرداخت و خسارات آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن کالا به

جنس آن و یا تقصیر فرستنده و یا گیرنده منسوب است و یا ناشی از دستورات و یا اطلاعاتی بوده است که یکی از آنها داده‌اند و یا به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع مستند است. طرفین می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارت، مبلغی بیشتر از قیمت کل کالا را معین کنند اما شرط تحدید خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

ماده ۱۱۳- اگر بسته‌بندی کالا عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل و نقل نیز کالا را بدون قید عدم‌مسئولیت قبول کند، مسؤول خسارت است.

ماده ۱۱۴- متصدی حمل و نقل مطابق این قانون مسؤول خساراتی است که در مدت حمل و نقل واقع می‌شود، اعم از اینکه خود، مباشر حمل و نقل باشد یا متصدی حمل و نقل دیگری را مأمور کرده باشد. در صورت اخیر متصدی حمل و نقل حق رجوع به حمل‌کننده و یا متصدی حمل و نقل فرعی را دارد. تبصره- متصدی حمل و نقل فرعی متصدی حمل و نقلی است که اجرای قرارداد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل اصلی به او واگذار شده است.

ماده ۱۱۵- در مورد خسارات ناشی از تأخیر تسلیم، عیب و یا نقص کالا، متصدی حمل و نقل در حدود ماده (۱۱۲) این قانون مسؤول است. میزان خسارات مذکور نباید از خسارات ناشی از تلف تمام کالا تجاوز کند، مگر اینکه در قرارداد، خلاف این ترتیب مقرر شده باشد.

تبصره ۱- تأخیر در تسلیم هنگامی رخ می‌دهد که کالا در مدت یا تاریخ مورد توافق و در صورت فقدان چنین توافقی، در مدت متعارفی که با توجه به اوضاع و احوال از متصدی مواظب انتظار می‌رود یا قبل از آن، به گیرنده تسلیم نشده باشد.



تبصره ۲- اگر از موعد تحویل کالا مطابق تبصره (۱) این ماده بیش از شصت روز سپری شده و کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت می‌تواند آن را تلف یا گمشده فرض کند.

ماده ۱۱۶- چنانچه کالا بدون هیچ قیدی توسط گیرنده قبول و کرایه آن تأدیه شود، هیچ دعوایی علیه متصدی حمل و نقل جز در مورد تدلیس و یا تقصیر سنگین پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی حمل و نقل مسئول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده، آن خسارت را به فوریت پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز بعد از تحویل گرفتن کالا ارسال شود.

ماده ۱۱۷- متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را مطلع کند.

ماده ۱۱۸- اگر گیرنده، کالا را قبول نکند یا در دسترس نباشد و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت حمل کالا مطابق قرارداد تأدیه نشود، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به فرستنده اطلاع دهد و کالا را به طور موقت نزد خود به عنوان امانت نگهدارد یا نزد ثالثی به امانت گذارد. در این موارد، هزینه‌های ناشی از این امر برعهده فرستنده است و متصدی حمل و نقل مسئول خسارات ناشی از نقص و عیب نیست، مگر آنکه تقصیر او ثابت شود.

ماده ۱۱۹- گیرنده‌ای که بدو از گرفتن کالا امتناع کرده است می‌تواند از متصدی حمل و نقل بخواهد که کالا را به وی تحویل دهد، مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده ۱۲۰- اگر فرستنده و یا گیرنده، در فروض موضوع ماده (۱۱۸) این قانون، در مدت مناسبی تکلیف کالا را معین نکنند یا هزینه‌هایی که برای کالا شده است از قیمت آن بیشتر شود، متصدی حمل و نقل می‌تواند و در صورتی که منافع صاحب کالا اقتضاء می‌کند، مکلف است آن را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده ۱۲۱- اگر کالا در معرض ضایع شدن سریع باشد، متصدی حمل و نقل باید به فوریت کالا را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده ۱۲۲- مسئولیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه‌ای شروع می‌شود که کالا در مبدأ حمل در اختیار او، نماینده یا قائم مقام وی قرار می‌گیرد و تا زمانی که در مقصد در اختیار گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

ماده ۱۲۳- مهلت اقامه دعاوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل، جز در موارد تدلیس و تقصیر سنگین، یک سال است. مبدأ این مدت در مورد تلف یا گم شدن کالا یا تأخیر در تسلیم، روزی است که کالا باید در آن روز به گیرنده تسلیم می‌گردید و در مورد سایر خسارات وارده به کالا، روزی است که مال به گیرنده تسلیم شده است.

ماده ۱۲۴- متصدی حمل و نقل مسؤول جبران کلیه خسارات جانی مسافران است، مگر اینکه ثابت کند خسارت به خود مسافر و یا حوادث خارجی غیر قابل پیش‌بینی غیر قابل رفع مستند است. در مورد خسارات وارده به کالاهای مسافران رعایت مواد (۱۱۲) تا (۱۱۶) و (۱۲۳) این قانون الزامی است.

### مبحث دوم- حقوق و تکالیف فرستنده و گیرنده کالا

ماده ۱۲۵- فرستنده کالا باید موارد زیر را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد:

- ۱- هویت و نشانی دقیق گیرنده
- ۲- نشانی دقیق محل تحویل کالا
- ۳- تعداد بسته‌ها و روش بسته‌بندی
- ۴- وزن و محتوای بسته‌ها
- ۵- زمان مقرر برای تسلیم کالا به گیرنده
- ۶- مسیر حمل کالا
- ۷- فهرست اشیای گرانبها و قیمت آنها

۸- چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای خطرناک، آتش‌زا، تبخیرشونده، فاسدشدنی، خورنده و حیوانات، خطرات احتمالی ناشی از حمل و نیز دستورهای لازم برای نگهداری و حمل آنها

۹- اسناد لازم برای حمل کالا در صورت اقتضاء

ماده ۱۲۶- خسارات ناشی از عدم اطلاع موارد مذکور در ماده (۱۲۵) این قانون یا اطلاع‌رسانی نادرست آنها با رعایت موارد زیر برعهده فرستنده است:

۱- در خصوص بند (۸) ماده (۱۲۵) این قانون اگر متصدی از خطرات حمل کالا مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به عدم اطلاع‌رسانی فرستنده استناد کند.

۲- اگر فرستنده مسیر معینی را برای حمل تعیین نکرده باشد متصدی حمل و نقل باید بهترین مسیر را انتخاب کند و در غیر این صورت و نیز در صورتی که خلاف مسیر معین شده را بپیماید مسؤول خسارات وارده است مگر آنکه اثبات کند منافع فرستنده تغییر مسیر را ایجاب می‌نموده و در آن زمان امکان اخذ دستور جدید برایش مقدور نبوده است.

۳- چنانچه اسنادی برای حمل کالا لازم باشد، فرستنده مکلف است این اسناد را در اختیار متصدی قرار دهد. مسؤولیت نقص اسناد مذکور یا عدم مطابقت آن با فرستنده است. با این حال اگر متصدی از نقص یا عدم مطابقت اسناد مذکور مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به کامل نبودن یا اطلاع ندادن فرستنده استناد کند.

ماده ۱۲۷- فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته‌بندی کند و عهده‌دار خسارت ناشی از عیوب بسته‌بندی است، ولی خسارات ناشی از بارگیری، بارچینی و تخلیه نادرست برعهده متصدی حمل و نقل است.

ماده ۱۲۸- تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند آن را با پرداخت مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل

شده است، مسترد کند. همچنین تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می تواند توقف حمل یا تغییر مقصد یا تغییر گیرنده کالا را دستور دهد، به شرطی که نسخه اول بارنامه که در بردارنده دستورهای جدید است به متصدی ارائه شده و هزینه دستورهای جدید نیز پرداخت یا تضمین گردد. در این صورت متصدی مکلف به رعایت دستورهای صادر شده است، مشروط بر اینکه امکان اجرای دستورهای مذکور وجود داشته باشد و لطمه‌ای به حقوق فرستندگان و گیرندگان سایر کالاهایی که با همان کالاهای دستوردهنده حمل می شوند نزنند و موجب تقسیم کالاها نشود.

ماده ۱۲۹- در موارد زیر فرستنده نمی تواند از حق مذکور در ماده (۱۲۸)

این قانون استفاده کند:

- ۱- بارنامه به گیرنده تسلیم شده باشد.
- ۲- متصدی حمل و نقل به فرستنده کالا رسیدی داده باشد و فرستنده نتواند آن را مسترد کند.
- ۳- در صورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.
- ۴- گیرنده، پس از رسیدن کالا به مقصد، تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.
- ۵- در بارنامه قید شده باشد که حق در اختیار گرفتن کالا به گیرنده منتقل شده است.

ماده ۱۳۰- متصدی حمل و نقل در موارد مذکور در ماده (۱۲۹) این قانون

باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. با این حال در بند (۲) ماده مذکور، مادام که کالا به مقصد نرسیده است، متصدی حمل و نقل نباید از دستور گیرنده تبعیت کند، مگر اینکه رسید مذکور به گیرنده تسلیم شده باشد و گیرنده آن را به متصدی حمل ارائه کند. همچنین چنانچه گیرنده از گرفتن کالا امتناع ورزد، فرستنده بدون اینکه مجبور به ارائه نسخه اول بارنامه باشد، حق موضوع ماده (۱۲۸) این قانون

را خواهد داشت. در این صورت گیرنده‌ای که از گرفتن کالا امتناع کرده است می‌تواند از متصدی بخواهد که کالا را تحویل وی دهد مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده ۱۳۱- اگر گیرنده میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت حمل کالا مطالبه می‌کند قبول نکند، حق ندارد تسلیم کالا را تقاضا کند، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا ختم اختلاف در صندوق دادگستری تودیع کند. چنانچه مبلغ مطالبه شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف، مقررات و یا عرف تجارتهی مبلغ لازم التودیع را مشخص می‌کند.

ماده ۱۳۲- در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلافی باشد، دادگاه صالح می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور دهد که کالا تا ختم دادرسی نزد شخص ثالثی به امانت گذاشته یا در صورت ضرورت فروخته شود. تودیع یا فروش باید پس از تنظیم صورت‌مجلسی حاکی از وضع کالا و یا ضرورت فروش عندالاقضاء انجام گیرد. با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت کالا ادعا می‌شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می‌توان از فروش کالا جلوگیری کرد. چنانچه مبلغ مطالبه شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف مبلغی را که تودیع آن لازم است، مشخص می‌کند.

#### مبحث سوم - بارنامه

ماده ۱۳۳- بارنامه سندی است که بنا بر تقاضای فرستنده توسط متصدی حمل و نقل یا نماینده او صادر می‌شود و بر مالکیت کالا برای دارنده آن، وجود قرارداد حمل و نقل، دریافت کالا توسط متصدی و تعهد وی مبنی بر تسلیم کالا در ازای دریافت آن، دلالت می‌کند.

ماده ۱۳۴- بارنامه، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی حمل و نقل، حداقل باید حاوی اطلاعات ذیل باشد:

- ۱- عنوان «بارنامه»؛
  - ۲- مکان و تاریخ صدور سند؛
  - ۳- هویت فرستنده؛
  - ۴- هویت متصدی حمل و نقل؛
  - ۵- هویت گیرنده کالا، اگر بارنامه به نفع حامل نباشد؛
  - ۶- مبدأ و مقصد کالا؛
  - ۷- اطلاعات ویژه‌ای که کالای موضوع قرارداد را مشخص می‌کند مانند: وزن، حجم، کیفیت بسته‌بندی، تعداد بسته‌ها و هر اطلاع دیگری که برای تعیین ماهیت کالا و قیمت آن لازم است؛
  - ۸- تاریخ تحویل کالا یا مدتی که کالا باید در آن مدت تسلیم شود و تاریخ بارگیری؛
  - ۹- اجرت حمل و نقل و هزینه‌های دیگر با بیان اینکه برعهده فرستنده است یا گیرنده؛
  - ۱۰- شرایطی که در قرارداد حمل و نقل بیان شده است از قبیل شرایط ویژه بارگیری یا تخلیه؛ نوع وسیله انتخابی، مسیر تعیین شده، حدود مسؤلیت‌ها و اعلام صریح خطرناک بودن کالا در موارد مقتضی؛
  - ۱۱- وضعیت ظاهری کالا.
- تبصره ۱- بارنامه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از آن که به امضاء یا مهر و امضای صادرکننده رسیده است، به فرستنده تسلیم می‌شود. در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.
- تبصره ۲- عدم ذکر مفاد بند (۹) این ماده در بارنامه، اماره بر این است که اجرت و سایر هزینه‌ها برعهده فرستنده است و متصدی حمل و نقل نمی‌تواند از شخص ثالث ناآگاهی که بارنامه به او انتقال یافته است، اجرت و سایر هزینه‌ها را مطالبه نماید.

تبصره ۳- وزارت راه و شهرسازی مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور بارنامه الکترونیک به وسیله متصدیان حمل و نقل ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت بارنامه برای دریافت کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده ۱۳۵- بارنامه ممکن است به صورت «قابل انتقال» یا «غیرقابل انتقال» صادر شود. بارنامه قابل انتقال محسوب می شود، مگر آنکه خلاف آن در بارنامه تصریح شده باشد.

ماده ۱۳۶- بارنامه «قابل انتقال» بنابر تقاضای فرستنده ممکن است به حواله کرد شخص معین یا به نفع حامل صادر شود. در صورتی که بارنامه به حواله کرد شخص معین صادر شده باشد با امضای دارنده در ظهر بارنامه قابل انتقال است. بارنامه ای که به نفع حامل صادر شده باشد با قبض و اقباض قابل انتقال است.

ماده ۱۳۷- در بارنامه «غیرقابل انتقال» ذکر نام گیرنده الزامی است و نقل و انتقال آن مشمول ماده (۱۳۶) این قانون نیست.

ماده ۱۳۸- در صورت انتقال بارنامه، متصدی حمل و نقل نمی تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه از جمله گیرنده به عدم دریافت کالا و در خصوص بارنامه «بارگیری شده» به عدم بارگیری آن وفق بارنامه استناد نماید.

ماده ۱۳۹- فرستنده در برابر متصدی حمل و نقل مسئول اظهاراتی است که برای درج در بارنامه در مورد مشخصات کالا مانند جنس، وزن و تعداد آن ارائه کرده است. در هر صورت متصدی حمل و نقل نمی تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه به خلاف واقع بودن اظهارات فرستنده استناد نماید.

ماده ۱۴۰- در صورتی که متصدی حمل و نقل یا نماینده او ظن قوی و موجه در خصوص عدم صحت اظهارات مذکور در بند (۷) ماده (۱۳۴) این قانون از سوی فرستنده، داشته باشد و به دلیل مواردی از قبیل بارگیری شدن یا نحوه بسته بندی کالا، امکان شناسایی یا تعیین وزن و سایر خصوصیات آن وجود نداشته باشد، متصدی حمل و نقل یا نماینده او باید مواردی را که ظن به

عدم صحت آن دارد به همراه دلایل خود در بارنامه قید نماید. در این صورت متصدی حمل و نقل در برابر فرستنده و شخص ثالث مسؤول خسارات ادعایی در خصوص موارد قید شده نیست. صدور بارنامه بدون هیچ قیدی، دلالت بر این دارد که کالا به نحو مذکور در بارنامه تحویل گرفته شده است.

ماده ۱۴۱- دریافت بارنامه از سوی فرستنده و عدم اعتراض به مفاد آن به معنای پذیرش موارد مندرج در آن است. در صورت پذیرش بارنامه از سوی فرستنده اگر شرایط بارنامه با شرایط قرارداد حمل و نقل مغایر باشد، شروط مندرج در بارنامه ملاک عمل است.

ماده ۱۴۲- در صورتی که بارنامه صادر نشده باشد، فرستنده می تواند از متصدی حمل و نقل بخواهد رسیدی امضاء شده مبنی بر دریافت کالای موضوع قرارداد حمل و نقل را به وی تحویل دهد. رسید مذکور دلالت بر وجود قرارداد حمل و نقل بین طرفین داشته و به هنگام صدور بارنامه باید به متصدی حمل و نقل یا نماینده او مسترد گردد.

ماده ۱۴۳- تاریخ صدور بارنامه به عنوان تاریخ حمل تلقی می شود، مگر اینکه بارنامه شامل یادداشت بارگیری با درج تاریخ حمل باشد که در این صورت تاریخ درج شده در یادداشت بارگیری به عنوان تاریخ حمل تلقی می شود. در صورتی که صادرکننده بارنامه هنگام تنظیم بارنامه آن را مقدم بر تاریخ صدور بگذارد در مقابل تحویل گیرنده کالا مسؤول کلیه خسارات وارده به علت این تغییر تاریخ می باشد.

### فصل ششم - قرارداد امانت گذاری در انبار عمومی

ماده ۱۴۴- امانت گذاری در انبار عمومی قراردادی است که به موجب آن انباردار تعهد می کند کالایی را در قبایل صدور قبض انبار و قبض وثیقه تحویل گیرد و به حساب دارنده یا دارندگان اسناد مذکور نگهداری کند.



ماده ۱۴۵- قبض انبار و قبض وثیقه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از هریک از آنها که به امضاء یا مهر و امضای صادرکننده رسیده است، به امانت‌گذار تسلیم می‌شود. قبض انبار و قبض وثیقه باید دارای شماره انحصاری باشد و نحوه صدور آن به موجب آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده (۱۷۷) این قانون تعیین می‌شود.

ماده ۱۴۶- قبض انبار، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی انبار عمومی، حداقل باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

- ۱- عنوان «قبض انبار»؛
- ۲- هویت کامل امانت‌گذار؛
- ۳- هویت شخصی که قبض به نام و یا به حواله‌کرد او صادر می‌شود؛
- ۴- نشانی کامل امانت‌گذار؛
- ۵- جنس، وصف، مقدار یا تعداد و ارزش کالا؛
- ۶- تاریخ تودیع کالا؛
- ۷- نام و نشانی انبار عمومی و هویت متصدی آن؛
- ۸- هویت و اقامتگاه شرکت بیمه‌گر انبار عمومی؛
- ۹- میزان پوشش بیمه‌ای کالای تودیع شده؛
- ۱۰- تأدیه یا عدم تأدیه حقوق دولتی؛
- ۱۱- اجرت انباردار، شیوه پرداخت و مسؤل پرداخت آن.

ماده ۱۴۷- قبض وثیقه علاوه بر عنوان «قبض وثیقه» مشتمل بر موارد مذکور در بندهای (۲) تا (۱۰) ماده (۱۴۶) این قانون است و باید به صورت الکترونیک به قبض انبار ضمیمه شود.

ماده ۱۴۸- در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

ماده ۱۴۹- متصدی انبار عمومی مسئول حفظ و نگهداری کالایی است که به وی سپرده شده است. اگر کالای تودیع شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی مسئول جبران خسارت به میزان ارزش اظهارشده در قبض انبار است، مگر اینکه ثابت کند ورود خسارت از حوادث خارجی غیر قابل پیش بینی غیر قابل رفع ناشی شده و یا به عیوب بسته بندی خود کالا مربوط بوده است.

ماده ۱۵۰- چنانچه در کالای تودیع شده تغییراتی حاصل شود که نگهداری آن موجب افزایش هزینه نگهداری باشد، متصدی انبار مکلف است این امر را به مالک کالا اطلاع دهد.

ماده ۱۵۱- متصدی انبار مکلف است هرگونه ادعای اشخاص ثالث در خصوص مال به امانت گذاشته شده یا هرگونه توقیف قضائی آنها را به اطلاع امانت گذار برساند.

ماده ۱۵۲- اگر بسته بندی عیب ظاهر داشته و متصدی انبار عمومی، کالا را بدون قید عدم مسؤلیت در قبض انبار و قبض وثیقه قبول کرده باشد، انبار عمومی مسئول خسارات است.

ماده ۱۵۳- متصدی انبار عمومی باید کالای تودیع شده را در قبض مفقود شدن، آتش سوزی و سرقت بیمه کند. در صورتی که کالاهای تودیع شده قبلاً بیمه شده باشد، متصدی انبار تکلیفی برای بیمه کردن کالاها ندارد مگر بعد از سپری شدن زمان بیمه مذکور یا در صورتی که این بیمه برای پوشش دادن ضررهای احتمالی ناکافی باشد.

ماده ۱۵۴- در صورتی که کالای تودیع شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی، دارنده قبض انبار و قبض وثیقه نسبت به خسارات تأدیه شده از جمله خسارات تأدیه شده به وسیله بیمه همان حقوقی را خواهند داشت که نسبت به خود کالاها داشتند.

ماده ۱۵۵- اگر کالای تودیع شده در معرض تضییع سریع باشد و استیذان از دارنده قبض انبار مقدور نباشد، ماده (۱۲۱) این قانون لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۵۶- متصدی انبار عمومی برای وصول مطالبات خود از صاحب کالا بابت اجرت نگهداری کالا، نسبت به کالاهای تودیع شده در انبار و یا حاصل فروش کالا در موارد تعیین شده در این فصل، حق حبس دارد. با این حال در خصوص اموال قابل تجزیه نمی‌تواند بیش از طلب خود را حبس کند.

ماده ۱۵۷- تخلیه و بارگیری کالا در انبارهای عمومی برعهده متصدی انبار است، مگر اینکه بر خلاف آن تصریح شده باشد. در هر صورت متصدی انبار مسئول خساراتی است که از چیدن نادرست کالاها در انبار وارد می‌شود.

ماده ۱۵۸- متصدی انبار عمومی نمی‌تواند تحت هیچ عنوان، خواه به حساب خود یا به حساب دیگری، به فعالیت تجارتي بپردازد که موضوع آن کالاهایی از نوع همان کالایی باشد که وی مجاز به صدور قبض انبار و وثیقه برای آنها است. در غیر این صورت به محرومیت از صدور قبض انبار و قبض وثیقه به مدت شش ماه تا دو سال و جزای نقدی درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. شرکا و یا سهامداران شرکت متصدی انبار عمومی نیز که بیش از ده درصد (۱۰٪) سرمایه ثبت شده شرکت را دارند از انجام فعالیت تجارتي در همان موضوع ممنوع می‌باشند در غیر این صورت به محرومیت از ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي و جزای نقدی درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

ماده ۱۵۹- متصدیان انبارهای عمومی مکلفند علاوه بر دفاتری که تنظیم و نگهداری آنها به موجب قوانین و مقررات ضروری است، دفتری الکترونیک را به ثبت کلیه کالاهایی که برای نگهداری در انبار عمومی تحویل می‌گیرند، اختصاص دهند. شماره قبض انبار و کلیه مندرجات آن باید به ترتیب تاریخ در این دفتر ثبت گردد. متصدی انبار عمومی باید امکان استعلام الکترونیک اصالت

قبض انبار و قبض وثیقه‌ای را که صادر کرده است، برای متقاضی دریافت آن مطابق آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده (۱۷۷) این قانون فراهم کند.

ماده ۱۶۰- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور قبض انبار و قبض وثیقه الکترونیک به وسیله متصدیان انبارهای عمومی ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت قبوض مذکور برای دریافت‌کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده ۱۶۱- امانت‌گذار باید جنس، نوع، مقدار یا تعداد، ارزش و سایر خصوصیات مؤثر در تعیین ماهیت کالا و نحوه بسته‌بندی کالای تودیع‌شده را به اطلاع متصدی انبار عمومی برساند.

ماده ۱۶۲- امانت‌گذار، دارنده برگ وثیقه و یا قائم مقام او حق دارد در هر زمان از ساعت کاری انبار، از وضعیت کالایی که در انبار به امانت گذاشته اطلاع حاصل کرده و نمونه‌ای از آن را بررسی کند؛ مگر آنکه در این خصوص بین طرفین، توافق دیگری وجود داشته باشد.

ماده ۱۶۳- هرگاه کالای امانت گذاشته‌شده‌ای که قبض انبار و قبض وثیقه آن دریافت شده از اشیاء مثلی باشد، امانت‌گذار می‌تواند آن را با کالایی از همان نوع و با وصفی که در قبض رسید و قبض وثیقه به آنها تصریح شده عوض کند. در این صورت همه حقوق دارنده قبض انبار و قبض وثیقه و امتیازات آنها به کالای جدید تعلق می‌گیرد.

ماده ۱۶۴- امانت‌گذار می‌تواند کالای خود را به مجموعه‌های متعدد تجزیه و برای هر یک از مجموعه‌های مذکور قبض انبار و قبض وثیقه جداگانه درخواست کند. همچنین امانت‌گذار یا قائم مقام او می‌تواند با ارائه قبض انبار و قبض وثیقه و در صورت نبود قبض وثیقه با تودیع طلب و متفرعات احتمالی دارنده قبض وثیقه نزد صندوق انبار، قبض انبار و قبض وثیقه جدید در خصوص تمام یا بخشی از کالاها دریافت نماید.

ماده ۱۶۵- اگر دارنده قبض انبار کالا را بدون هیچ قیدی قبول و مخارج آن را تأدیه کند هیچ دعوایی علیه متصدی انبار عمومی جز در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی انبار عمومی مسؤول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده کالا پس از تسلیم کالا مراتب را فوراً به صورت کتبی به اطلاع متصدی انبار عمومی رسانده باشد. در هر حال این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز پس از تحویل گرفتن کالا ارسال شود. دعوای خسارت علیه متصدی انبار عمومی حداکثر باید ظرف مدت یکسال اقامه شود، در غیر این صورت مفاد این ماده در خصوص مسؤولیت متصدی انبار عمومی مجری نمی‌باشد. موارد تدلیس و تقصیر سنگین مشمول مهلت مذکور نیست.

ماده ۱۶۶- قبض انبار حسب درخواست امانت‌گذار به نام و یا به حواله‌کرد او صادر می‌شود. شخصی که قبض انبار به نام و یا حواله‌کرد او صادر شده است می‌تواند کالای تودیع شده را با ظهرنویسی قبض انبار به دیگری واگذار کند، مگر آنکه قبض انبار به صراحت به صورت غیرقابل انتقال صادر شده باشد. ظهرنویسی قبض انبار با درج تاریخ و هویت منتقل‌آلیه و امضای ظهرنویس و درج مراتب مربوط به انتقال یا عدم انتقال قبض وثیقه به همراه قبض انبار به عمل می‌آید. شخصی که قبض انبار به نفع وی ظهرنویسی شده است می‌تواند درخواست کند که مفاد ظهرنویسی در دفتر انبار ثبت گردد. تبصره- انتقال مالکیت کالا در هیچ مورد به حقوق کسی که قبض وثیقه به نفع او ظهرنویسی شده است لطمه‌ای نمی‌زند.

ماده ۱۶۷- صرفاً دارنده قبض وثیقه می‌تواند کالای تودیع شده را از طریق ظهرنویسی آن به وثیقه دهد. ظهرنویسی قبض وثیقه با درج تاریخ، هویت منتقل‌آلیه و امضای ظهرنویس به عمل می‌آید. ظهرنویس می‌تواند مبلغی را که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته می‌شود، در قبض وثیقه درج کند، در غیر این

صورت، چنین فرض می‌شود که مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده با ارزش اظهارشده آن در قبض انبار و وثیقه برابر است.

ماده ۱۶۸- شخصی که قبض وثیقه برای اولین بار به نفع وی ظهرنویسی شده است باید با اظهار قبض مذکور درج مراتب در دفتر انبار عمومی و تأیید آن بر روی قبض را از متصدی انبار عمومی بخواهد. ایادی بعدی که قبض وثیقه به نفع آنان ظهرنویسی شده باشد می‌توانند درخواست کنند که مفاد ظهرنویسی به همراه اقامتگاه ظهرنویس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده ۱۶۹- کسی که قبض انبار یا قبض وثیقه به نفع وی ظهرنویسی شده باشد می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرنویسی به همراه اقامتگاه ظهرنویس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده ۱۷۰- دارنده قبض انباری که قبض وثیقه همان قبض در تصرف وی نیست می‌تواند تمام یا بخشی از کالا را مسترد کند، مشروط بر آنکه مبلغی را که قبض وثیقه بابت آن به وثیقه‌گذارده شده و نزد انباردار به ثبت رسیده است نزد صندوق انبار تودیع کند.

ماده ۱۷۱- هرگاه قبض انبار بدون قبض وثیقه به متصدی انبار عمومی ارائه شود و وثیقه‌بودن کالا در دفاتر انبار عمومی یا قبض انبار ثبت نشده باشد، متصدی انبار عمومی باید تقاضای استرداد کالا را در دفاتر انبار ثبت کرده و به هزینه متقاضی در روزنامه کثیرالانتشار و سامانه الکترونیک انبار عمومی منتشر کند. اگر قبض وثیقه تا سی‌روز پس از انتشار به متصدی انبار عمومی ارائه نشود، وی باید کالا را به دارنده قبض انبار مسترد کند. در این صورت متصدی انبار عمومی و دارنده ناآگاه قبض انبار مسئولیتی در مقابل ارائه‌کننده قبض وثیقه ندارد.

ماده ۱۷۲- چنانچه طلبی که کالای تودیع‌شده در قبال آن به وثیقه گذاشته شده است در موعد مقرر پرداخت نشود، دارنده قبض وثیقه می‌تواند از

طریق مؤسسه حراجی کالای تودیع شده را بفروشد، مشروط بر آنکه مراتب نخستین ظهنویسی قبض وثیقه طبق صدر ماده (۱۶۸) این قانون ثبت شده باشد. دارنده قبض وثیقه برای وصول طلب خود از محل حاصل فروش پس از کسر حقوق دولتی احتمالی و هزینه‌های انبارداری و فروش بر سایر بستانکاران مقدم است.

ماده ۱۷۳- هرگاه قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج از مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است کم تر شود، وی می‌تواند برای وصول مابه‌التفاوت به هریک از ظهنویسان قبض وثیقه رجوع کند، مشروط بر آنکه حداکثر ظرف مدت سی روز از زمان سر رسید طلب فروش کالای تودیع شده را تقاضا کرده و از فروش آن بیش از پانزده روز سپری نشده باشد. در صورت عدم رعایت مواعد مذکور، حق رجوع به ظهنویسان را ندارد و فقط می‌تواند به ید ماقبل خود رجوع کند.

ماده ۱۷۴- اگر قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج بیش از مبلغی شود که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است، مازاد توسط مؤسسه حراجی به دارنده قبض انبار تسلیم می‌شود و در صورتی که وی به هنگام فروش کالا حاضر نباشد، مبلغ مذکور در صندوق انبار تودیع خواهد شد.

ماده ۱۷۵- اگر امانت‌گذار یا قائم‌مقامان وی پس از انقضای مدت امانت‌گذاری به استرداد کالای تودیع شده اقدام نکنند، متصدی انبار عمومی می‌تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی به فروش رساند. در صورتی که قرارداد امانت‌گذاری فاقد مدت باشد، پس از گذشت یک سال از تسلیم کالای تودیع شده ترتیب مذکور قابل اجراء است، مگر این که دارنده قبض انبار قبل از انقضای یک سال، استرداد کالا یا تجدید قرارداد امانت‌گذاری را از متصدی انبار عمومی بخواهد یا در قرارداد به نحو دیگری مقرر شده باشد. در مورد فروش کالای سریع‌الفساد ترتیب مقرر در ماده (۱۲۱) این قانون مجری می‌باشد.

ماده ۱۷۶- شخصی که قبض انبار یا قبض وثیقه او تلف، گم یا غیر قابل استفاده شود، می تواند الزام متصدی انبار عمومی به صدور نسخه المثالی قبض انبار و یا قبض وثیقه را به موجب دادخواست از دادگاه محل انبار عمومی تقاضا کند. دادگاه متقاضی را مکلف خواهد کرد تا موضوع را در دو نوبت در روزنامه کثیرالانتشار به فاصله ده روز منتشر کند. اگر تا ظرف مدت ده روز از انتشار آگهی دوم اعتراضی صورت نگیرد، دادگاه پس از احراز صحت ادعای متقاضی و دریافت ضامن معتبر یا وثیقه، حکم به صدور نسخه المثالی خواهد نمود. اگر بعد از گذشت یک سال از سررسید امانت و چنانچه امانت گذاری بدون مدت باشد دو سال از تاریخ امانت گذاری، کسی برای بازپس گیری کالا اقدام نکند، ذمه ضامن بریء یا وثیقه آزاد می شود.

ماده ۱۷۷- تأسیس و بهره برداری از انبارهای عمومی موضوع این فصل به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نظارت بر انبارهای عمومی به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه به وسیله وزارت مذکور تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۱۷۸- کلیه انبارهایی که به عنوان انبار عمومی فعالیت می کنند مکلفند ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ آیین نامه مذکور در ماده قبل به اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام کنند یا وضع خود را با مقررات آن تطبیق دهند. پس از انقضای مهلت مذکور تأسیس و یا بهره برداری از انبارهای عمومی برخلاف مقررات این قانون ممنوع و متخلف به جزای نقدی معادل نصف قیمت کالاهایی که در انبار نگهداری می کند محکوم می شود. دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم محکومیت، دستور تعطیلی انبار و تودیع کالاهای موجود در آن در یکی از انبارهای دارای مجوز فعالیت یا استرداد آنها به صاحبان کالاها را صادر کند. به علاوه رأی دادگاه که متضمن تعیین انباردار جدید است باید در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر شود.



### فصل هفتم - وثیقه تجارتي

ماده ۱۷۹ - از بابت هر دين يا تعهد مي توان وثيقه گرفت.

ماده ۱۸۰ - شخص ثالث مي تواند مال خویش را وثيقه دين يا تعهد ديگري قرار دهد.

ماده ۱۸۱ - وثيقه از دين يا تعهدي صحيح است که موجود بوده يا سبب آن ايجاد شده باشد.

ماده ۱۸۲ - وثيقه گذار بايد به محض انعقاد عقد، مال مورد وثيقه را به وثيقه پذير تسليم کند، مگر آنکه به نحو ديگري توافق شده باشد. در مورد اموالي که داراي سند رسمي است وثيقه پذير صرفاً مي تواند الزام وثيقه گذار به تنظيم سند رسمي وثيقه را از دادگاه بخواهد، مگر اينکه تسليم مادي آن مال نيز شرط شده باشد.

ماده ۱۸۳ - علم به جنس، وصف و مقدار مالي که به وثيقه گذاشته مي شود و علم به مقدار، اوصاف و شرايط ديني که وثيقه در مقابل آن اخذ مي شود، شرط صحت عقد نيست.

ماده ۱۸۴ - هر مال منقول يا در حکم منقولي مانند مطالبات، ورقه اختراع و حق سرفقلي مي تواند مورد وثيقه قرار گيرد، مشروط بر اينکه قابل واگذاري به غير باشد.

تبصره - مقررات اين فصل شامل رهن اموال غير منقول ذاتي نيست.

ماده ۱۸۵ - وثيقه در مقابل کل طلب و متفرعات آن محسوب است، مگر بر خلاف آن شرط شده باشد. هرگاه ثالثي مال خود را به عنوان وثيقه داده باشد، توقف تعلق متفرعات طلب به دين اصلي موجب توقف تعلق متفرعات بر مال مورد وثيقه نيز مي باشد.

ماده ۱۸۶- در صورت تسلیم وثیقه به وثیقه‌پذیر، وی به درخواست وثیقه‌گذار باید به او رسیدی دهد که در آن ماهیت چیزی که به وثیقه گذاشته شده است و نوع و مقدار و دیگر صفات مشخص‌کننده آن بیان شده باشد.

ماده ۱۸۷- اگر چند مال از بابت یک دین یا تعهد به وثیقه گذاشته شده باشد، حق تعیین مالی که به فروش گذاشته می‌شود از آن وثیقه‌پذیر است، مگر اینکه به گونه دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۸۸- هرگاه مالی مثلی به وثیقه گذاشته شود، وثیقه‌گذار می‌تواند مال مورد وثیقه را با مالی دیگر از همان نوع عوض کند. در صورتی که مال، قیمی باشد، وثیقه‌گذار با رضایت وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را عوض کند.

ماده ۱۸۹- هر توافقی که به وثیقه‌پذیر حق دهد در صورت عدم پرداخت دین در سررسید آن مال وثیقه را بدون رعایت تشریفات مقرر در این قانون بفروشد یا تملک کند، باطل است.

ماده ۱۹۰- در مورد اموال دارای سند رسمی، چنانچه وثیقه بودن مال به طور رسمی به ثبت نرسد وثیقه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. وثیقه‌گذاری اسناد با نام از قبیل اوراق سهام و قبوض وثیقه، علاوه بر ظهرنویسی، باید در دفتری که اسناد مذکور در آن به ثبت رسیده است ثبت و تأییدیه ثبت در دفاتر مذکور بر روی سند منعکس گردد و الا وثیقه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. در خصوص وثیقه‌گذاری سایر اموال، قرارداد وثیقه باید در سامانه‌ای متمرکز نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که به این منظور ایجاد می‌شود به ثبت برسد و مراتب در وثیقه بودن مال، جنس، وصف و مقدار آن برای عموم قابل دسترس باشد. ثبت قرارداد وثیقه در سامانه مذکور بر عهده وثیقه‌گذار است. پس از ایجاد این سامانه وثیقه بدون ثبت در سامانه مذکور در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. نحوه اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان ثبت اسناد و

املاک کشور تهیه می شود و ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

تبصره - وثیقه گذاری اسناد براتی (برات، سفته و چک) مشمول مقررات این فصل نیست.

ماده ۱۹۱ - حقوق کارگران تا سقف پنج برابر حداقل حقوق هر سال بر هر طلب موثقی مقدم است.

ماده ۱۹۲ - هرگاه مشخص شود مال مورد وثیقه مستحق کفایت بوده است و مالک عقد را تنفیذ نکند، وثیقه پذیر می تواند تسلیم بدل مال مذکور را به عنوان وثیقه از طرف دیگر درخواست کند. اگر تسلیم بدل به هر نحوی ممکن نشود، دین حال می شود.

ماده ۱۹۳ - موارد سکوت این فصل بر مقررات قانون مدنی در باب رهن محمول است.

ماده ۱۹۴ - در صورت عدم تأدیه دین تا سی روز پس از سررسید، وثیقه پذیر می تواند مال مورد وثیقه را از طریق مؤسسه حراجی به فروش رساند.

### فصل هشتم - معامله از طریق حراجی

ماده ۱۹۵ - حراجی عبارت است از عرضه مال با قیمت پایه مشخص و فروش آن به بالاترین قیمت پیشنهادی به صورت حضوری و یا برخط.

ماده ۱۹۶ - مؤسسه حراجی شرکتی تجارتنی است که اموال منقول اشخاص را از طریق حراجی به فروش می رساند.

ماده ۱۹۷ - تأسیس و بهره برداری از مؤسسات حراجی موضوع این فصل و هرگونه اشتغال به عملیات حراجی به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نحوه نظارت، نحوه فعالیت و برگزاری جلسه حراجی و همچنین تعرفه اجرت مؤسسه حراجی به موجب

آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به وسیله وزارت مذکور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۹۸- مؤسسه حراجی مکلف است علاوه بر دفاتر قانونی دفتر الکترونیکی دیگری به نام دفتر حراجی داشته باشد. در این دفتر هویت متقاضیان فروش اموال، نوع اموال، تصویر اسناد ارائه شده برای اثبات مالکیت یا استحقاق متقاضی، آگهی ارائه شده در خصوص فروش، نتیجه برگزاری عملیات حراجی و هویت خریدار در صورت فروش کالاها، به ترتیب وقوع و مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (۱۹۷) این قانون در آن ثبت و ضبط شود.

ماده ۱۹۹- مؤسسه حراجی، مدیر یا مدیران و کارکنان آن، اقربای نسبی درجه اول و دوم از طبقات اول و دوم و اقربای سببی درجه اول و دوم آنان، اشخاص حقوقی که مؤسسه حراجی بیش از پنج درصد (۵٪) سهم آن را دارا باشد و اشخاصی که بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه مؤسسه حراجی را دارا باشند، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، حق شرکت در مزایده کالاهای به فروش گذاشته شده از طریق مؤسسه حراجی را ندارند، در غیر این صورت، مؤسسه حراجی علاوه بر لغو مجوز به جزای نقدی به میزان مال خریداری شده محکوم می‌شود. کلیه معاملات موضوع این ماده باطل است.

ماده ۲۰۰- مؤسسه حراجی قبل از دریافت مال یا استیلای بر آن به نحوی که قابل تسلیم به خریدار باشد، حق اجرای تشریفات حراجی و فروش آن را ندارد. همچنین مؤسسه حراجی باید در حدود متعارف اطمینان حاصل کند که طبق اسناد ارائه شده از سوی متقاضی از قبیل سند مالکیت، فاکتور خرید، سند وثیقه، بارنامه، قبض انبار و قبض وثیقه و نیز استعلام از مراجع ذی ربط عندالافتضاء مانع قانونی بر انتقال مال وجود ندارد. در هر حال، استعلام از سامانه موضوع ماده (۱۹۰) این قانون ضروری است. در صورت تخلف مؤسسه حراجی از مقررات این ماده، وی مسؤول خسارات وارد شده می‌باشد.

ماده ۲۰۱- تعیین قیمت پایه در صورتی که مالک مال متقاضی فروش باشد با توافق او تعیین می‌شود. در مواردی که در این قانون فروش مال به مؤسسه حراجی ارجاع شده است، تعیین قیمت پایه برعهده مؤسسه حراجی است. در این خصوص، مؤسسه حراجی تکالیف و مسؤلیت کارشناس رسمی دادگستری را دارد.

ماده ۲۰۲- مؤسسه حراجی مبلغ حاصل از فروش را پس از کسر هزینه حراجی و سایر هزینه‌هایی که حسب مورد در قانون پیش‌بینی شده است، با رعایت ماده (۲۱۸) این قانون به ذی‌نفع پرداخت و قبض رسید آن را اخذ می‌کند. در صورتی که نقل و انتقال اموال مشمول مالیات باشد، مؤسسه حراجی قبل از پرداخت مبلغ نسبت به کسر آن اقدام می‌کند، در غیر این صورت مسؤل پرداخت می‌باشد.

ماده ۲۰۳- در موارد زیر مؤسسه حراجی در مقابل ذی‌نفع مسؤل پرداخت خسارات است:

- ۱- فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.
- ۲- مؤسسه حراجی بدون جهت قانونی مانع خرید کسی شود و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد کند.
- ۳- در مواردی که اطلاع یا إذن دادستان ضروری است کالا را بدون اطلاع دادستان یا إذن او بفروش برساند.
- ۴- خریدار طبق ماده (۱۹۹) این قانون ممنوع از خرید بوده باشد.
- ۵- تعیین قیمت پایه به میزان نامتعارفی کمتر از قیمت متعارف در مواردی که تعیین قیمت بر عهده مؤسسه حراجی باشد.
- ۶- مؤسسه حراجی با دیگران برای اخلال در عملیات حراجی به هر نحو تبانی کرده باشد.

ماده ۲۰۴- مؤسسه حراجی نمی‌تواند از فروش اموالی که طبق قوانین و مقررات فروش آن به مؤسسه حراجی ارجاع شده است خودداری کند. در صورت تخلف، مجوز فعالیت مؤسسه لغو و مؤسسه حراجی تا سه سال از ثبت خود در دفتر ثبت تجارتي ممنوع می‌باشد.

ماده ۲۰۵- در شهرستان‌هایی که مؤسسه حراجی تشکیل نشده و حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، متقاضی حراج می‌تواند فروش کالا را از واحد اجرای ثبت اسناد و املاک مستقر در محل درخواست کند. در این موارد، واحد اجرای ثبت با رعایت مقررات و تشریفات بیان شده در این فصل کالاها را می‌فروشد.

ماده ۲۰۶- در خصوص اموال منقولی که فروش آن طبق این قانون به مؤسسات حراجی ارجاع شده است، رعایت تشریفات و احکام مقرر شده در مواد (۲۰۷) تا (۲۲۰) این فصل ضروری است.

ماده ۲۰۷- قبل از انجام هرگونه حراجی، آگهی فروش باید در روزنامه‌ای که آگهی‌های مؤسسه حراجی در آن قید می‌شود و یا سامانه الکترونیک مؤسسه حراجی و نیز سامانه یکپارچه حراجی منتشر شود. همچنین آگهی حراجی باید در مؤسسه حراجی به نحوی که در دید عموم باشد، تا اتمام عملیات حراجی الصاق گردد. آگهی مذکور باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

- ۱- مشخصات مؤسسه حراجی؛
- ۲- نوع مال موضوع حراجی و توصیف اجمالی آن؛
- ۳- روز و محل و ساعت شروع حراجی؛
- ۴- قیمتی که حراجی از آن شروع می‌شود.

تبصره- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است حداکثر ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، با راه‌اندازی سامانه یکپارچه حراجی، امکان ثبت آگهی‌های حراج موضوع این ماده را به نحوی که اطلاعات

آن به شکل روزآمد برای عموم قابل دسترسی باشد فراهم کند. آگهی‌های مندرج در سامانه باید تا اتمام عملیات حراجی بر روی سامانه قابل دسترس باشد.

ماده ۲۰۸- فاصله انتشار آگهی تا روز حراج نباید از پانزده روز کمتر و از یک‌ماه بیشتر باشد. چنانچه افراد مالک یا متقاضی مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال مورد حراج باشند با نظارت مؤسسه حراجی می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی کنند. در صورت اخیر، مفاد آگهی‌های انجام‌شده نباید متفاوت با آگهی منتشرشده از سوی مؤسسه حراجی باشد.

ماده ۲۰۹- مؤسسه حراجی مکلف است قبل از فروش مال از طریق حراجی مراقبت کامل نماید که تشریفات لازم به ویژه مندرجات آگهی طبق مقررات صحیحاً انجام شده باشد. در هر صورت، عدم رعایت تشریفات موجب ابطال عملیات حراج نیست، مگر اینکه وجود تبانی بین مؤسسه حراجی و خریدار محرز گردد. مسئولیت خسارات ناشی از عدم رعایت تشریفات مقرر بر عهده مؤسسه حراجی و خریدار با سوءنیت می‌باشد.

ماده ۲۱۰- حراج باید در محل مؤسسه حراجی صورت گیرد. در صورت تراضی بین مالک و متقاضی فروش، می‌توان محل دیگری برای حراجی تعیین کرد.

ماده ۲۱۱- حراج اموال فاسدشدنی، حیوانات، طیور و اموالی که دارای قیمت بازاری یا بورسی هستند، می‌تواند بدون رعایت تشریفات، در محل وقوع اموال و با اطلاع دادستان یا نماینده او به عمل آید.

ماده ۲۱۲- حراجی به نحو حضوری و یا برخط است و در یک جلسه و در وقت اداری برگزار می‌شود. شرکت در عملیات حراجی برای عموم آزاد است. مؤسسه حراجی مکلف است پنج روز قبل از تاریخ تعیین‌شده برای فروش مال، آن را به نحو مناسب و متعارفی به رؤیت مشتریانی که مراجعه می‌کنند برساند. درخواست مالک یا متقاضی حراجی برای تقدم و تأخر در فروش اموال موضوع حراجی پذیرفته می‌شود.

ماده ۲۱۳- فروش از طریق مؤسسه حراجی به صورت نقدی است. شخصی که در نتیجه ارائه پیشنهاد بالاترین قیمت، خریدار واقع می‌شود باید تمام قیمت را نقداً تسلیم کند. اگر خریدار از پرداخت وجه خودداری نماید یا تقاضای فروش نسبه کند و ذی‌نفع فروش نسبه را قبول نکند، مال با رعایت تشریفات مقرر مجدداً به حراج گذارده می‌شود. در این صورت متقاضی می‌تواند برای هزینه حراج مجدد به مستنکف رجوع کند. به علاوه چنانچه مال به قیمت پایین‌تری به فروش رسد، خریدار مستنکف، مسؤول تفاوت است و در صورت عدم فروخته شدن مال مبلغ یک‌دهم پیشنهادی به عنوان مجازات در حق ذی‌نفع از مستنکف قابل وصول است. در مواردی که فروش مال به جهت تسویه دین باشد متقاضی حراجی صرفاً می‌تواند در حدود طلب خود فروش به وعده را اجازه دهد.

ماده ۲۱۴- در خصوص اموال سریع‌الفساد یا اموالی که نگهداری آن هزینه نامتناسبی تحمیل می‌کند و یا در صورتی که مصلحت صاحب کالا چنین اقتضاء نماید و دسترسی به صاحب کالا در موارد مذکور وجود نداشته باشد، هرگاه امکان فروش نقدی وجود نداشته باشد، با اجازه دادستان یا نماینده او می‌توان پرداخت بهای اموال را به وعده قرار داد.

تبصره- اموال مذکور در این ماده در صورت اذن دادستان مشمول ممنوعیت ماده (۱۹۹) این قانون نمی‌باشد.

ماده ۲۱۵- هزینه حراج بر عهده متقاضی است. متقاضی می‌تواند پس از فروش مال هزینه‌های پرداخت‌شده را از عواید ناشی از فروش بردارد.

ماده ۲۱۶- اگر مال مورد حراج به فروش نرسد، متقاضی می‌تواند مجدداً تقاضای حراج کند. حراجهای بعدی نیز تابع تشریفات مقرر در این قانون است، لکن متقاضی نمی‌تواند هزینه بیش از دویار حراج را از محل فروش مال مطالبه کند.



ماده ۲۱۷- در مواردی که فروش مال برای وصول طلب است، چنانچه در حراجی دوم نیز مال به فروش نرسد، متقاضی می‌تواند مال مورد حراجی را به قیمتی که ارزیابی شده است، به ازای طلب خود قبول نماید.

ماده ۲۱۸- مؤسسه حراجی پس از فروش مال، طلب متقاضی و هزینه‌های حراج را از محل حاصل فروش به متقاضی پرداخت می‌کند و چنانچه مبلغ اضافه‌ای باقی بماند، آن را به مالک و در صورت عدم حضور مالک یا عدم احراز مالکیت وی در حساب مربوط به صندوق مؤسسه حراجی نزد یکی از بانکهای مجاز دولتی به نام ذی‌نفع، به صورت کوتاه‌مدت تودیع و مراتب را به وی اطلاع می‌دهد.

ماده ۲۱۹- دادستان یا نمایندگان او می‌توانند در هر زمان با حضور در مؤسسات حراجی از جزئیات اقدامات مؤسسه در خصوص هر یک از معاملات و عملیات حراجی کسب اطلاع کنند. این امر نباید موجب اخلال در روند عادی فعالیت مؤسسه حراجی گردد.

ماده ۲۲۰- در مواردی که حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، مؤسسه حراجی باید پنج روز قبل از فروش و فوراً پس از فروش به نحو مقتضی مراتب را به اطلاع مالک برساند. متقاضی فروش باید اطلاعات مربوط به مالک را طبق مستندات موجود به مؤسسه حراجی اعلام کند.

### فصل نهم - اجاره به شرط تملیک (لیزینگ)

ماده ۲۲۱- قرارداد اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) قراردادی است که طبق آن شخصی مال متعلق به خود یا مالی را که طبق قرارداد تأمین به او واگذار شده‌است به دیگری اجاره می‌دهد، به نحوی که در پایان مدت اجاره یا هر زمان که شروط مندرج در قرارداد تحقق یابد، مستأجر مورد اجاره را مالک گردد.

تبصره ۱- قرارداد تأمین، قراردادی است که به موجب آن شخصی مالی را از شخص دیگری که تأمین کننده نام دارد، به قصد اجاره دادن آن به شرط تملیک خریداری کرده است.

تبصره ۲- هر قرارداد دیگری نیز که متضمن نتیجه اجاره به شرط تملیک باشد، تابع مقررات این فصل است، اگرچه عنوان آن اجاره به شرط تملیک نباشد.

ماده ۲۲۲- اشتغال به عملیات واسپاری (لیزینگ) منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی است.

ماده ۲۲۳- قرارداد اجاره به شرط تملیک بدون تأمین کننده فرض می شود، مگر اینکه ثابت شود موجر مورد اجاره را از تأمین کننده خریداری کرده است.

ماده ۲۲۴- چنانچه موجر مال را طبق قرارداد تأمین، تهیه کرده باشد، این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد. همچنین هر مالی که موجر در خصوص آن قرارداد اجاره به شرط تملیک منعقد می کند این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد.

ماده ۲۲۵- قرارداد اجاره به شرط تملیک، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

۱- هویت موجر؛

۲- هویت مستأجر؛

۳- هویت تأمین کننده در صورت وجود؛

۴- مشخصات مال مورد اجاره؛

۵- مدت قرارداد؛

۶- مبلغ اجاره و شیوه پرداخت آن.

ماده ۲۲۶- تعیین مدت قرارداد برعهده طرفین است، لکن این مدت نمی تواند از سی درصد (۳۰٪) عمر متعارف موضوع قرارداد کمتر باشد در غیر این صورت، دادگاه، به درخواست مستأجر، مدت قرارداد را تا حداقل مذکور در این ماده افزایش می دهد و اجاره بها را متناسب با آن تعیین می نماید.

ماده ۲۲۷- کلیه تعهداتی که تأمین کننده طبق قرارداد تأمین در مقابل خریدار برعهده گرفته است، در صورت انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، از سوی مستأجر نیز قابل مطالبه است. موجر مکلف است یک نسخه از قرارداد تأمین را به ضمیمه قرارداد اجاره به شرط تملیک به مستأجر تحویل دهد.

ماده ۲۲۸- پس از انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، موجر و تأمین کننده نمی توانند مفادی از قرارداد تأمین را که با حقوق مستأجر در ارتباط است جز با رضایت مستأجر تغییر دهند.

ماده ۲۲۹- هزینه های تعمیر و نگهداری و همچنین انجام تکالیفی که طبق قوانین و مقررات مربوط به اجاره برعهده موجر می باشد، در قرارداد اجاره به شرط تملیک بر عهده مستأجر خواهد بود.

ماده ۲۳۰- قبول مال زمانی صورت می گیرد که مستأجر انطباق مال با قرارداد را به موجر اطلاع دهد یا پس از داشتن فرصتی مناسب برای آزمایش آن را رد نکند.

تبصره- هرگونه شرطی که تشخیص تخلف از مفاد قرارداد یا انطباق مورد اجاره با شرایط مورد توافق را برعهده موجر یا تأمین کننده یا اشخاص ثالث تعیین شده از سوی آنان قرار دهد، باطل است.

ماده ۲۳۱- حقوق قراردادی موجر بدون رضایت مستأجر قابل انتقال به غیر است. در صورت انتقال حقوق مزبور، مستأجر می تواند به هر آنچه که می توانست علیه موجر تمسک کند علیه منتقل الیه نیز استناد کند. تصرفات موجر در حدی که با حق مستأجر منافات داشته باشد باطل است.

ماده ۲۳۲- تعهدات موجر قابل واگذاری نیست، مگر با رضایت مستأجر. با این وجود مستأجر نمی تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی شود، با این انتقال مخالفت کند.

ماده ۲۳۳- حقوق و تعهدات قراردادی مستأجر جز با رضایت موجر و رعایت حقوق اشخاص ثالث قابل انتقال به غیر نیست، موجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت کند.

ماده ۲۳۴- هریک از موجر و تأمین‌کننده در برابر مستأجر مستقلاً مسؤول ضمان درک کل مال مورد اجاره هستند.

ماده ۲۳۵- مستأجر باید از مورد اجاره به نحو متعارفی بهره‌برداری کند. چنانچه طبق قرارداد دستورالعمل خاصی برای نگهداری مال تعیین شده باشد، مستأجر مکلف است طبق دستورالعمل مذکور عمل کند. در هر صورت دستورالعمل توافق‌شده برای نگهداری نمی‌تواند غیرمتعارف باشد و در صورت غیرمتعارف بودن این دستورالعمل، معیار تخلف مستأجر از نگهداری مال، عرف است.

ماده ۲۳۶- وجه التزام تأخیر یا عدم اجرای تعهد، خسارت تأخیر، جریمه دیرکرد یا هر عنوان دیگری که برای دریافت خسارت از مستأجر در قرارداد پیش‌بینی می‌شود و میزان مبلغ پیش پرداخت مستأجر نمی‌تواند از سقف نرخهایی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار به این منظور تعیین می‌شود بیشتر باشد. هرگونه توافقی بیشتر از نرخهای اعلام‌شده باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

ماده ۲۳۷- مستأجر مکلف است مطابق قرارداد نسبت به پرداخت اقساط اقدام کند. چنانچه در طول مدت اجاره مستأجر چهار قسط متوالی را نپردازد، موجر حق فسخ قرارداد را دارد. هر توافقی که در این مورد شرایط سخت‌گیرانه‌تری را مقرر کند، باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

تبصره- چنانچه عدم پرداخت اقساط به دلیل حادثه غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل‌رفع باشد، مدت بروز حادثه مذکور به مهلت مذکور در این ماده اضافه می‌گردد.

ماده ۲۳۸- موجر می‌تواند در قرارداد امکان بازرسی و بازدید از مورد اجاره را شرط کند، لکن این شرط نباید با استفاده متعارف مستأجر در تعارض بوده یا تکالیف غیرمتعارفی را بر او تحمیل نماید. هزینه بازرسی و بازدید از مورد اجاره برعهده موجر خواهد بود.

ماده ۲۳۹- مستأجر مکلف است هرگونه اتفاقی را که منجر به کاهش شدید ارزش مورد اجاره شده است، در مدت سی روز به موجر اطلاع دهد.  
ماده ۲۴۰- در پایان مدت اجاره، موجر مکلف است نسبت به تنظیم اسناد مالکیت مورد اجاره به نام مستأجر یا شخصی که او معرفی می‌کند اقدام نماید. موجر جز در موارد مصرح در این فصل نمی‌تواند از انجام این تعهد استنکاف یا انجام آن را به انجام تعهدات غیرمتقابل مستأجر، همانند پرداخت خسارت و جریمه، موکول کند.

ماده ۲۴۱- حق مستأجر نسبت به عین مستأجره مقدم بر حق بستانکاران موجر است. بستانکاران مستأجر قبل از حصول مالکیت مستأجر نسبت به عین مستأجره حقی نسبت به عین آن ندارند.

ماده ۲۴۲- پس از تحویل مورد اجاره و قبول آن از سوی مستأجر جبران هرگونه خسارت وارده بر مورد اجاره برعهده مستأجر است، مگر اینکه خسارت وارده به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع مستند باشد و در قرارداد شرط مسئولیت مطلق مستأجر نشده باشد.

ماده ۲۴۳- چنانچه مورد اجاره تلف شود، قرارداد منفسخ می‌شود. هرگاه تلف مورد اجاره بر اثر حادثه غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع باشد، مستأجر مسئولیتی در قبال تلف عین مستأجره ندارد، لکن نمی‌تواند اجرت‌المسمی‌های پرداخت شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت‌المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده ۲۴۴- هرگاه تلف مورد اجاره مستند به مستأجر باشد، مستأجر مسؤول جبران زیانهای وارد شده به عین مستأجره است و نمی تواند اجرت المسمی های پرداخت شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه کند.

ماده ۲۴۵- چنانچه تلف مورد اجاره منتسب به ثالث باشد، وی مکلف است خسارات وارده به موجر و مستأجر را جبران کند. در هر صورت، مجموع خسارات پرداختی از سوی شخص ثالث نمی تواند از قیمت کل مال تلف شده بیشتر باشد.

ماده ۲۴۶- موجر نمی تواند جز در مورد عدم رعایت تکالیف مستأجر مطابق مقررات این فصل، حق فسخ قرارداد را شرط کند.

ماده ۲۴۷- درج هرگونه شرط در قرارداد که برای مستأجر مزایایی کمتر از مزایای مندرج در این فصل مقرر کند، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان قرارداد نمی شود.

ماده ۲۴۸- موارد سکوت در این فصل تابع قوانین و مقررات مربوط به عقد اجاره است.

### فصل دهم - نمایندگی توزیع

ماده ۲۴۹- نمایندگی توزیع، قراردادی است که به موجب آن شخصی که تأمین کننده نامیده می شود در برابر شخص دیگر که توزیع کننده نامیده می شود تعهد می کند کالا یا کالاهایی را، به نحو مستمر، برای او تأمین کند تا وی بتواند آنها را در منطقه جغرافیایی توافق شده به نام و حساب خود به فروش رساند.

ماده ۲۵۰- قرارداد نمایندگی توزیع می تواند به شکل انحصاری یا غیرانحصاری منعقد گردد. در صورتی که طبق قرارداد نمایندگی توزیع تأمین کننده

نیز مجاز باشد که در منطقه جغرافیایی مورد توافق کالا را مستقیماً عرضه نماید، قرارداد منعقدشده «قرارداد نمایندگی توزیع مشترک» نامیده می‌شود.

ماده ۲۵۱- چنانچه در قرارداد نمایندگی توزیع، قلمرو جغرافیایی عرضه کالا تعیین نشده باشد، در قراردادهای توزیع بین‌المللی کشور محل اقامت توزیع‌کننده و در قراردادهای توزیع داخلی شهر محل اقامت توزیع‌کننده به‌عنوان «قلمرو جغرافیایی عرضه کالا» محسوب است.

ماده ۲۵۲- مواد (۹۳) تا (۹۸) و (۱۰۷) این قانون در خصوص قرارداد نمایندگی توزیع نیز مجری است.

ماده ۲۵۳- توزیع‌کننده مجاز نیست هیچ اقدامی به‌نام و یا حساب تأمین‌کننده انجام دهد، مگر اینکه در آن مورد خاص بر وکالت توزیع‌کننده توافق شده باشد.

ماده ۲۵۴- اگر در طول مدت اجرای قرارداد نمایندگی توزیع، توزیع‌کننده مشتریانی را به تأمین‌کننده معرفی کند تا مستقیماً کالا را از او خریداری نمایند، مستحق اجرت متعارف طبق شرایط نمایندگی تجارتي خواهد بود، مگر اینکه در قرارداد بر خلاف آن توافق شده باشد. در هر صورت این اقدام توزیع‌کننده موقعیت او را به نمایندگی تجارتي تغییر نمی‌دهد.

ماده ۲۵۵- در صورتی که قرارداد نمایندگی توزیع انحصاری منعقد شده باشد، تأمین‌کننده نمی‌تواند در منطقه جغرافیایی عرضه کالا برای شخص دیگری غیر از توزیع‌کننده تأمین کالا کند یا خود کالا را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به مشتریان منطقه مذکور بفروشد، در غیر این صورت مسؤول جبران خسارات وارده به توزیع‌کننده خواهد بود. همچنین توزیع‌کننده نیز نمی‌تواند بدون اجازه کتبی تأمین‌کننده به ارائه، تولید، بازاریابی و یا فروش هر نوع کالایی که رقیب کالاهای موضوع قرارداد است در منطقه جغرافیایی عرضه کالا اقدام کند. چنانچه توزیع‌کننده در خارج از منطقه مذکور فعالیت داشته باشد یا کالاهای دیگری نیز

عرضه کند که رقیب کالای موضوع قرارداد نمایندگی توزیع محسوب نشود، باید تا سی روز پس از وقوع این امر، تأمین کننده را در جریان فعالیت خود قرار دهد.

تبصره- در صورتی که تأمین کننده مشتریان خاصی را در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از سابق داشته و به هنگام قرارداد نیز مشخصات و میزان فروش به آنان را به توزیع کننده اعلام کرده باشد، استمرار تأمین کالا برای مشتریان مزبور به میزان اعلام شده از حکم این ماده مستثنی است.

ماده ۲۵۶- چنانچه توزیع کننده در زمان انعقاد قرارداد توزیع اقدام به ارائه، تولید، بازاریابی یا فروش مستقیم و یا غیرمستقیم کالایی می نماید، باید فهرست آنها را تهیه و به تأمین کننده تسلیم کند. همچنین در صورتی که تأمین کننده در منطقه جغرافیایی مذکور توزیع کننده دیگری دارد و یا خود مستقیماً کالای موضوع قرارداد را توزیع می نماید، باید این امر را به اطلاع توزیع کننده برساند.

ماده ۲۵۷- چنانچه تأمین کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه کند، نماینده توزیع مکلف است کلیه تمهیدات لازم برای ارتباط مشتری با واحد مذکور را فراهم کند. چنانچه تأمین کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه نکند، نماینده توزیع مکلف است خریدار را از این امر مطلع نماید. هرگونه توافقی خلاف مفاد این ماده باطل است.

ماده ۲۵۸- تعیین نحوه تبلیغ و محتوای آن در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از اختیارات توزیع کننده است، مگر اینکه تأمین کننده نوع خاصی از تبلیغات را در قرارداد ممنوع یا مخالفت تبلیغات مذکور با حسن شهرت یا سیاست بازاریابی خود را به نماینده اعلام کرده باشد. در هر صورت توزیع کننده مکلف است قبل از اقدام به تبلیغ نمونه آن را برای تأمین کننده ارسال کند.



ماده ۲۵۹- هزینه شرکت در نمایشگاهها و هزینه تبلیغات انجام شده از سوی هر یک از طرفین قرارداد به عهده خود او خواهد بود، مگر آنکه ترتیب دیگری در قرارداد پیش بینی شده باشد.

ماده ۲۶۰- تأمین کننده مکلف است بر طبق قرارداد، کلیه کالاهای سفارش داده شده از سوی توزیع کننده را تأمین نماید. رد سفارشات توزیع کننده به نحو غیرمتعارف نقض تعهدات تأمین کننده تلقی خواهد شد.

ماده ۲۶۱- طرفین می توانند حداقل میزان فروش تضمین شده را در قرارداد پیش بینی نمایند. در این صورت طرفین باید تلاش متعارف برای رسیدن به حداقل فروش تضمین شده را به عمل آورند.

ماده ۲۶۲- توزیع کننده می تواند توزیع کننده و یا نمایندگانی را برای کار توزیع و فروش کالا در منطقه جغرافیایی عرضه کالا به کار گیرد، مگر اینکه تأمین کننده او را از این کار منع کرده باشد. کلیه شرایطی که برای توزیع کننده اصلی از سوی تأمین کننده تعیین شده است در خصوص توزیع کنندگان فرعی و نمایندگان توزیع کننده اصلی نیز لازم الرعایه است. مسئولیت توزیع کنندگان و یا نمایندگان فرعی بر عهده توزیع کننده اصلی خواهد بود. توزیع کننده اصلی مکلف است مراتب مذکور را به تأمین کننده اطلاع دهد.

ماده ۲۶۳- در مواردی که تأمین کننده کالا در ایران اقامتگاه یا شعبه‌ای نداشته باشد، توزیع کننده مکلف است هرگونه تغییر در قوانین و مقرراتی را که به نحوی مرتبط با موضوع قرارداد است از قبیل قوانین و مقررات گمرکی، فنی و ایمنی و محیط زیستی به اطلاع او برساند.

ماده ۲۶۴- توزیع کننده در قیمت گذاری کالا برای فروش آن آزادی عمل دارد، مگر اینکه بر خلاف آن توافق شده یا قیمت گذاری او به نحوی باشد که موجب خدشه دار شدن شهرت و اعتبار تأمین کننده کالا شود. در صورت اخیر،

توزیع کننده اصلی و فرعی و نمایندگان آنها حسب مورد مکلف به رعایت قیمت‌های توافق شده یا اعلام شده از سوی تأمین کننده می‌باشند.

ماده ۲۶۵- هرگونه فروش، تبلیغ، بازاریابی یا واگذاری نمایندگی در خارج از منطقه جغرافیایی برای توزیع کننده ممنوع است. توزیع کننده مکلف است کلیه درخواست‌هایی را که از بیرون منطقه جغرافیایی عرضه کالا دریافت می‌نماید، به تأمین کننده ارسال کند. همچنین توزیع کننده موظف است در خصوص درخواست مشتریانی که اطلاع دارد هدف آنان توزیع در خارج از منطقه جغرافیایی است طبق حکم این ماده عمل کند.

ماده ۲۶۶- توزیع کننده مجاز است کلیه علائم تجارتي، اسامی تجارتي و یا هر نوع علائم دیگر مربوط به تأمین کننده کالا را صرفاً به منظور شناساندن و تبلیغات کالاها، در منطقه جغرافیایی عرضه کالا مورد استفاده قرار دهد. حق استفاده مذکور پس از انقضاء یا هر نوع خاتمه قرارداد منتهی می‌شود. با وجود این، توزیع کننده پس از ختم یا انقضای قرارداد نیز می‌تواند کالایی را که با علائم تجارتي تأمین کننده نزد او موجود است به فروش رساند.

ماده ۲۶۷- توزیع کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا، باید هرگونه دعوی را که از سوی اشخاص ثالث در ارتباط با حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد مطرح شده است و همچنین هرگونه اقدامی را که تهدید یا نقض مالکیت مذکور باشد به تأمین کننده اطلاع دهد.

ماده ۲۶۸- توزیع کننده مکلف است به هزینه خود و در تمام طول مدت قرارداد موجودی کافی از تولیدات تأمین کننده و لوازم یدکی آن را که برای نیازهای عادی منطقه جغرافیایی عرضه کالا لازم است نگهداری کند. طرفین می‌توانند میزان موجودی مذکور را بالاتر از میزان متعارف تعیین نمایند.

ماده ۲۶۹- طرفین مکلف هستند کلیه اسناد، مدارک و اطلاعات لازم و مربوط به اجرای مطلوب قرارداد توزیع را در حد متعارف و بدون دریافت هیچ گونه هزینه‌ای در اختیار یکدیگر قرار دهند.

ماده ۲۷۰- چنانچه قرارداد نمایندگی توزیع در مورد تخفیف خاص برای توزیع کننده نسبت به فهرست قیمت کالاها ساکت باشد، توزیع کننده مستحق همان تخفیفی خواهد بود که تأمین کننده به سایر توزیع کنندگان و برای کالاهایی با کیفیت مشابه اعطاء می کند.

ماده ۲۷۱- با انقضای یا خاتمه قرارداد، توزیع کننده مکلف است کلیه ابزار تبلیغاتی و سایر اسناد و مدارک و نمونه‌هایی را که تأمین کننده در اختیار وی قرار داده است عودت نماید.

ماده ۲۷۲- پس از انقضای یا خاتمه قرارداد، تأمین کننده باید کلیه کالاهای موجود نزد توزیع کننده را مرجوع کند و وجوه و یا اسناد تجارتي دریافت شده بابت آنها را عودت دهد، مشروط بر اینکه این نوع از کالاها جزء آن دسته از محصولات باشد که هنوز توسط تأمین کننده به فروش می رسد و در شرایط مناسب و دارای بسته بندی اولیه باشد. در هر حال توزیع کننده می تواند کالاهای باقیمانده را بر اساس قرارداد و شرایط متعارف به فروش رساند. این حکم مانع الزام تأمین کننده به استرداد کالاهای باقیمانده و بازپس دادن وجوه و یا اسناد تجارتي دریافت شده مطابق مقررات این ماده نیست.

ماده ۲۷۳- هرکس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی توزیع از طرف دیگری کند، علاوه بر مهر و موم (پلمب) محل نمایندگی و جبران خسارات وارده، به جزای نقدی درجه سه قانون مجازات اسلامی محکوم می شود.

### فصل یازدهم - ضمانت

ماده ۲۷۴- ضمانت بر دو قسم است: ضمانت تبعی و ضمانت مستقل.

### مبحث اول - ضمانت تبعی

ماده ۲۷۵- در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به طور مستقل مسؤول ایفای دین واحدی باشند، بستانکار می‌تواند برای وصول تمام یا بخشی از طلب خود به هر یک از مسؤولان رجوع کند، مگر اینکه مطابق قانون یا قرارداد مکلف شده باشد در ابتداء به یکی از مسؤولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به دیگری رجوع کند.

ماده ۲۷۶- ضامن قبل از رسیدن اجل دین اصلی ملزم به تأدیه نیست، حتی اگر به سببی مانند فوت، دین اصلی حال شود. ضامن حال از این حکم مستثنی است.

ماده ۲۷۷- اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به شرطی مانند اخطار قبلی باشد، رعایت آن شرط نسبت به ضامن نیز الزامی است.

ماده ۲۷۸- چنانچه تمام یا بخشی از دین اصلی به هر نحو ساقط گردد، ضامن نیز حسب مورد نسبت به تمام دین یا بخش ساقط شده از مسؤولیت بری می‌شود.

ماده ۲۷۹- پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت کرد، مضمون‌گه باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون‌گه لازم و مفید است به او بدهد و اگر دین اصلی وثیقه داشته باشد، آن را به ضامن تسلیم کند. اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته باشد، وثیقه دهنده مکلف است تشریفات را که برای انتقال وثیقه به ضامن به عنوان وثیقه گیرنده جدید لازم است، انجام دهد.

تبصره- بانکها و سایر مؤسسات اعتباری موظفند قرارداد اعطای تسهیلات خود را به نحوی منعقد کنند که در صورت عدم پرداخت دین، وصول طلب ابتداء از مدیون و وثیقه‌های متعلق به خود او و سپس در صورت عدم کفایت اموال و وثیقه‌های مدیون، از ضامن و سایر وثیقه‌های دین مطالبه گردد.

ماده ۲۸۱- ضامنی که به صورت تبرعی ضمانت کند، حق رجوع به مضمون‌عنه را ندارد.

### مبحث دوم- ضمانت مستقل

ماده ۲۸۱- ضمانت مستقل قراردادی است که به موجب آن شخصی (ضامن) به درخواست دیگری (مضمون‌عنه) پرداخت مبلغ معینی به شخص ثالث (مضمون‌له) را با رعایت شرایط مقرر در قرارداد و مستقل از رابطه مبتیایی بین مضمون‌عنه و مضمون‌له برعهده می‌گیرد.

ماده ۲۸۲- سند حاکی از قرارداد ضمانت مستقل، ضمانتنامه مستقل نامیده می‌شود.

ماده ۲۸۳- ضامن می‌تواند برای تضمین بازپرداخت مبالغ پرداخت شده به موجب ضمانتنامه، از مضمون‌عنه تقاضای ضمانتنامه کند. این ضمانتنامه که به وسیله خود مضمون‌عنه یا به درخواست وی صادر می‌شود ضمانتنامه متقابل نام دارد و جز در موارد مصرح تابع احکام ضمانتنامه مستقل است.

ماده ۲۸۴- تعهدات ناشی از ضمانتنامه موضوع این مبحث، مستقل از تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است. هرگونه اشاره‌ای که در ضمانتنامه به تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی ناشی از قرارداد اصلی گردد، خللی به مستقل بودن ضمانتنامه وارد نخواهد کرد.

ماده ۲۸۵- ضمانتنامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضای صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد:

- ۱- درج عبارت «ضمانتنامه مستقل» بر روی سند
- ۲- هویت و نشانی متقاضی (مضمون‌عنه)
- ۳- هویت و نشانی صادرکننده (ضامن)
- ۴- هویت و نشانی ذی‌نفع (مضمون‌له)

- ۵ - تاریخ صدور به روز و ماه و سال
  - ۶ - مبلغ ضمانتنامه
  - ۷ - تاریخ خاتمه اعتبار ضمانتنامه یا واقعه منتج به خاتمه اعتبار ضمانتنامه
  - ۸ - تاریخ و شرایط مطالبه مبلغ و مدارک لازم برای احراز شرایط عندالاقضاء
  - ۹ - شرایط تغییر مفاد ضمانتنامه
  - ۱۰ - مشخصات قرارداد اصلی
  - ۱۱ - مشخصات ضمانتنامه متقابل در صورت وجود
  - ۱۲ - قابلیت تمدید یا عدم تمدید ضمانتنامه و بیان نحوه تمدید در صورت قابل تمدید بودن.
- تبصره - هرگونه شرطی مبنی بر پرداخت وجه ضمانتنامه بدون درخواست ذی نفع، یا تمدید آن به نحو خود به خود ممنوع است. تمدید ضمانتنامه در هر حال منوط به موافقت صادرکننده است.
- ماده ۲۸۶ - اگر تاریخ اعتبار ضمانتنامه مستقل در آن ذکر نشود تا پنج سال از تاریخ صدور اعتبار دارد. چنانچه ضمانتنامه متقابل فاقد مدت باشد، مدت اعتبار آن برابر با یک سال پس از تاریخ اعتبار ضمانتنامه اصلی خواهد بود.
- ماده ۲۸۷ - هر شرطی که استقلال ضمانتنامه مستقل را تغییر دهد بی اثر است.
- ماده ۲۸۸ - ضمانتنامه مستقل به محض صدور غیرقابل برگشت است؛ حتی اگر صریحاً در آن قید نشده باشد.
- ماده ۲۸۹ - به محض اینکه ضمانتنامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادرشده محسوب می شود؛ مگر آنکه در ضمانتنامه به نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانتنامه برای متقاضی یا نماینده وی در حکم تسلیم است.

ماده ۲۹۰- به محض صدور ضمانتنامه و تا قبل از انقضای اعتبار آن ذی نفع می تواند با ارائه ضمانتنامه مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانتنامه زمان و یا شرایط خاصی برای مطالبه تعیین شود.

تبصره- به جز درج تاریخ یا قید گذشت زمان معین، ضمانتنامه نباید حاوی شرطی باشد که نتوان برای احراز تحقق آن شرط، مدرکی ارائه کرد. در صورت وجود چنین شرطی یا در مواردی که مدرک احراز شرط معین نشده باشد و سوابق موجود نزد ضامن نیز نتواند تحقق شرط را اثبات نماید، ضامن باید بدون توجه به آن شرط وجه را پرداخت کند. همچنین پرداخت ضمانتنامه نباید منوط به ارائه مدرکی شود که متقاضی صادرکننده انحصاری آن است.

ماده ۲۹۱- هر یک از ذی نفع و متقاضی می تواند با رعایت شرایطی که عندالاقضاء برای تغییر ضمانتنامه پیش بینی شده است تغییر آن را تقاضا کند. در این صورت ضامن مکلف است درخواست تغییر را برای طرف دیگر ارسال کرده و موافقت کتبی وی را درخواست کند. در صورت موافقت کتبی ذی نفع یا متقاضی، از لحظه صدور اصلاحیه وفق ماده (۲۸۹) این قانون، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آنکه در متن موافقتنامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه ذی نفع یا متقاضی در گذشته و به صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده باشد، از لحظه ای که صادرکننده ضمانتنامه اعلامیه پذیرش اصلاحیه به وسیله ذی نفع یا متقاضی را دریافت می کند، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آنکه بر خلاف آن توافق شده باشد.

تبصره- در مواردی که تغییر ضمانتنامه، تعهدات صادرکننده را تغییر دهد، موافقت صادرکننده برای تغییر لازم است. با وجود این چنانچه تغییر به دلیل پرداخت بخشی از وجه ضمانتنامه یا سررسید شدن تاریخ یا واقع شدن شرایط مندرج در آن تقاضا گردد، صادرکننده مکلف به تغییر است.

ماده ۲۹۲- تغییر ضمانتنامه مستقل تأثیری به زیان تأییدکننده ضمانتنامه ندارد، مگر اینکه وی به طور کتبی موافقت کرده باشد. تأییدکننده ضمانتنامه شخصی است که اجرای مفاد ضمانتنامه به وسیله ضامن را تعهد می کند.

ماده ۲۹۳- ضمانتنامه مستقل در صورتی قابل انتقال است که صراحتاً عبارت قابل انتقال در آن درج شده باشد. انتقال ضمانتنامه با موافقت صادرکننده و پس از اخطاریه انتقال دهنده به ضامن مبنی بر اینکه انتقال گیرنده جانشین حقوق و تعهدات او در رابطه پایه شده است محقق خواهد شد.  
تبصره- رابطه حقوقی منشأ صدور یا انتقال ضمانتنامه، رابطه پایه و تعهد ناشی از آن «تعهد پایه» نام دارد.

ماده ۲۹۴- هر یک از اطراف ضمانتنامه مستقل، می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرفهای ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به طور رسمی وکالت دهد.

ماده ۲۹۵- در صورتی که صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانتنامه را پرداخت کند، از سوی ذی نفع اخطاری مبنی بر انتقال ضمانتنامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانتنامه را به وی بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانتنامه بری می شود.

ماده ۲۹۶- تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت شرایط مندرج در ضمانتنامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به منزله اقرار ذی نفع به موارد زیر است:

- ۱- کلیه اسناد ارائه شده منطبق با مقررات است و هیچ یک از آنها مجعول و غیرواقعی نیست؛
- ۲- هیچ پرداخت یا تعهد پرداختی درباره اسناد ارائه شده انجام نشده است.



ماده ۲۹۷- تقاضای پرداخت ضمانتنامه متقابل باید همراه اخطاریه‌ای از طرف ذی‌نفع آن مبنی بر دریافت مطالبه وجه ضمانتنامه مستقل مربوط مطابق با شرایط آن است.

ماده ۲۹۸- پرداخت مبلغ ضمانتنامه و ارائه اسناد مندرج در آن باید حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه و در محل صدور آن از صادرکننده یا نماینده او تقاضا شود، مگر اینکه در ضمانتنامه به نحو دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۹۹- انقضای اعتبار ضمانتنامه مستقل ممکن است در تاریخ مشخصی باشد یا به تحقق شرط معینی موقوف شود. اگر هر دو ذکر شود هر یک که زودتر اتفاق افتد تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه خواهد بود، مگر برخلاف آن توافق شده باشد.

ماده ۳۰۰- تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه یا پرداخت مبلغ آن در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانتنامه پیش‌بینی شود. در صورتی که متقاضی وثیقه‌ای در خصوص ضمانتنامه به صادرکننده داده باشد، با بازپرداخت هر بخش از مبالغی که ضامن به مضمون‌گه پرداخته است می‌تواند به نسبت، خواهان آزاد شدن وثیقه خود گردد مشروط بر آنکه وثیقه قابلیت تفکیک داشته باشد.

ماده ۳۰۱- صادرکننده باید تقاضای پرداخت ذی‌نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آنها با اسناد ذکرشده در ضمانتنامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین‌المللی حداکثر تا یک ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفا کند، ایفای تعهد با تأدیه مبلغ مندرج در ضمانتنامه محقق می‌شود و ممکن است، حسب دستور ذی‌نفع، از طریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد.

تبصره ۱- چنانچه ضمانتنامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مدارک نباشد، در صورت مطالبه وجه ضمانتنامه توسط ذی‌نفع، صادرکننده موظف است پس از وصول درخواست مطالبه، تا چهل و هشت ساعت مبلغ ضمانتنامه را به ذی‌نفع پرداخت نماید.

تبصره ۲- صادرکننده مکلف است به محض تقاضای پرداخت ضمانتنامه از سوی ذی‌نفع این موضوع را به موجب اخطار به اطلاع متقاضی و ضامن متقابل در صورت وجود برساند.

ماده ۳۰۲- چنانچه مطالبه مبلغ به ارائه اسنادی منوط شود و صادرکننده اسناد ارائه شده را با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف مدت سه روز مراتب را همراه دلایل رد به صورت کتبی به اطلاع ذی‌نفع برساند. صادرکننده باید به تقاضای ذی‌نفع اصل اسناد را مسترد کند.

ماده ۳۰۳- قبول هیچ یک از اسناد به وسیله صادرکننده نباید به امضاء یا تأیید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضای شخص ثالث منوط شود.

ماده ۳۰۴- در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول یا وقوع جرمی در مورد آنها محرز باشد، پرداخت وجه متوقف می‌شود.

ماده ۳۰۵- چنانچه ضمانتنامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مدارک باشد، ضامن بر مبنای ظاهر اسناد و مدارک ارائه شده در حد عرف بانکداری عمل می‌کند و هیچ‌گونه تعهد یا مسؤولیتی در این خصوص از جمله موارد زیر ندارد:

۱- اصالت و صحت هرگونه امضاء، مدارک، اسناد و اطلاعات ارائه شده؛

۲- هرگونه اظهارات کلی یا خاص در خصوص مدارک و اسناد

ارائه شده؛

۳- وجود کالا یا خدمات و همچنین شرح، مقدار، وزن، کیفیت، بسته‌بندی، تحویل و ارزش آنها و سایر کارهای اجرایی یا آماری که در اسناد و مدارک، به آنها اشاره شده است؛

۴- حسن نیت، فعل یا ترک فعل، اعتبار مالی و شخصی صادرکننده اسناد و مدارک.

ماده ۳۰۶- در صورتی که صادرکننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی‌نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران کلیه خسارات وارده به ذی‌نفع و متقاضی است.

ماده ۳۰۷- در صورتی که صادرکننده، مبلغ ضمانتنامه مستقل را مطابق شرایط ضمانتنامه پرداخت کند، متقاضی باید مبالغ زیر را به وی بپردازد:

۱- مبلغ مندرج در ضمانتنامه تا سقفی که به ذی‌نفع پرداخت شده است.

۲- کارمزدی که ممکن است برای پرداخت معین شده باشد.

۳- هزینه‌ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانتنامه متحمل شده است. طرفین می‌توانند در این خصوص بر مبلغ مقطوعی به‌عنوان خسارت توافق کنند.

ماده ۳۰۸- در صورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانتنامه صادرکننده به تقاضای ذی‌نفع ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) یا عندالاقضاء پرداخت مبلغ ضمانتنامه می‌باشد. در صورت صدور نسخه جایگزین باید عبارت «نسخه جایگزین (المثنی)» بر روی ضمانتنامه درج گردد.

ماده ۳۰۹- صادرکننده ضمانتنامه در موارد زیر از پرداخت وجه به ذی‌نفع خودداری می‌کند:

۱- چنانچه اسناد ارائه شده صحیح نباشد یا مجعول باشد،

۲- چنانچه وجه ضمانتنامه طبق شرایط مندرج در آن قابل مطالبه نباشد،

۳- چنانچه مطالبه وجه هیچ مبنای ممکن و قابل تصویری نداشته باشد مانند موارد زیر:

- ۳-۱- واقعه یا خطری که ضمانتنامه مستقل به منظور حمایت ذی‌نفع در برابر آن صادر شده است مسلماً رخ نداده باشد،
- ۳-۲- تعهد پایه توسط دادگاه باطل اعلام شده باشد، مگر اینکه در ضمانتنامه تصریح شده باشد بطلان تعهد پایه نیز تحت پوشش ضمانتنامه قرار دارد.
- ۳-۳- تعهد پایه بدون تردید با رضایت ذی‌نفع اجراء شده باشد.
- ۳-۴- به تشخیص دادگاه تقصیر ذی‌نفع آشکارا مانع اجرای تعهد پایه شده باشد.

۴- در مورد ضمانتنامه متقابل، هرگاه ذی‌نفع ضمانتنامه متقابل به عنوان صادرکننده ضمانتنامه مستقل مربوط، وجه آن را با سوءنیت پرداخته باشد. تبصره- متقاضی ضمانتنامه می‌تواند در موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) این ماده صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت ضمانتنامه را از دادگاه تقاضا نماید.

ماده ۳۱۰- در صورتی که صادرکننده به دلیل حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل رفع یا دستور مقام قضائی نتواند مبلغ ضمانت را پرداخت کند و مدت اعتبار ضمانتنامه نیز در این مدت منقضی شده باشد، ضمانتنامه تا سی روز پس از رفع موارد مذکور معتبر خواهد بود. چنانچه ذی‌نفع پیش از تاریخ بروز حادثه یا پیش از تاریخ وصول دستور مقام قضائی مبنی بر عدم پرداخت، درخواست مطالبه وجه ضمانتنامه را به صادرکننده یا ضامن ارائه کرده باشد، صادرکننده موظف است پس از رفع موارد مذکور مطابق مقررات این قانون، وجه ضمانتنامه را به ذی‌نفع پرداخت نماید.

ماده ۳۱۱- هر کس با علم به بلاجهت بودن وصول مبلغ ضمانتنامه آن را وصول کند، به جزای نقدی از نصف تا کل مبلغ ضمانتنامه و جبران خسارت زیان دیده محکوم خواهد شد.

ماده ۳۱۲- مقررات این فصل نافذ اختیارات مراجع ذیصلاح در تنظیم دستورالعمل اجرایی ناظر بر ضمانتنامه‌های بانکی ناشی از سیاست‌های پولی و بانکی نیست.

#### فصل دوازدهم- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز)

ماده ۳۱۳- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز) قراردادی است که به موجب آن، دارنده یک کسب و کار حق استفاده از مالکیت فکری خود در آن کسب و کار مانند نام و علامت تجاری و دانش فنی را به منظور راه‌اندازی و انجام همان کسب و کار تحت همان نام و علامت و با شرایط معین و با کمک و تحت نظارت مستمر خود در محدوده جغرافیایی معین به دیگری اعطاء می‌کند.

ماده ۳۱۴- امتیازگیرنده مستقل بوده و به نام و حساب خود فعالیت می‌کند.

ماده ۳۱۵- طرفین قرارداد موظفند تا قرارداد اعطای امتیاز و هر نوع تغییر در مفاد آن را نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت برسانند. قراردادی که برای ثبت به مرجع ثبت ارائه می‌شود، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

- ۱- هویت طرفین قرارداد؛
- ۲- نام و مشخصات کسب و کار؛
- ۳- مابه‌ازای امتیاز اعطاء شده و هزینه‌های مرتبط از قبیل هزینه تبلیغات، هزینه ارتقاء؛
- ۴- تعهدات امتیازدهنده؛
- ۵- تعهدات امتیازگیرنده؛
- ۶- مشخصات مالکیت فکری اعطاء شده؛

۷- تعیین تکلیف در خصوص امکان واگذاری کسب و کار به شخص دیگر و شرایط آن در صورت امکان؛

۸- نوع و مشخصات کمکهای اعطائی از سوی امتیازدهنده؛

۹- مدت زمان قرارداد و شرایط راجع به تمدید آن؛

۱۰- حقوق و تکالیف طرفین پس از خاتمه یا انقضای قرارداد؛

۱۱- انحصاری یا غیرانحصاری بودن قرارداد؛

۱۲- تعیین تکلیف کسب و کار در صورت فوت امتیازگیرنده؛

۱۳- تکلیف قرارداد در صورت تغییر یا انقضای مالکیت فکری در طول

مدت قرارداد؛

۱۴- نحوه تبلیغات به خصوص امکان یا عدم امکان تبلیغ در خارج از

حوزه جغرافیایی.

ماده ۳۱۶- اعطای امتیاز کسب و کار باید در دفتر ثبت تجاری به ثبت

برسد، در غیر این صورت محل کسب و کار امتیاز گیرنده مهر و موم (پلمب)

خواهد شد. ثبت مذکور منوط به ارائه گواهی ثبت قرارداد اعطای امتیاز مطابق

ماده (۳۱۵) این قانون است.

ماده ۳۱۷- مرجع ثبت، مفاد بندهای (۱)، (۲)، (۶)، (۷)، (۹) و (۱۱)

ماده (۳۱۵) این قانون و هر نوع تغییر در خصوص آنها را در روزنامه رسمی

منتشر می کند. در صورت عدم ثبت قرارداد، طرفین نمی توانند به ضرر اشخاص

ثالث ناآگاه به مفاد قرارداد استناد کنند.

ماده ۳۱۸- امتیازدهنده باید حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد اعطای

امتیاز کسب و کار را به شکل قانونی کسب کرده و در مواردی که الزام به ثبت

آن وجود دارد، آن را به ثبت برساند. امتیازدهنده ضامن اعتبار این حقوق در

طول دوره قرارداد است.

ماده ۳۱۹- هر شخص بدون انعقاد قرارداد اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز) طبق این قانون، خود را منتسب به شبکه کسب و کار نموده یا اقداماتی انجام دهد که نوعاً موجب گمراهی مردم در خصوص انتساب آن به یک شبکه کسب و کار مشخص باشد، علاوه بر جبران خسارات وارده به جزای نقدی درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

تبصره- شبکه کسب و کار در این قانون، به مجموعه‌ای از کسب و کارهایی که با نام و علامت یکسان تحت نظارت امتیازدهنده‌ای معین در قالب قرارداد اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز) فعالیت می‌کنند اطلاق می‌گردد.

ماده ۳۲۰- امتیازدهنده مکلف است قبل از انعقاد قرارداد اطلاعات زیر را در اختیار متقاضی امتیاز، قرار دهد:

- ۱- اطلاعات شبکه کسب و کار از قبیل ساختار و وسعت شبکه و سوابق آن؛
- ۲- حق مالکیت فکری مرتبط و هرگونه دعوی طرح شده در خصوص آن؛
- ۳- دعوی مطرح علیه امتیازدهنده یا وابستگان تجارتنی آن در ارتباط با موضوع قرارداد در مدت پنج سال اخیر؛
- ۴- سابقه ورشکستگی یا توقف در پنج سال اخیر؛
- ۵- مشخصات امتیازگیرندگان نزدیک به منطقه جغرافیایی متقاضی؛
- ۶- اطلاعات امتیازگیرندگانی که در پنج سال اخیر با شبکه کسب و کار قطع همکاری کرده‌اند با بیان علت قطع همکاری.

تبصره- هرگونه توافقی بر خلاف این ماده کأن لم یکن تلقی خواهد شد. در صورت عدم ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات خلاف واقع امتیازدهنده مسؤول جبران خسارات طرف مقابل است. علاوه بر این امتیازگیرنده ناآگاه می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.

ماده ۳۲۱- امتیازدهنده مکلف است اطلاعات، دانش فنی و آموزش‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار را به امتیازگیرنده ارائه دهد. در صورتی که در

طول اجرای قرارداد، اطلاعات و دانش فنی، تصحیح، توسعه و یا تکمیل یابد، امتیازدهنده موظف به ارائه اطلاعات و دانش جدید است.

ماده ۳۲۲- در صورتی که مالکیت فکری موضوع قرارداد از سوی شخص ثالث نقض گردد، امتیازدهنده مکلف است نسبت به جلوگیری از نقض مذکور اقدامات لازم را انجام دهد. در صورت تقاضای امتیازگیرنده مبنی بر جلوگیری از نقض و عدم انجام اقدامی از سوی امتیازدهنده، امتیازگیرنده در محدوده جغرافیایی خود، شخصاً می‌تواند علیه ثالث اقامه دعوی نماید. در این صورت هزینه‌های متحمل و خسارات ناشی از عدم اقدام برعهده امتیازدهنده خواهد بود.

ماده ۳۲۳- امتیازگیرنده متعهد است روش تجارتي و دستورالعمل‌های صادره از سوی امتیازدهنده را رعایت نماید. دستورالعمل‌های مذکور تا مقداری نافذ خواهد بود که به مستقل بودن امتیازگیرنده طبق ماده (۳۱۴) این قانون خللی وارد نشود.

ماده ۳۲۴- امتیازدهنده موظف به نظارت بر شیوه عملکرد امتیازگیرنده است تا کالای ارائه شده از سوی او برخلاف استانداردها و کیفیت کالاهای اصلی نباشد.

ماده ۳۲۵- امتیازگیرنده باید حق دسترسی به محیط فعالیت خود را برای امتیازدهنده فراهم نماید به نحوی که امتیازدهنده اطمینان حاصل کند که امتیازگیرنده طبق قرارداد و دستورالعمل‌های صادره عمل نموده و اقدامی انجام نمی‌دهد که شهرت و اعتبار شبکه کسب و کار را به خطر اندازد. همچنین امتیازگیرنده باید حق دسترسی به دفاتر و سایر اسناد مالی مربوط به قرارداد را برای امتیازدهنده فراهم نماید.

ماده ۳۲۶- امتیازدهنده در صورت انحصاری بودن قرارداد امتیاز نمی‌تواند در منطقه جغرافیایی مورد توافق، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم اقدام به رقابت با امتیازگیرنده کند یا با شخص دیگری در خصوص موضوع قرارداد، قرارداد اعطای امتیاز دیگری منعقد نماید.



ماده ۳۲۷- امتیازدهنده باید کلیه اقدامات لازم و متعارف به ویژه طراحی برنامه‌های تبلیغاتی را در جهت حفظ و ارتقای شهرت و اعتبار شبکه کسب و کار انجام دهد. انجام هرگونه اقدامی توسط امتیازگیرنده که موجب خدشه به اعتبار و حسن شهرت شبکه کسب و کار شود، ممنوع است.

ماده ۳۲۸- امتیازدهنده می‌تواند در قرارداد شرط کند که امتیازگیرنده تا مدتی بعد از انقضای قرارداد از راه‌اندازی کسب و کاری مشابه با موضوع قرارداد در همان منطقه جغرافیایی ممنوع باشد، در هر صورت مدت مذکور نمی‌تواند بیش از دو سال پس از انقضای قرارداد باشد.

ماده ۳۲۹- بعد از انقضای مدت قرارداد، امتیازگیرنده حق فروش اموالی را که نزد او باقی مانده است با همان شرایط مذکور در قرارداد دارد و این امر نقض مالکیت امتیازدهنده محسوب نمی‌گردد؛ مگر اینکه امتیازدهنده خود خواهان خرید کالاهای مذکور به قیمت روز باشد که در این صورت امتیازگیرنده باید از فروش کالاهای مذکور به غیر خودداری کند.

ماده ۳۳۰- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون موارد زیر نسخ می‌شود:

۱- مواد (۳۳۵) تا (۴۱۱) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ با اصلاحات

و الحاقات بعدی

۲- تصویبنامه قانونی مربوط به تأسیس انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰/۶/۶ با

اصلاحات و الحاقات بعدی

ماده ۳۳۱- مفاد این قانون از تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ لازم‌الاجراء است.

## کتاب دوم - اسناد تجارقی

### فصل اول - برات

#### مبحث اول - شرایط شکلی

ماده ۳۳۲ - سند برات باید متضمن موارد زیر باشد:

- ۱- قید کلمه «برات» بر روی آن
  - ۲- دستور بی قید و شرط پرداخت مبلغی معین
  - ۳- نام مخاطب دستور پرداخت (برات گیر)
  - ۴- سررسید پرداخت
  - ۵- محل پرداخت
  - ۶- نام شخصی که مبلغ باید در وجه و یا به حواله کرد او پرداخت شود.  
(دارنده نخستین)
  - ۷- تاریخ تنظیم سند به روز و ماه و سال
  - ۸- محل تنظیم سند
  - ۹- امضای صادرکننده برات (برات دهنده)
- ماده ۳۳۳ - سندی که فاقد حداقل یکی از شرایط مذکور در ماده (۳۳۲) این قانون باشد، مشمول مقررات راجع به برات نیست، مگر در موارد زیر:
- ۱- عدم درج سررسید که در این صورت برات به رؤیت تلقی می شود.
  - ۲- عدم درج محل پرداخت که در این صورت نشانی مندرج در مقابل نام برات گیر محل پرداخت و اقامتگاه وی تلقی می شود.
  - ۳- عدم درج محل تنظیم که در این صورت نشانی مندرج در مقابل نام برات دهنده محل تنظیم و اقامتگاه وی تلقی می شود.

ماده ۳۳۴- اگر مبلغ برات بیش از یکبار نوشته شود، چنانچه هر دو با حروف یا هر دو با رقم باشد، مبلغ کمتر و چنانچه یکبار با حروف و یکبار با رقم نوشته شده باشد، مبلغ نوشته شده با حروف، مناط اعتبار است.

ماده ۳۳۵- ممکن است برات به عهده شعبه دیگر برات دهنده تنظیم شود.

ماده ۳۳۶- سررسید برات فقط می تواند به تاریخ معین (به روز، ماه و سال) یا به رؤیت باشد. چنانچه سررسید سند به نحو دیگری تعیین شده یا سند دارای چند سررسید پشت سرهم باشد، مشمول مقررات راجع به برات نیست.

تبصره- چنانچه سررسید برات به تاریخ معین و محل پرداخت محلی باشد که دارای تقویمی غیر از تقویم محل تنظیم سند است، روز پرداخت باید بر اساس تقویم محل پرداخت معین شود.

ماده ۳۳۷- برات ممکن است در اقامتگاه برات گیر، شخص ثالث یا محل دیگر قابل پرداخت باشد. چنانچه به موجب قرارداد میان بانک و برات گیر وجه برات از محل حساب وی نزد بانک قابل پرداخت باشد، بانک به عنوان محل پرداخت قابل تعیین است. در این صورت باید نام بانک و شماره حساب مربوط در برات قید شود.

ماده ۳۳۸- ممکن است برات به حواله کرد خود برات دهنده باشد.

ماده ۳۳۹- ممکن است برات به حساب شخص ثالث صادر گردد. چنانچه برات دارای امضای برات دهنده، ولی فاقد برخی از موارد مذکور در ماده (۳۳۲) این قانون باشد و سپس به وسیله متصرف قانونی برات تکمیل شود، اعتبار برات را دارد. با وجود این، چنانچه برات به نحوی غیر از توافق پیشین طرفین تکمیل شود، عدم رعایت چنین توافقی علیه دارنده بعدی مسموع نیست، مگر اینکه شخص اخیر برات را با سوءنیت تحصیل نموده یا در تحصیل آن تقصیر سنگینی مرتکب شده باشد.

### مبحث دوم - قبول و نکول

ماده ۳۴۰- دارنده برات به تاریخ معین تا سررسید می تواند آن را برای قبول به برات گیر ارائه کند. ارائه برای قبول در اقامتگاه برات گیر و به وسیله دارنده یا شخصی که سند به او سپرده شده است، به عمل می آید.

ماده ۳۴۱- برات دهنده می تواند شرط کند که سند در مهلت معین یا بدون آن برای قبول به برات گیر ارائه گردد یا پیش از گذشت مدت زمان معین برای قبول ارائه نشود. هر ظهرنویس نیز می تواند با تعیین مهلت یا بدون آن شرط کند که سند برای قبول به برات گیر ارائه شود.

برات دهنده می تواند ارائه سند برای قبول را منع کند، مگر در مورد برات قابل پرداخت در اقامتگاه شخص ثالث یا در محل دیگری به غیر از اقامتگاه برات گیر.

ماده ۳۴۲- در صورت ارائه برات برای قبول، برات گیر می تواند تقاضا نماید که سند فردای پس از رؤیت، برای بار دوم، به وی ارائه شود. ایراد ذی نفعان مبنی بر عدم ترتیب اثر به تقاضای قبول قابل استناد نیست، مگر اینکه برات گیر آن را در واخواست نامه قید کرده باشد. دارنده ملزم نیست به هنگام ارائه برات برای قبول، آن را به برات گیر تسلیم نماید.

ماده ۳۴۳- قبول برات با درج عباراتی نظیر «قبول» و امضاء قبول کننده محقق می شود. صرف وجود امضای برات گیر در برات دال بر قبول است، مگر اینکه وی عبارت صریحی مبنی بر نکول در سند درج کرده باشد. امتناع از قبول و نکول در حکم نکول است.

ماده ۳۴۴- قبول باید بی قید و شرط باشد و قبول مشروط در حکم نکول است. با وجود این، قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته است، مسؤول پرداخت وجه برات است.

ماده ۳۴۵- چنانچه برات در اقامتگاه برات گیر قابل پرداخت باشد، وی می تواند ضمن قبول نشانی دیگری در همان محل را برای پرداخت وجه برات تعیین نماید.

ماده ۳۴۶- چنانچه محلی غیر از اقامتگاه برات گیر به عنوان محل پرداخت وجه برات تعیین گردیده و شخص ثالثی که باید وجه را در آن محل بپردازد مشخص نشده باشد، برات گیر به هنگام قبول می تواند محل پرداخت را معین کند. در صورت عدم تعیین محل پرداخت در فرض مذکور، برات گیر شخصاً مسؤول پرداخت وجه در محل پرداخت مندرج در سند است.

ماده ۳۴۷- قبول جزئی صحیح است و برات نسبت به مبلغ مازاد نکول شده محسوب می شود.

ماده ۳۴۸- چنانچه برات بر اساس شرط مندرج در آن باید در فاصله زمانی مشخصی برای قبول به برات گیر ارائه شود، درج تاریخ روز قبول الزامی است، مگر اینکه دارنده تقاضا نماید که تاریخ روز رؤیت به عنوان تاریخ قبول درج گردد. اگر قبول بدون تاریخ باشد، دارنده، برای حفظ حق رجوع به ظهرنویسان و برات دهنده، باید عدم ذکر تاریخ را از طریق و اخواست در موعد قانونی تأمین دلیل نماید.

ماده ۳۴۹- قبول کننده برات متعهد است وجه آن را در سررسید پرداخت نماید و حق نکول ندارد.

ماده ۳۵۰- اگر برات گیر برات را قبول، ولی پیش از بازگرداندن سند به دارنده آن را لغو کند، برات نکول شده محسوب می شود. فرض بر این است که الغای قبول پیش از بازگرداندن برات واقع شده است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. با وجود این، اگر برات گیر قبول خود را کتباً به دارنده یا یکی از امضاء کنندگان سند اطلاع داده باشد، در حدود عبارات اخطار خود در مقابل آنها مسؤول است.

### مبحث سوم - ظهرنویسی

ماده ۳۵۱- هر براتی را می‌توان با ظهرنویسی منتقل کرد، ولو اینکه صراحتاً به حواله‌کردن دارنده صادر نشده باشد. چنانچه برات‌دهنده عبارات «بدون حواله‌کردن»، «غیرقابل انتقال»، «فقط قابل پرداخت در وجه شخص معین» یا مشابه آن را که صریح در منع ظهرنویسی به عنوان انتقال است، در متن برات قید کرده باشد، انتقال آن تابع مقررات مربوط به انتقال طلب مدنی است.

ماده ۳۵۲- ظهرنویسی پیش از سررسید و پس از آن امکان‌پذیر است. با وجود این، ظهرنویسی پس از وخواست عدم پرداخت یا پس از پایان مهلت انجام آن تابع مقررات مربوط به انتقال طلب مدنی است. ظهرنویسی بدون تاریخ، ظهرنویسی پیش از پایان مهلت انجام وخواست، عدم پرداخت محسوب می‌شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۳۵۳- ظهرنویسی باید بی‌قید و شرط باشد، در متن برات یا برگ ضمیمه درج شود و متضمن نام ذی‌نفع ظهرنویسی و امضای ظهرنویس باشد.

ماده ۳۵۴- انتقال برات به موجب سند جداگانه یا از طریق قبض و اقباض، ظهرنویسی سفیدامضاء (فاقد نام ذی‌نفع ظهرنویسی)، در وجه حامل، جزئی یا مشروط، باطل است. انتقال سند به صور مذکور مشمول مقررات این قانون در خصوص انتقال از طریق ظهرنویسی نیست.

ماده ۳۵۵- برات به نفع برات‌گیر، اعم از اینکه قبول کرده یا نکرده باشد، برات‌دهنده یا هر یک از دیگر امضاءکنندگان سند، قابل ظهرنویسی است. این اشخاص نیز می‌توانند سند را مجدداً ظهرنویسی کنند. ممکن است تاریخ ظهرنویسی و نشانی ظهرنویس نیز در برات درج گردد.

تبصره- چنانچه ظهرنویس در ظهرنویسی خود تاریخ مقدمی را قید کند، در صورتی که مشمول مجازات شدیدتر دیگری نباشد، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ برات محکوم می‌شود.

ماده ۳۵۶- ظهرنویسی موجب انتقال کلیه حقوق ناشی از برات است، مگر اینکه در متن سند بر عنوان «وکالت در وصول» یا «وثیقه» یا مشابه آنها تصریح شده باشد.

ماده ۳۵۷- ظهرنویس مسئول تحصیل قبول و پرداخت سند است، مگر اینکه در متن سند بر خلاف آن شرط کرده باشد. ظهرنویس می‌تواند ظهرنویسی جدید را منع کند. در این صورت، ظهرنویس در مقابل اشخاصی که سند یا ظهرنویسی به آنها منتقل می‌شود، مسئولیت مقرر در این قانون برای ظهرنویس را نخواهد داشت.

ماده ۳۵۸- متصرف برات، دارنده قانونی آن محسوب می‌شود و به هیچ عنوان نمی‌توان به استرداد آن به دیگری حکم کرد، مشروط بر اینکه سند را از طریق تسلسل لاینقطع ظهرنویسی‌ها تحصیل کرده و در تحصیل آن سوءنیت نداشته و مرتکب تقصیر سنگینی نشده باشد.

تبصره ۱- در احراز تسلسل لاینقطع ظهرنویسی‌ها صرفاً مفاد ظاهر سند، ملاک عمل است.

تبصره ۲- در موارد مذکور در ماده (۳۵۴) این قانون اثبات مالکیت بر سند و استرداد آن تابع قواعد عمومی مربوط به اثبات مالکیت و استرداد اسناد است.

ماده ۳۵۹- چنانچه ظهرنویسی متضمن عبارات «وکالت در وصول»، «برای وصول» یا هر عبارت دیگر باشد که حاکی از نمایندگی در وصول است، دارنده می‌تواند کلیه حقوق ناشی از برات را اعمال نماید، اما در ظهرنویسی آن تنها می‌تواند به عنوان وکالت در وصول اقدام کند. در این صورت، مسؤولان برات در مقابل دارنده فقط می‌توانند به ایراداتی استناد کنند که در مقابل ظهرنویس قابل استناد باشد.

ماده ۳۶۰- وکیل در وصول برات می‌تواند پس از فوت یا حجر ظهرنویس نیز حقوق ناشی از برات را اعمال نماید، مگر اینکه در متن برات بر خلاف آن

تصریح شده یا قائم مقام قانونی ظهرنویس وی را از این امر منع کرده باشد. در این صورت، وکیل در وصول باید به فوریت برات را به قائم مقام قانونی متوفی یا محجور تسلیم نماید.

ماده ۳۶۱- چنانچه ظهرنویسی متضمن عبارات «برای وثیقه»، «برای رهن» یا هر عبارت دیگر باشد که حاکی از وثیقه است، دارنده می تواند کلیه حقوق ناشی از برات را اعمال نماید، اما در ظهرنویسی آن تنها می تواند به عنوان وکالت در وصول اقدام کند. مسؤولان سند نمی توانند در برابر دارنده به ایرادات مبتنی بر روابط شخصی خود با ظهرنویس استناد نمایند، مگر اینکه دارنده به هنگام دریافت برات با سوءنیت به زیان مسؤول پرداخت سند عمل کرده یا در تحصیل آن مرتکب تقصیر سنگینی شده باشد.

#### مبحث چهارم - ضمانت

ماده ۳۶۲- شخص ثالث یا هریک از امضاکنندگان برات می توانند تمام یا بخشی از مبلغ برات را ضمانت کنند.

ماده ۳۶۳- ضمانت با درج عباراتی نظیر «برای تضمین» در برات یا برگ ضمیمه و با امضای ضامن محقق می شود. صرف امضای برات ضمانت تلقی می شود، مگر اینکه امضاء به برات دهنده یا برات گیر مربوط باشد. چنانچه ضامن نام مضمون عنه را در برات قید نکند، ضمانت وی از برات دهنده محسوب است.

ماده ۳۶۴- مسؤولیت ضامن به حدود مسؤولیت مضمون عنه محدود است. ضامن در هر حال مسؤول پرداخت وجه برات است، حتی اگر تعهدی را که او تضمین نموده است، به هر علت، به غیر از ایراد مربوط به شکل ظاهری سند، باطل باشد. ضامن ممکن است مسؤولیت خود را منوط به اصالت امضای مضمون عنه کند.



ماده ۳۶۵- چنانچه ضامن مبلغ برات را بپردازد، می تواند کلیه حقوق ناشی از سند را از مضمون عنه و کلیه اشخاصی که در مقابل وی در برات مسؤولیت دارند، مطالبه کند.

#### مبحث پنجم - پرداخت

ماده ۳۶۶- برات به رؤیت فوراً قابل پرداخت است. این نوع برات باید ظرف مدت یکسال از تاریخ صدور برای پرداخت ارائه شود. برات دهنده می تواند این مدت را کم یا زیاد کند. این مدت از سوی ظهرنویسان هم قابل کاهش است. برات دهنده می تواند شرط کند که برات به رؤیت نباید پیش از موعد معینی به برات گیر ارائه شود. در این مورد، مهلت ارائه سند از تاریخ مذکور شروع می گردد.

ماده ۳۶۷- دارنده براتی که سررسید آن به تاریخ معین است، باید سند را در روز سررسید برای پرداخت مبلغ به برات گیر ارائه نماید. تسلیم برات به بانک به منزله ارائه آن برای پرداخت است.

ماده ۳۶۸- برات گیر به هنگام پرداخت برات می تواند استرداد سند را از دارنده درخواست کند.

ماده ۳۶۹- دارنده نمی تواند پرداخت قسمتی از مبلغ برات را رد کند. در صورت پرداخت قسمتی از وجه برات، برات گیر می تواند درج مراتب در سند و ارائه رسید به میزان مبلغ پرداخت شده را تقاضا کند.

ماده ۳۷۰- دارنده برات را نمی توان به دریافت پیش از موعد مبلغ برات اجبار نمود. اگر پرداخت در زمانی صورت گرفته باشد که دارنده حق رجوع ندارد یا وجه برات به موجب دستور یا رأی مرجع صالح نزد او توقیف شده باشد، پرداخت کننده در مقابل اشخاصی که حقی نسبت به وجه برات دارند، مسؤول است.

ماده ۳۷۱- شخصی که در سررسید وجه برات را بپردازد، بریءالذمه محسوب می شود، مگر اینکه با سوءنیت به زیان مسئولان سند اقدام کرده یا در پرداخت وجه تفصیر سنگینی مرتکب شده باشد. برات گیر باید، به هنگام پرداخت، تسلسل لاینقطع ظهن نویسی ها را احراز نماید، لکن احراز اصالت امضای ظهن نویسان ضروری نیست.

ماده ۳۷۲- اگر دارنده برات به قبول کننده برات، مهلتی برای پرداخت بدهد، به ظهن نویسان پیش از خود و برات دهنده ای که به مهلت مذکور رضایت نداده اند و ضامنان آنان حق رجوع ندارد.

ماده ۳۷۳- چنانچه مبلغ برات به واحد پولی غیر از واحد پول رایج در محل پرداخت تعیین شده باشد، این مبلغ به وجه رایج کشور محل پرداخت به نرخ روز سررسید قابل پرداخت است، مگر اینکه برات دهنده در متن برات برخلاف آن تصریح کرده باشد. در هر حال، امکان، نحوه و میزان پرداخت به پول خارجی تابع مقررات ارزی در محل پرداخت است.

تبصره- چنانچه وجه برات به واحد پولی باشد که در محل صدور و محل پرداخت دارای یک عنوان اما با ارزش های متفاوت است، پول کشور محل پرداخت، مناط اعتبار است.

ماده ۳۷۴- چنانچه پرداخت برات به ارز خارجی به وسیله برات دهنده در متن برات تصریح نشده و مسئول پرداخت وجه سند در پرداخت آن تأخیر کرده باشد، دارنده برات می تواند پرداخت وجه برات به نرخ روز سررسید یا نرخ روز پرداخت را تقاضا کند.

ماده ۳۷۵- حذف شد.

ماده ۳۷۶- حذف شد.

ماده ۳۷۷- چنانچه برات ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۶۷) این قانون برای پرداخت ارائه نشده باشد، هریک از مسؤولان سند می‌تواند، به هزینه و مسؤولیت دارنده برات، مبلغ قابل پرداخت را در صندوق دادگستری به امانت بگذارد.

### مبحث ششم- مسؤولیت ناشی از نکول یا عدم پرداخت

ماده ۳۷۸- دارنده برات در صورت عدم پرداخت وجه سند پس از سررسید حق رجوع به کلیه مسؤولان سند را دارد. دارنده برات در موارد زیر پیش از سررسید نیز دارای حق مذکور است:

- ۱- نکول برات یا قبول جزئی آن
- ۲- ورشکستگی یا فوت برات گیر، خواه برات را قبول کرده یا نکرده باشد.
- ۳- عدم پرداخت سایر اسناد تجارتي تعهدشده به وسیله برات گیر حسب مورد به موجب گواهی عدم پرداخت یا واخواست
- ۴- بی نتیجه ماندن عملیات اجرایی علیه اموال برات گیر با گذشت بیش از دو ماه از صدور اجرائیه
- ۵- ورشکستگی یا فوت برات دهنده، اگر برات قبول نشده باشد.

ماده ۳۷۹- نکول یا عدم پرداخت باید از طریق واخواست نکول یا عدم پرداخت محرز شود.

ماده ۳۸۰- واخواست نکول، باید ظرف مهلت مقرر انجام شود. اگر در خصوص مورد مذکور در ماده (۳۴۲) این قانون نخستین ارائه در آخرین روز مهلت واقع شده باشد، واخواست می‌تواند روز بعد هم به عمل آید.

ماده ۳۸۱- واخواست نکول، دارنده برات را از ارائه برای پرداخت و واخواست عدم پرداخت معاف می‌کند.

ماده ۳۸۲- واخواست عدم پرداخت براتی که در روز معین قابل پرداخت است، باید ظرف مدت ده روز از سررسید انجام شود.

ماده ۳۸۳- در مورد بندهای (۳) و (۴) ماده (۳۷۸) این قانون، دارنده نمی‌تواند حق رجوع خود را اعمال کند، مگر پس از ارائه برات برای پرداخت و درخواست عدم پرداخت؛ خواه برات‌گیر برات را قبول کرده یا نکرده باشد. در مورد بندهای (۲) و (۵) ماده (۳۷۸) این قانون، صدور حکم ورشکستگی یا تحقق فوت برای اعمال حق رجوع دارنده کافی است.

ماده ۳۸۴- دارنده باید، ظرف مدت ده روز از تاریخ وخواست یا در مورد شرط معافیت از وخواست از روز ارائه برات، نکول یا عدم پرداخت را به ظهرنویس پیش از خود یا برات‌دهنده و ضامن آنها، در صورت وجود، اخطار کند. هر ظهرنویس نیز باید ظرف مدت ده روز از دریافت اخطار مذکور، ظهرنویس پیش از خود و ضامن وی را با ذکر نام و نشانی آنهایی که اخطارهای پیشین را به وی ارسال کرده‌اند، از نکول یا عدم پرداخت مطلع کند و این عمل به همین ترتیب ادامه یابد تا به شخص برات‌دهنده و ضامن وی برسد. مدت‌های مذکور برای هر شخص از تاریخ دریافت اخطار پیشین شروع می‌شود.

در مورد شخصی که نشانی خود را ذکر نکرده یا به اشتباه ذکر نموده است، ارسال اخطار به اولین ظهرنویس پیش از او که دارای نشانی صحیح است، کفایت می‌کند.

اخطارکننده باید ثابت کند که اخطار را ظرف مهلت مقرر ارسال کرده است. شخصی که در این مهلت اخطار مذکور را ارسال نکرده باشد، حقوق خود را از دست نمی‌دهد، اما اگر بر اثر تقصیر او زیانی وارد شود، این شخص حداکثر تا میزان مبلغ برات، مسؤول جبران خسارات وارد شده است.

ماده ۳۸۵- برات‌دهنده، ظهرنویس یا ضامن آنها می‌تواند به موجب شرط «بدون وخواست» یا هر اصطلاح معادل دیگری که در برات قید و امضاء می‌شود، دارنده را از انجام وخواست نکول یا عدم پرداخت برای اعمال حق رجوع معاف کند. این شرط دارنده را از وظیفه ارائه برات ظرف مهلت مقرر یا ارسال اخطار

معاف نمی‌کند. اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که می‌خواهد به این ایراد در مقابل دارنده استناد کند.

اگر این شرط به وسیله برات‌دهنده نوشته شده باشد، آثار آن متوجه کلیه اشخاصی است که برات را امضاء کرده‌اند، اما اگر این شرط به وسیله یکی از ظهرنویس‌ها یا ضامنان درج شده باشد، آثار آن فقط در مورد همان ظهرنویس یا ضامن جاری است.

اگر علی‌رغم درج شرط مذکور به وسیله برات‌دهنده، دارنده برات واخواست کند، باید هزینه‌های مربوط را نیز متحمل شود. چنانچه این شرط از جانب ظهرنویس یا ضامن درج شده باشد، در صورت انجام واخواست هزینه‌های مربوط را می‌توان از تمام امضاءکنندگان برات وصول کرد.

ماده ۳۸۶- برات‌دهنده، ظهرنویس و ضامن در برابر دارنده نسبت به قبول برات مسؤولیت تضامنی دارند. اشخاص مذکور می‌توانند مسؤولیت قبول برات را از خود سلب کنند، اما هر شرطی که به موجب آن مسؤولیت برات‌دهنده یا ضامن در پرداخت وجه سند سلب شده باشد، باطل و بلااثر است.

ماده ۳۸۷- امضاءکنندگان برات شامل برات‌دهنده، برات‌گیر قبول‌کننده، ظهرنویس یا ضامن در برابر دارنده مسؤولیت تضامنی دارند. دارنده می‌تواند بدون رعایت ترتیب تعهد هریک از امضاءکنندگان از حیث تاریخ، علیه اشخاص مذکور، مجتمعاً یا منفرداً، اقدام قانونی به عمل آورد. همین حق را هر شخص امضاءکننده برات، در صورت پرداخت مبلغ آن، علیه ایادی پیش از خود داراست. اقامه دعوا علیه هریک از مسؤولان برات، مانع اقدام علیه دیگران نیست، ولو اینکه تاریخ تعهد آنها مؤخر بر تعهد شخص مورد تعقیب باشد.

ماده ۳۸۸- اگر برات دارای امضای اشخاص فاقد اهلیت، مجعول، منتسب به اشخاص غیرواقعی و یا متضمن امضاهایی باشد که به هر علت دیگر نتوان آن امضاءکنندگان یا اشخاصی را که برات به نمایندگی از طرف آنان امضاء شده است

متعهد شناخت، تعهدات سایر امضاکنندگان معتبر است. در صورت تغییر در مفاد برات به هر علت، از جمله وقوع جعل و تزویر، اشخاصی که پس از وقوع تغییر برات را امضاء کرده‌اند، مطابق مفاد تغییر یافته و اشخاصی که پیش از وقوع تغییر آن را امضاء کرده‌اند، مطابق مفاد پیش از تغییر مسئولیت دارند.

ماده ۳۸۹- امضاءکنندگان براتی که علیه آنها اقامه دعوا شده است، نمی‌توانند در مقابل دارنده برات، به روابط پایه خود با برات‌دهنده یا دارندگان پیشین استناد کنند، مگر اینکه دارنده به هنگام دریافت برات با سوءنیت به زیان مسؤولان سند عمل کرده یا در تحصیل آن مرتکب تقصیر سنگینی شده باشند.

ماده ۳۹۰- حذف شد.

ماده ۳۹۱- چنانچه برات به نمایندگی از طرف شخص دیگری صادر، ظهرنویسی، ضمانت یا قبول شود، امضاءکننده مسؤول پرداخت وجه سند نیست، مگر اینکه به نمایندگی خود در متن سند تصریح نکرده، خارج از حدود اختیارات خود یا بدون اختیار عمل نموده یا به نمایندگی از شخص موهوم اقدام کرده باشد. در این صورت، امضاکننده با رعایت این قانون مسؤول پرداخت وجه سند است و اگر وجه سند را پرداخت کند، دارای کلیه حقوق منوب‌عنه یا همان شخصی است که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است.

ماده ۳۹۲- دارنده می‌تواند در مراجعه خود به مسؤول پرداخت، علاوه بر مبلغ برات، مبالغ زیر را نیز مطالبه کند:

۱- هزینه وخواست

۲- هزینه ارسال اخطار

۳- خسارات ناشی از کاهش ارزش پول از سررسید تا تاریخ پرداخت به  
مأخذ مقرر در ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱

۴- خسارات دادرسی موضوع ماده (۵۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی)

ماده ۳۹۳- مسؤولی که وجه برات را پرداخت و سند را دریافت می‌کند، علاوه بر مبلغ برات، می‌تواند مبالغ زیر را نیز مطالبه کند:  
۱- هزینه ارسال اخطار

۲- خسارات ناشی از کاهش ارزش پول از تاریخ پرداخت مبلغ برات به مطالبه‌کننده تا تاریخ وصول مبلغ از مرجوع‌الیه به مأخذ مقرر در ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی)

۳- خسارات دادرسی موضوع ماده (۵۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی)

ماده ۳۹۴- در مواردی که به تجویز این قانون رجوع پیش از سررسید به عمل می‌آید، مبلغ برات باید تنزیل شود. این تنزیل مطابق نرخ رسمی محل پرداخت و از تاریخ اعمال حق رجوع در اقامتگاه دارنده انجام می‌گیرد.

ماده ۳۹۵- هر مسؤول سند که به وی مراجعه شده است، می‌تواند پرداخت مبلغ برات را به تسلیم و اخواست‌نامه و اصل برات منوط کند.  
هر ظهرنویس که وجه برات را می‌پردازد، می‌تواند ظهرنویسی خود و اشخاص پس از خود را لغو کند.

ماده ۳۹۶- در صورت استفاده از حق رجوع پس از قبول جزئی برات، مسؤولی که وجه نکول شده را پرداخت می‌کند، می‌تواند درج این پرداخت در برات و ارائه رسید را درخواست کند. علاوه بر این، دارنده باید رونوشت مصدق برات را به انضمام وخواست‌نامه برای ایجاد امکان رجوع‌های ثانوی به وی واگذار کند.

ماده ۳۹۷- پس از انقضای مهلت‌های مقرر برای ارائه برات به رؤیت یا دارای شرط معافیت از وخواست، انجام وخواست نکول یا عدم پرداخت، دارنده حق رجوع خود به کلیه مسؤولان برات، به جز برات‌گیر قبول‌کننده، را از دست خواهد داد.

در صورت عدم ارائه برات برای قبول در مدتی که برات‌دهنده قید کرده است، دارنده حق رجوع ناشی از نکول یا عدم پرداخت را از دست می‌دهد، مگر اینکه از عبارت شرط چنین مستفاد شود که برات‌دهنده تنها سلب تضمین قبول را در نظر داشته است.

اگر شرط ارائه سند ظرف مدت معین در یک ظهن‌نویسی گنجانده شود، تنها ظهن‌نویس شرط‌کننده می‌تواند بدان استناد کند.

ماده ۳۹۸- چنانچه ارائه برات یا انجام و اخواست در مهلت مقرر به علت یک حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع متعذر شود، مهلت مذکور افزایش می‌یابد.

دارنده باید فوراً وجود قوه قاهره را به ظهن‌نویس پیش از خود اخطار و این اخطار را در برات یا برگ ضمیمه درج کند. پس از وصول اخطار به ظهن‌نویس مذکور مفاد ماده (۳۸۴) این قانون لازم‌الرعایه است.

پس از زوال قوه قاهره، دارنده باید فوراً برات را برای قبول و پرداخت ارائه و در صورت لزوم اقدام به و اخواست کند.

چنانچه قوه قاهره بیش از سی روز پس از سررسید ادامه یابد، بدون اینکه نیازی به ارائه و یا انجام و اخواست باشد، حق رجوع قابل اعمال است.

در خصوص برات به‌رؤیت، مهلت سی‌روزه از زمانی آغاز می‌شود که دارنده وجود قوه قاهره را به ظهن‌نویس پیش از خود اخطار کرده است، حتی اگر پیش از فرارسیدن موعد قانونی ارائه برات باشد.

موانع صرفاً شخصی دارنده یا شخصی که از طرف او وظیفه ارائه برات و یا انجام و اخواست را عهده‌دار است، به هیچ‌وجه قوه قاهره محسوب نمی‌گردد.

ماده ۳۹۹- مهلت اقامه دعوا علیه برات‌دهنده، ظهن‌نویس و یا ضامن، در مورد براتهایی که باید در ایران پرداخت شوند، سه ماه از تاریخ و اخواست و در مورد براتهایی که باید در خارج از کشور پرداخت شوند، شش‌ماه از همان تاریخ است.



ماده ۴۰۰- چنانچه دارنده برات مطابق مقررات این قانون از واخواست معاف بوده باشد، سررسید برات مبدأ مهلت‌های مذکور در ماده (۳۹۹) این قانون محسوب می‌شود. در مورد برات به‌رؤیت مبدأ مهلت‌های مذکور روز انقضای مهلت مقرر برای ارائه برات به برات‌گیر، موضوع ماده (۳۶۶) این قانون، است.

ماده ۴۰۱- مهلت اقامه دعوی هر یک از ظهرنویسان یا ضامنان آنان علیه ایادی سابق خود، در صورت پرداخت وجه برات، همان مهلت‌های مقرر به موجب مواد (۳۹۹) و (۴۰۰) این قانون است. در مورد این اشخاص، تاریخ ابلاغ دادخواست مبدأ مهلت‌های مذکور محسوب می‌شود، مگر اینکه وجه برات را بدون اقامه دعوا علیه آنان پرداخت کرده باشند که در این صورت روز پرداخت ملاک تعیین مبدأ مذکور است.

ماده ۴۰۲- پس از انقضای مواعد مقرر در مواد (۳۹۹)، (۴۰۰) و (۴۰۱) این قانون دعوی دارنده برات علیه ظهرنویسان، برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به برات‌گیر رسانده‌است و ضامنان آنان و دعوی هر یک از ظهرنویسان علیه ایادی سابق خود، برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به برات‌گیر رسانده‌است و ضامنان آنان در دادگاه مسموع نیست.

ماده ۴۰۳- دادگاه باید، به صرف تقاضای دارنده، معادل وجه برات را از اموال شخص یا اشخاصی که دارنده به موجب مقررات این قانون حق رجوع به آنها را دارد، تا سقف مبلغ خواسته به‌عنوان تأمین، توقیف کند.

### مبحث هفتم - مداخله شخص ثالث

#### بند اول - قواعد عمومی

ماده ۴۰۴- برات‌دهنده، ظهرنویس، یا ضامن می‌تواند، عنداللزوم، شخصی را برای قبول یا پرداخت معین کند.

برات می‌تواند مطابق شرایط آتی به وسیله شخص مذکور به نفع هر یک از مسؤولان سند قبول یا پرداخت گردد.

شخص مذکور می‌تواند ثالث، هریک از امضاکنندگان سند یا برات‌گیری باشد که برات را نکول کرده است.

شخص مذکور باید ظرف مدت دو روز از تاریخ نکول یا عدم پرداخت اخطاری دال بر تمایل خود به مداخله را به مسؤول سندی که به نفع او تعهد نموده است، ارسال کند. در صورت عدم رعایت این مهلت، شخص مذکور مسؤول خسارات وارد شده بر اثر تقصیر خود است، اما این خسارت نمی‌تواند بیش از مبلغ برات تعیین شود.

#### بند دوم - مداخله برای قبول

ماده ۴۰۵ - در تمام مواردی که برای دارنده برات قابل ارائه برای قبول، پیش از سررسید، حق رجوع وجود دارد، قبول با مداخله دیگری امکان‌پذیر است.

اگر در متن برات شخصی برای قبول آن در محل پرداخت به هنگام ضرورت معین شده باشد، دارنده نمی‌تواند حق رجوع خود را علیه شخص تعیین‌کننده و ظهرنویسان پس از او اعمال نماید، مگر اینکه برات به شخص مذکور ارائه شده و نکول وی از طریق واخواست رسمیت یافته باشد.

در موارد دیگر مداخله، دارنده می‌تواند قبول از این طریق را رد کند. با وجود این، اگر دارنده چنین قبولی را بپذیرد، حق رجوع پیش از سررسید علیه شخص ذی‌نفع و ظهرنویسان پس از وی ساقط می‌گردد.

ماده ۴۰۶ - قبول با مداخله دیگری در برات درج می‌شود و به امضای مداخله‌کننده می‌رسد. در قبول از طریق مداخله نام شخصی که مداخله به نفع او انجام شده است، قید و در صورت عدم ذکر، این قبول برای برات‌دهنده محسوب می‌شود.

ماده ۴۰۷ - قبول‌کننده از طریق مداخله در مقابل دارنده و ظهرنویسان پس از ذی‌نفع همانند شخص اخیر مسؤولیت دارد.

علی‌رغم آنکه قبول به طریق مداخله، شخص ذی‌نفع و اشخاص دیگری که در برابر او مسئولیت دارند می‌توانند از دارنده سند درخواست نمایند در ازای پرداخت مبلغ مذکور در ماده (۳۹۲) این قانون، اصل برات، وخواست‌نامه و رسید صورت‌حساب دریافت‌شده را، در صورت وجود، مسترد کند.

#### بند سوم - مداخله برای پرداخت

ماده ۴۰۸ - در تمام مواردی که دارنده در سررسید یا پیش از آن حق رجوع دارد، پرداخت از طریق مداخله می‌تواند انجام پذیرد.

پرداخت باید شامل تمام مبلغی باشد که به وسیله ذی‌نفع مداخله قابل پرداخت است. این پرداخت باید حداکثر تا فردای آخرین روز مهلت مقرر برای انجام وخواست عدم پرداخت به عمل آید.

ماده ۴۰۹ - اگر برات توسط اشخاص ثالثی که اقامتگاه آنان در محل پرداخت است، قبول شود یا اشخاصی که اقامتگاه آنان در محل پرداخت است، شخص دیگری برای پرداخت تعیین شده باشد، دارنده باید برات را به تمام آنان ارائه و در صورت لزوم حداکثر تا فردای آخرین روز مجاز برای انجام وخواست، وخواست عدم پرداخت انجام دهد.

چنانچه وخواست عدم پرداخت در مهلت مذکور انجام نشود، مسئولی که شخص دیگری را برای پرداخت به هنگام ضرورت معین نموده است یا مسئولی که برات به حساب او قبول شده است و ظهرنویسان بعدی بری‌الذمه می‌شوند.

ماده ۴۱۰ - دارنده‌ای که پرداخت به وسیله ثالث را رد می‌کند، به مسئولانی که با تحقق پرداخت بری‌الذمه می‌شوند، حق رجوع ندارد.

ماده ۴۱۱ - پرداخت به وسیله ثالث باید با درج در متن برات رسید و نام شخصی که پرداخت مبلغ به حساب وی صورت گرفته است، قید گردد. در صورت عدم ذکر این موضوع پرداخت از طرف برات‌دهنده محسوب است.

اصل برات و واخواست عدم پرداخت، در صورت انجام، باید به شخصی که وجه سند را با مداخله پرداخته است، تسلیم شود.

ماده ۴۱۲- شخص ثالث، پس از پرداخت، دارای کلیه حقوق ناشی از برات علیه مسؤول ذی نفع پرداخت و تمام اشخاصی است که نسبت به شخص اخیر به موجب برات مسؤولیت دارند. یا وجود این، پرداخت کننده نمی تواند برات را مجدداً ظهرنویسی نماید.

ظهرنویسان پس از مسؤول ذی نفع پرداخت بریء الذمه می شوند. در صورت وجود چند پیشنهاد پرداخت به وسیله اشخاص ثالث، پیشنهادی مرجح است که به موجب آن عده زیاده تری از مسؤولان برات بریء الذمه می شوند. هر شخصی که عالماً و عامداً برخلاف این قاعده عمل نماید، حق رجوع خود به آنهایی را که با پرداخت برات ذمه حاصل می کردند، از دست می دهد.

#### مبحث هشتم - واخواست

ماده ۴۱۳- واخواست در موارد زیر انجام می شود:

۱- نکول

۲- عدم پرداخت

ماده ۴۱۴- انجام واخواست ضروری است، مگر در مواردی که طبق مقررات این قانون دارنده از انجام آن معاف شده باشد.

ماده ۴۱۵- واخواست نکول صرفاً به وسیله اظهارنامه مخصوصی که ظرف مهلت مقرر مطابق مقررات این قانون تنظیم می شود، به عمل می آید. اظهارنامه مذکور واخواست نامه نکول نامیده می شود.

ماده ۴۱۶- واخواست عدم پرداخت صرفاً به وسیله اظهارنامه مخصوصی که ظرف مهلت مقرر مطابق مقررات این قانون تنظیم می شود، به عمل می آید. اظهارنامه مذکور واخواست نامه عدم پرداخت نامیده می شود.

ماده ۴۱۷- اظهارنامه‌ای که برای انجام وخواست تنظیم می‌شود باید متضمن واژه «واخواست‌نامه» و امر به پرداخت وجه برات باشد و تصویر مصدق کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبول و ظهنویسی و سایر موارد به اظهارنامه ضمیمه شود.

ماده ۴۱۸- واخواست‌نامه به اشخاص زیر ابلاغ می‌شود:

۱- برات‌گیر

۲- اشخاصی که احتیاطاً در متن برات برای پرداخت وجه معین شده‌اند.

۳- شخص ثالث قبول‌کننده برات

ماده ۴۱۹- واخواست‌نامه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی ابلاغ می‌شود.

ماده ۴۲۰- چنانچه بانک به عنوان محل پرداخت برات تعیین شده یا دارنده، برات را برای وصول وجه سند به بانک تسلیم کرده باشد، بانک مکلف است در صورت عدم پرداخت برات، حداکثر ظرف مدت دو روزکاری از سررسید، به تقاضای دارنده برات، گواهی‌نامه‌ای یا محتویات زیر صادر و به وی تسلیم کند. گواهی‌نامه عدم پرداخت موضوع ماده (۴۱۷) که بانک صادر می‌کند، جایگزین واخواست‌نامه عدم پرداخت محسوب می‌شود.

۱- مشخصات کامل برات

۲- نام برات دهنده

۳- هویت و نشانی کامل برات‌گیر (صاحب حساب)

۴- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت

موجودی

۵- تاریخ ارائه برات به بانک

۶- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضای برات‌گیر با نمونه امضاء یا مهر و

امضای موجود در بانک، عندالاقضاء

۷- نام و نشانی کامل دارنده برات

#### ۸- علت یا علل عدم پرداخت

تبصره ۱- چنانچه موجودی حساب برات گیر نزد بانک کمتر از مبلغ برات باشد، بانک مکلف است به تقاضای دارنده برات مبلغ موجود در حساب را در قبال درج این پرداخت بر روی برات و اخذ رسید پرداخت و گواهینامه عدم پرداخت را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کند.

تبصره ۲- چنانچه اخذ قبول برات نیز به بانک موکول شده باشد، بانک مکلف است در صورت نکول برات گواهینامه‌ای مشتمل بر بندهای (۱)، (۲)، (۳)، (۵) و (۷) این ماده صادر نماید. گواهینامه نکولی که بانک صادر می‌کند، جایگزین و اخواست‌نامه نکول محسوب می‌شود.

ماده ۴۲۱- بانک مکلف است نسخه دوم گواهینامه نکول یا عدم پرداخت را فوراً برای برات گیر ارسال کند. بانک مسؤول خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه نکول یا عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن یا عدم اطلاع به برات گیر است.

#### مبحث نهم - مفقودشدن برات

ماده ۴۲۲- در صورت مفقودشدن برات، به هر علت، دارنده آن می‌تواند به موجب اظهارنامه رسمی به هر یک از مسؤولان سند دستور عدم پرداخت و در صورت عدم قبول برات به برات گیر دستور عدم قبول دهد. این اظهارنامه علاوه بر نام برات‌دهنده و برات گیر و مبلغ و سررسید برات باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و علت فقدان آن باشد. در صورت تقاضای دارنده، هر یک از مسؤولان سند باید وی را برای ابلاغ دستور عدم پرداخت به مسؤول پیش از خود راهنمایی کند تا به برات‌دهنده برسد. هر یک از مسؤولان سند در صورت امتناع از راهنمایی دارنده، مسؤول پرداخت وجه برات و خساراتی است که بر دارنده برات مفقود وارد شده است. دستوردهنده مکلف است ظرف مدت یک هفته از ارسال اظهارنامه متضمن دستور عدم قبول یا پرداخت ادعای مفقودشدن برات را نزد دادگاه صالح

در محل پرداخت وجه سند به موجب دادخواست علیه کلیه مسؤولان سند ثبت کند. این دادخواست باید به کلیه مسؤولان سند ابلاغ شود. در صورت عدم ثبت دادخواست مذکور ظرف مهلت مقرر، دستور عدم قبول یا پرداخت بلااثر می‌شود و دستوردهنده امکان صدور دستور مجدد نخواهد داشت.

ماده ۴۲۳- تا زمانی که سررسید برات مفقود فرا نرسیده است، دارنده می‌تواند با اثبات تعلق برات مفقود به خود و دادن تأمین مناسب به موجب دستور دادگاه از صادرکننده نسخه جایگزین مطالبه کند. صادرکننده سند جایگزین باید بر روی آن عبارت «نسخه جایگزین» را درج کند.

ماده ۴۲۴- دارنده برات مفقود برای تحصیل نسخه جایگزین می‌تواند به ظهنویس پیش از خود رجوع کند. هر یک از ظهنویسان نیز ملزم است دارنده برات مذکور را برای مراجعه به ظهنویس پیش از خود راهنمایی کنند تا به برات‌دهنده برسد. هزینه این اقدامات بر عهده دارنده برات مفقود است. ظهنویس در صورت امتناع از راهنمایی دارنده، مسؤول پرداخت وجه برات و خساراتی است که به دارنده برات مفقود وارد شده است.

ماده ۴۲۵- چنانچه سررسید برات مفقودشده فرارسیده باشد، دارنده فقط می‌تواند با اثبات تعلق برات مفقود به خود و دادن تأمین مناسب، به موجب دستور دادگاهی که ادعای فقدان سند نزد آن به ثبت رسیده است، پرداخت وجه برات را از مسؤولان سند مطالبه کند. در اجرای دستور مذکور، وجه برات بدو از برات‌گیر مطالبه می‌شود و چنانچه به هر علت وصول وجه برات از برات‌گیر ممکن نشود، این دستور علیه سایر مسؤولان سند قابل اجراء خواهد بود. چنانچه دارنده برات مفقود به یکی از مسؤولان سند، دستور عدم پرداخت نداده و یا دادخواست ادعای فقدان سند را علیه وی ثبت نکرده و آن مسؤول به موجب این قانون وجه سند را پس از ارائه سند پرداخته باشد، بری‌الذمه می‌شود و کلیه حقوق ناشی از سند را

به دست می آورد و می تواند به مسؤولان پیش از خود رجوع کند، حتی اگر به آنها دستور عدم پرداخت داده شده باشد.

ماده ۴۲۶- چنانچه هریک از مسؤولان سند اطلاعات و مدارکی داشته باشد که می تواند مالکیت شخص مدعی فقدان سند بر آن را اثبات کند، وی ملزم به ارائه اطلاعات و مدارک مذکور است و در صورت تخلف مسؤول خسارت وارد شده می باشند.

ماده ۴۲۷- اگر دارنده برات مفقود تأمین موضوع مواد (۴۲۳) یا (۴۲۵) این قانون را تسلیم نکند، سه سال پس از سررسید و با اثبات تعلق برات مفقود به خود و بدون دادن تأمین می تواند پرداخت وجه برات را به موجب حکم دادگاه از قبول کننده یا برات دهنده ای که برات او قبول نشده است، مطالبه کند. در هر حال، دارنده پس از اثبات تعلق برات مفقود به خود می تواند از دادگاه تقاضا کند که شخص مذکور وجه سند را در صورتی که حال باشد، به فوریت و در صورتی که مؤجل باشد، پس از انقضای أجل، به صندوق دادگستری بسپارد. در این صورت، پرداخت وجه تودیع شده به دارنده منوط به سپردن تأمین یا گذشتن سه سال از سررسید سند است.

ماده ۴۲۸- چنانچه پس از گذشت سه سال از سررسید برات مفقود مبلغ آن به طور رسمی مطالبه یا در مورد آن اقامه دعوا نشود، دارنده نمی تواند از حیث تعهد براتی به مسؤولان سند رجوع کند. پس از گذشت مهلت مذکور، از تأمین موضوع مواد (۴۲۳) یا (۴۲۵) این قانون به درخواست تأمین دهنده فوراً رفع اثر می شود.

ماده ۴۲۹- اگر پیش از مهلت تعیین شده در ماده (۴۲۸) این قانون سند ارائه شود، متعهد سند باید ارائه کننده سند را به دادگاهی که ادعای فقدان سند نزد آن به ثبت رسیده است، دلالت کند. در صورت رجوع ارائه کننده سند به دادگاه مذکور، دادگاه به مدعی فقدان سند اخطار می کند که دعوی خود را نزد همان دادگاه علیه



ارائه‌کننده سند اقامه کند، در غیر این صورت، ادعای فقدان سند بلااثر است و ارائه‌کننده می‌تواند وجه سند را از کلیه مسئولان آن مطالبه نماید.

ماده ۴۳۰- هرگاه ادعای شخصی که به موجب ماده (۴۲۲) این قانون دستور عدم پرداخت داده است، بلااثر شود، هریک از متعهدان سند مکلف به پرداخت وجه آن هستند و شخصی که دستور عدم پرداخت داده است مکلف به جبران خسارات واردشده به دارنده است و در صورت علم به بلاوجه بودن دستور عدم پرداخت به جزای نقدی معادل نصف مبلغ مندرج در سند محکوم می‌شود.

ماده ۴۳۱- در هر حال، اگر ارائه‌کننده سند به تشخیص دادگاه تأمین کافی بدهد، دادگاه دستور پرداخت وجه سند را صادر می‌کند و مسئولان سند مکلف به پرداخت وجه برات به وی هستند، مشروط بر اینکه وجه سند به موجب مقررات این مبحث به دارنده برات مفقود پرداخت نشده باشد. هرگاه ادعای شخصی که به موجب ماده (۴۲۲) این قانون دستور عدم پرداخت داده است، بلااثر شود، از تأمین مذکور فوراً رفع اثر می‌شود.

ماده ۴۳۲- مبدأ محاسبه خسارت تأخیر پرداخت در مورد سند مفقود روز ارائه تأمین است.

#### مبحث دهم - قوانین خارجی

ماده ۴۳۳- اهلیت شخص برای تعهد در برات تابع قانون دولت متبوع او است. اگر قانون دولت متبوع او قانون دولت دیگری را در موضوع صالح بداند، قانون اخیر مورد اجراء قرار خواهد گرفت. با وجود این، شخصی که مطابق قانون حاکم محجور باشد، اگر سند را در سرزمین کشوری امضاء نموده است که برابر مقررات آن واجد اهلیت لازم است، تعهد او معتبر است.

ماده ۴۳۴- شرایط شکلی تعهدات براتی تابع قانون دولتی است که تعهد مذکور در سرزمین آن شکل گرفته است. با وجود این، اگر انجام یک تعهد مطابق مقررات مذکور معتبر نبوده، ولی با مقررات کشور محل تعهد بعدی هماهنگ باشد،

صرف عدم رعایت شرایط شکلی تعهد مذکور بر اساس قانون حاکم، به اعتبار تعهد بعدی خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

ماده ۴۳۵- آثار تعهدات قبول‌کننده برات یا متعهد سفته بر اساس قانون محل پرداخت این اسناد معین می‌گردد. آثار امضای دیگر متعهدان سند، تابع قانون دولتی است که امضاها را مذکور در سرزمین آن انجام شده است.

ماده ۴۳۶- مهلت مقرر برای اعمال حق رجوع در مورد همه امضاها مندرج در سند بر اساس قانون محل تنظیم سند، معین می‌شود.

ماده ۴۳۷- انتقال یا عدم انتقال محل برات با صدور سند تابع قانون محل تنظیم سند است.

ماده ۴۳۸- امکان قبول جزئی و پرداخت جزئی تابع قانون دولت محل پرداخت وجه سند است.

ماده ۴۳۹- شکل و درخواست، مهلت‌های وخواست، تشریفات لازم جهت اجراء یا تأمین خواسته تابع قوانین دولتی است که وخواست یا عمل حقوقی مورد نظر باید در قلمرو آن انجام گیرد.

ماده ۴۴۰- ترتیبات مقرر در صورت فقدان یا سرقت برات تابع قانون دولت محل پرداخت برات است.

#### مبحث یازدهم- سایر مقررات

ماده ۴۴۱- نحوه محاسبه کلیه مهلت‌ها و مواعد و اخطارهای مقرر در این کتاب تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

ماده ۴۴۲- عنوان دادگاه در این کتاب شامل هر مرجع صالح برای رسیدگی به دعوا یا مرجع داوری نیز می‌شود.

ماده ۴۴۳- هرگاه چند شخص از مسؤولان برات ورشکسته شوند، دارنده برات می‌تواند در هر یک از هیاتهای بستانکاران یا در تمام آنها برای وصول تمام طلب خود شامل وجه برات، خسارت تأخیر و هزینه‌های قانونی داخل شود تا

طلب خود را به طور کامل وصول کند. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به دارنده مذکور پرداخت می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگری که دارنده بابت آن سند در هیأت بستانکاران وی وارد شده است رجوع کند، مگر اینکه مجموع مبالغی که از اموال همه ورشکستگان به دارنده تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد. در این صورت مبالغ تخصیص یافته مازاد، به ترتیب، جزء دارایی آخرین شخصی محسوب می گردد که بابت این سند به ورشکسته مذکور حق رجوع دارد.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی اشخاص متعددی که در ایفای یک تعهد مسؤولیت تضامنی دارند مجری است.

#### فصل دوم - سفته

ماده ۴۴۴ - سند سفته باید متضمن موارد زیر باشد:

- ۱- قید کلمه «سفته» بر روی آن.
- ۲- تعهد بی قید و شرط به پرداخت مبلغی معین
- ۳- نام شخصی که مبلغ باید در وجه و یا به حواله کرد او پرداخت شود (دارنده سفته)

۴- تاریخ صدور، به روز و ماه و سال

۵- محل صدور

۶- سررسید پرداخت

۷- محل پرداخت

۸- امضاء صادرکننده (متعهد)

ماده ۴۴۵ - چنانچه به موجب قرارداد میان بانک و صادرکننده، وجه سفته از محل حساب متعلق به صادرکننده قابل پرداخت باشد بانک به عنوان محل پرداخت قابل تعیین است. در این صورت باید نشانی شعبه بانک و شماره حساب در سفته قید شود.

ماده ۴۴۶- سررسید سفته فقط می تواند به تاریخ معین (به روز، ماه و سال) یا عندالمطالبه باشد.

ماده ۴۴۷- در صورتی که سفته مطابق ماده (۴۴۴) این قانون تنظیم نشده باشد، مشمول مقررات راجع به سفته نیست مگر در موارد زیر:  
۱- عدم تعیین سررسید سفته که در این صورت سفته عندالمطالبه تلقی می شود.

۲- عدم تعیین مکان پرداخت وجه سفته که در این صورت محل صدور سفته محل پرداخت و اقامتگاه صادرکننده تلقی می شود.

۳- عدم تعیین محل صدور سفته که در این صورت محل مذکور در مقابل نام متعهد (صادرکننده)، محل صدور سند به حساب می آید.

ماده ۴۴۸- سفته ممکن است به حساب شخص ثالث صادر شود. چنانچه سفته دارای امضاء صادرکننده، ولی فاقد برخی از موارد مذکور در ماده (۴۴۴) این قانون باشد و سپس به وسیله متصرف بعدی سفته تکمیل شود، اعتبار سفته را دارد. با وجود این، چنانچه سفته به نحوی غیر از توافق پیشین طرفین تکمیل شود، عدم رعایت چنین توافقی علیه دارنده سند مسموع نیست، مگر اینکه شخص اخیر سفته را با سوءنیت تحصیل نموده و یا در تحصیل آن تقصیر سنگینی مرتکب شده باشد.

ماده ۴۴۹- دولت مکلف است ظرف مدت سه سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون زیرساختهای لازم برای صدور و گردش سفته الکترونیک را ایجاد نماید، به نحوی که امکان هویت سنجی و احراز اصالت هویت صادرکننده سفته، ظهرنویسان، ضامنان آنان و دریافت کننده وجه سفته فراهم باشد و از صدور، ظهرنویسی و ضمانت سفته به وسیله اشخاص ممنوع معامله ممانعت به عمل آید. سفته الکترونیک در حکم سند لازم الاجراء است. پس از اجرائی شدن سامانه مذکور صدور، ظهرنویسی یا ضمانت سفته خارج از سامانه الکترونیک موضوع این ماده مشمول مقررات راجع به سفته نخواهد بود.

ماده ۴۵۰- در موارد سکوت این فصل، احکام این قانون در خصوص برات تا حدی که با ماهیت سفته در تعارض نباشد، اجراء می گردد.

### فصل سوم- چک

ماده ۴۵۱- سند چک باید متضمن موارد زیر باشد و با یک شناسه یکتا در سامانه یکپارچه صدور چک نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر شود:

۱- قید کلمه چک؛

۲- نام صاحب حساب و عندالاقضاء نماینده یا نمایندگان او؛

۳- نام و شماره حساب شخصی که مبلغ باید در وجه و یا به حواله کرد او پرداخت شود؛

۴- نام، شناسه و نشانی شعبه بانک؛

۵- شماره حسابی که چک از آن صادر می شود؛

۶- تاریخ چک.

ماده ۴۵۲- هرگونه ظهرنویسی چک توسط دارنده یا ضمانت آن حسب مورد صرفاً با ثبت هویت منتقل‌الیه و شماره حساب وی، وکیل در وصول، وثیقه گیرنده و شماره حساب وی یا ضامن برای همان شناسه یکتای چک در سامانه مذکور در ماده (۴۵۱) این قانون محقق می گردد. همچنین عنداللزوم هرگونه شرط قابل درج در چک مانند شرط عدم انتقال یا شرط تحدید مسؤولیت با درج در سامانه مذکور محقق می شود. چک نمی تواند در وجه حامل صادر یا ظهرنویسی شود.

ماده ۴۵۳- صادرکننده چک باید نسخه کاغذی چک را که حاوی موارد مذکور در ماده (۴۵۱) این قانون است، امضاء کند و به دارنده تحویل دهد. نسخه کاغذی چک صرفاً به عنوان رسید صدور چک در سامانه یکپارچه صدور چک محسوب می شود و در هر حال صرفاً اطلاعات مندرج در سامانه مذکور ملاک عمل خواهد بود.

ماده ۴۵۴- هرگاه تمام یا بخشی از وجه چک پرداخت نشود، دارنده چک می‌تواند با ارائه گواهینامه عدم پرداخت، از مرجع قضائی صالح، صدور اجرائیه نسبت به میزان پرداخت نشده از مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه مرحله اجراء و خسارت موضوع تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام در حدود استفساریه آن مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۱ را علیه صاحب حساب، صادرکننده و یا سایر مسؤولان سند درخواست نماید. مرجع قضائی صالح مکلف است پس از احراز صحت شماره (کد) رهگیری گواهینامه عدم پرداخت، حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده و یا سایر مسؤولان سند مطابق اطلاعات گواهی عدم پرداخت مندرج در سامانه یکپارچه بانک مرکزی اجرائیه صادر کند، مشروط بر اینکه گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت به بانک مطابق مقررات مربوط صادر نشده باشد. صاحب حساب، صادرکننده و یا سایر مسؤولان مکلفند ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، مبلغ مندرج در اجرائیه را بپردازند یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهند یا مالی معرفی نمایند که اجرای آن را میسر کند؛ در غیر این صورت حسب درخواست دارنده، اجرای احکام دادگستری، اجرائیه را طبق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳ و قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۷/۱ به مورد اجراء گذاشته و نسبت به استیفای مبلغ مندرج در اجرائیه اقدام می‌نماید.

تبصره ۱- عملیات اجرائی ناشی از اعمال این ماده، جز در موارد زیر، قابل توقیف نیست:

- ۱- شخصی که اجرائیه علیه او صادر شده است، معادل مبلغ آن وجه نقد نزد صندوق دادگستری تودیع و رسید آن را به مرجع صادرکننده اجرائیه ارائه کند؛
- ۲- در متن چک به مشروط یا بابت تضمین بودن چک تصریح شده باشد؛

۳- چنانچه شخصی که اجرائیه علیه او صادر شده است، نزد دادگاه صالح دعوایی مستند به سند رسمی حاکی از مشروط یا بابت تضمین بودن تعهد ناشی از چک مطرح و رسید آن را به دادگاه صادرکننده اجرائیه تقدیم نماید؛

۴- چنانچه شخصی که اجرائیه علیه او صادر شده است، شکایتی مبنی بر تحصیل چک از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت یا دیگر جرائم نزد مراجع قضائی مطرح کرده و شکایت مطرح شده به صدور یکی از قرارهای تأمین کیفری منتهی شده باشد،

۵- اجرای سند مستلزم ضرر جبرانناپذیر بر متعهد باشد و وی به تشخیص دادگاه صادرکننده اجرائیه، تأمین مناسبی بسپارد و دستور توقیف عملیات اجرائی به تأیید رئیس حوزه قضائی نیز برسد.

تبصره ۲- تقاضای صدور اجرائیه موضوع این ماده با تقدیم دادخواست انجام می گیرد، ولی نیازمند پرداخت هزینه دادرسی و تشریفات دادرسی نیست. تقاضای توقیف عملیات اجرائی در موارد مندرج در تبصره (۱) مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه نیست. رد درخواست صدور اجرائیه توسط مرجع قضائی باید به صورت قرار صادر شود. قرار مذکور ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ، در دادگاه تجدیدنظر قابل اعتراض است.

تبصره ۳- توقف عملیات اجرائی باید از مرجع قضائی صادرکننده اجرائیه تقاضا شود. در صورت صدور دستور توقیف عملیات اجرائی مطابق مقررات تبصره (۱) این ماده، در خصوص پرونده اجرائی به شرح زیر اقدام می شود:

۱- در مورد بندهای (۱)، (۲) و (۵) تبصره مذکور، متقاضی توقف عملیات اجرائی باید ظرف مدت یک هفته از ابلاغ دستور توقیف عملیات اجرائی، نزد مرجع صالح دعوایی که نتیجه آن بتواند حکم به بی حقی دارنده چک باشد، اقامه و رسید آن را به مرجع صادرکننده اجرائیه تقدیم نماید، در غیر این صورت و همچنین در صورت معلوم شدن عدم استحقاق متقاضی توقف عملیات اجرائی، به تقاضای دارنده، عملیات اجرائی ادامه می یابد.

۲- در مورد بندهای (۳) و (۴) تبصره مذکور تا صدور حکم قطعی در مورد دعوا، عملیات اجرایی متوقف می ماند و پس از آن در صورت معلوم شدن عدم استحقاق متقاضی توقف عملیات اجرایی، به تقاضای دارنده، عملیات اجرایی ادامه می یابد.

تبصره ۴- دارنده می تواند از مرجع مذکور در این ماده برای پرداخت وجه چک مطابق احکام مربوط در قانون راجع به آیین دادرسی مدنی تقاضای تأمین خواسته کند، مشروط بر اینکه شرایط مقرر در این ماده برای صدور اجرائیه وجود داشته باشد. در این صورت مرجع مذکور بدون نیاز به ارائه دادخواست و تودیع خسارت احتمالی قرار تأمین خواسته را صادر می کند تا عندالاقضاء پس از صدور اجرائیه، وجه چک از محل آن وصول گردد.

ماده ۴۵۵- در موارد سکوت این فصل، احکام این قانون در خصوص برات تا حدی که با ماهیت چک در تعارض نباشد، اجراء می گردد.

ماده ۴۵۶- پس از لازم الاجراء شدن این کتاب مواد (۲۲۳) تا (۳۳۴) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده (۲۳) قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی نسخ می گردد. احکام این کتاب از تاریخ ۱۴۰۱/۱/۱ لازم الاجراء می شود.



## کتاب سوم - تجارت و مقررات حاکم بر آن

### فصل اول - تاجر

ماده ۴۵۷ - تاجر شخصی است که نام خود را در دفتر ثبت تجارته مطابق مقررات مربوط ثبت کرده باشد.

ماده ۴۵۸ - هر شخص حقیقی یا حقوقی که واجد شرایط زیر باشد، می تواند نام خود را در دفتر ثبت تجارته ثبت کند:

۱- دارای مجوز قانونی برای یکی از فعالیت های تولیدی، توزیعی و یا خدماتی باشد.

۲- رتبه اعتباری وی در سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه بندی اعتباری از حداقلی که هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت به تصویب هیأت وزیران می رسد، کمتر نباشد.

۳- خود و یا اشخاصی که به عنوان مدیر یا مدیران و مدیرعامل آن یا عناوین مشابه، اداره شخص حقوقی را بر عهده دارند، سوء پیشینه کیفری مؤثر نداشته باشند.

۴- ورشکسته یا سفته، اعلام نشده یا در صورت ورشکستگی یا سفته به موجب حکم قطعی، اعاده اعتبار، کرده یا رفع حَجْر شده باشد.

۵- به موجب قانون یا حکم قطعی مرجع صالح از ثبت نام در دفتر ثبت تجارته یا عضویت در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (که از این پس در این قانون به اختصار اتاق بازرگانی نامیده می شود) ممنوع یا محروم نباشد.

ماده ۴۵۹ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به عنوان مرجع ثبت، مکلف است کلیه فرآیندها و مراحل ثبت نام متقاضیان را به صورت الکترونیک انجام دهد و اطلاعات دفتر ثبت تجارته را به صورت روزآمد نگهداری کند.

ماده ۴۶۰ - به هر شخص که نام خود را در دفتر ثبت تجارته، ثبت می کند شناسه انحصاری اختصاص می یابد. هر تاجر باید در همه اسناد، صورتحساب ها،

آگهی‌ها، تابلوها و سایر مکتوبات خود، اعم از دست‌نویس، چاپی یا الکترونیک، شماره انحصاری خود را درج کند و در غیر این صورت به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۶۱۱- اطلاعات دفتر ثبت تجارتي غیرمحرمانه محسوب می‌شود و مرجع ثبت باید به صورت برخط، روزآمد و مطمئن تمام اطلاعات تاجران ثبت نام شده را به اتاق بازرگانی و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و هویت افراد مذکور را به سازمان ثبت احوال کشور ارسال کند.

ماده ۶۱۲- اطلاعات مندرج در ماده (۶۱۱) باید به صورت برخط، روزآمد و مطمئن در سامانه الکترونیک روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران آگهی شود به نحوی که اشخاص بتوانند به هزینه خود تصویر گواهی شده آن اطلاعات را از سامانه مذکور دریافت کنند.

ماده ۶۱۳- در صورت فوت، صدور حکم جنون یا سفه یا ورشکستگی، محکومیت کیفری مؤثر و محرومیت یا ممنوعیت تاجر از ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي یا عضویت در اتاق بازرگانی، نام وی از دفتر ثبت نام تجارتي حذف می‌شود. ابطال پروانه کسب یا مجوز قانونی فعالیت، موجب تعلیق عضویت تاجر در اتاق بازرگانی تا زمان اخذ مجدد پروانه کسب است. مراجع قضائی و اداری باید نسخه‌ای از آراء و تصمیمات قطعی مؤثر بر حقوق اشخاص ثالث در تجارت با تاجر مانند حجر، ورشکستگی و لغو مجوز فعالیت را به صورت الکترونیک به مرجع ثبت ارسال کنند. سازمان ثبت احوال کشور نیز باید فوت تاجر را به صورت برخط، روزآمد و مطمئن به مرجع ثبت اعلام کند.

تبصره- چنانچه تاجر طبق مندرجات دفتر روزنامه خود در طول یک سال مالی، مشمول تبصره ماده (۱۰۰) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ گردد، با اعلام سازمان امور مالیاتی کشور به مرجع ثبت، نام وی از دفتر ثبت تجارتي حذف می‌شود.

ماده ۴۶۴- مقررات مربوط به دفتر ثبت تجارتي و موضوعاتي که باید در دفتر مذکور به ثبت برسد و اطلاعاتی که به موجب ماده (۴۶۲) باید آگهی شود به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

تبصره- ارائه گواهی ثبت نام در سامانه ابلاغ الکترونیک قضائی برای ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي الزامی است.

ماده ۴۶۵- متقاضی ثبت باید اطلاعات واقعی و کامل را به مرجع ثبت ارائه و در صورت تغییر اطلاعات مذکور، ظرف مدت پانزده روز مراتب را اعلام کند. متخلف از اجرای این حکم به جزای نقدی درجه شش محکوم می شود.

### فصل دوم- حقوق و تکالیف تاجر

ماده ۴۶۶- تاجر مکلف به داشتن دفتر روزنامه، دفتر ثبت مکاتبات و صورتهای مالی سالانه است که باید مطابق مقررات این قانون و بر اساس استانداردهای حسابداری تنظیم شوند.

ماده ۴۶۷- دفتر روزنامه دفتری است که کلیه معاملات تاجر و عملیات مالی و محاسباتی وی که طبق استانداردهای حسابداری برای تنظیم صورتهای مالی لازم است، با ذکر هویت طرفهای آنها، همه روزه و بدون استثناء و به ترتیب وقوع، در آن ثبت می شود. ثبت معاملات مربوط به حوائج شخصی تاجر در دفتر روزنامه الزامی نیست، لکن وجوهی که تاجر برای حوائج شخصی خود برداشت می کند باید به ترتیب مذکور در دفتر روزنامه ثبت گردد.

تبصره- در معاملات کوچک بین تاجر و مصرف کننده، درج هویت طرف معامله الزامی نیست. ملاک تشخیص معاملات کوچک در آیین نامه موضوع ماده (۴۷۲) این قانون تعیین می گردد.

ماده ۴۶۸- تاجر مکلف است صورت‌های مالی سالانه خود را مطابق آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده (۴۷۲) این قانون که بر اساس استانداردهای حسابداری و به تفکیک برای اشخاص حقیقی و حقوقی تدوین می‌شود تنظیم کند. تنظیم صورت‌های مالی برای هر سال الزامی است و این امر حداکثر تا پایان خردادماه سال بعد انجام می‌شود.

ماده ۴۶۹- دفتر ثبت مکاتبات، دفتری است که کلیه مکاتبات، قراردادها و صورتحساب‌های صادر و واردشده تاجر به ترتیب تاریخ و با قید شماره در آن ثبت می‌شود.

ماده ۴۷۰- تاجر باید برای هر یک از معاملات خود که ثبت آن طبق ماده (۴۶۷) این قانون در دفتر روزنامه الزامی است، حسب مورد صورتحساب الکترونیک صادر و با قید تاریخ امضاء کند یا صورتحساب مورخ و امضاءشده از طرف معامله خود دریافت کند و چنانچه طرف معامله تاجر نبوده و امکان صدور صورتحساب نداشته باشد، صورتحساب توسط تاجر تنظیم و با قید تاریخ به امضای طرف مقابل می‌رسد.

ماده ۴۷۱- تاجر باید کلیه مکاتبات، قراردادها، صورتجلسه‌ها و صورتحساب‌های صادر و واردشده خود، اعم از کاغذی یا الکترونیک را به ترتیب تاریخ صدور یا ورود و به نحو مطمئن ضبط و از پایان هر سال تا ده سال تمام نگهداری کند. تاجر می‌تواند مکالمات و مکاتبات تجارتي خود در سامانه‌های مخابراتی و رایانه‌ای را نیز با اطلاع طرف مقابل به نحو مطمئن ضبط و نگهداری کند. در این صورت لازم است این اقدام را برای تمام مکالمات و مکاتبات تجارتي خود در سامانه‌های مذکور انجام دهد؛ در غیر این صورت این مکالمات و مکاتبات به نفع او قابل استناد نمی‌باشد.

ماده ۴۷۲- دفتر روزنامه و صورتهای مالی سالانه تاجر باید به‌طور متمرکز و به‌صورت الکترونیک در سامانه‌ای که به این منظور به‌وسیله دولت ایجاد می‌گردد،

تنظیم شوند و تنظیم آنها خارج از سامانه مذکور در حکم عدم تنظیم است. نحوه تنظیم و نگهداری دفتر روزنامه و صورتهای مالی سالانه تاجر، مطابق آیین نامه‌ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون با رعایت مفاد این قانون و مقررات مربوط به تجارت الکترونیک به وسیله وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره ۱- دولت مکلف است سامانه موضوع این ماده را به گونه‌ای طراحی کند که:

- ۱- صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها مورد خدشه نباشد؛
  - ۲- کلیه مندرجات دفتر روزنامه به طور خلاصه و به تفکیک موضوع در هر بازه زمانی مورد نظر از سامانه مذکور قابل استخراج باشد؛
  - ۳- تاجر امکان دریافت اطلاعات تصدیق شده دفتر روزنامه و صورتهای مالی سالانه خود را به صورت برخط، روزآمد و مطمئن داشته باشد؛
  - ۴- امکان اتصال، تعامل پذیری و تبادل برخط اطلاعات میان این سامانه و سامانه‌های مربوط مانند سامانه امور مالیاتی، گمرک و ثبت احوال را فراهم نماید.
- تبصره ۲- در کلیه مواردی که صاحبان مشاغل و حِرَف طبق قانون مکلف به داشتن دفاتر الکترونیک می‌باشند، دفاتر مذکور باید مطابق ضوابط مربوط به خود در سامانه الکترونیک موضوع این ماده تنظیم گردد.
- ماده ۴۷۳- تاجر متخلف از اجرای مواد (۴۶۶) تا (۴۷۲) این قانون به حذف نام از دفتر ثبت نام تجارتی و نیز محرومیت از ثبت نام در دفتر مذکور به مدت دو سال محکوم می‌شود. مفاد این ماده مانع اعمال مقررات مربوط به ورشکسته‌ای که دفتر ندارد یا دفتر خود را مطابق مقررات این قانون تنظیم نکرده است، نمی‌شود.
- ماده ۴۷۴- دفتر روزنامه و صورتهای مالی تاجر که مطابق مقررات این قانون مرتب شده‌اند، مبنای محاسبه مالیات تاجر است. مأموران مالیاتی باید هرگونه

تخلف از تنظیم دفتر روزنامه و صورتهای مالی سالانه مطابق مقررات این قانون را به دادستان محل اقامت تاجر گزارش کنند، در غیر این صورت به انفصال درجه شش از خدمات عمومی و دولتی محکوم می‌شوند.

ماده ۴۷۵- سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است مالیات تاجری را که دفتر روزنامه خود را مطابق این قانون تنظیم نکرده است، با توجه به اطلاعات تاجر در سامانه‌های خود و تراکشن‌های مالی وی محاسبه نماید، در این صورت هر مبلغی که به حساب تاجر نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری واریز شده است و منشأ آن در بانک‌های اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی مشخص نیست، از نظر محاسبه مالیات، درآمد تاجر محسوب می‌شود.

ماده ۴۷۶- چنانچه دفاتر تاجر مطابق قانون تنظیم شده باشد، در دعاوی بین تاجر قابل استناد است و در غیر این صورت فقط علیه صاحب آن معتبر است.  
تبصره- اگر در خصوص مواردی که مطابق این قانون ثبت آنها در دفاتر تجاری الزامی است دعوایی در دادگاه تجارت طرح شود، چنانچه طرفین دارای دفاتر تجاری که مطابق مقررات این قانون تنظیم شده است باشند، هریک از آنها در اثبات آنچه بار اثبات آن بر عهده اوست صرفاً می‌تواند به دفاتر تجاری خود و دفاتر تجاری طرف مقابل استناد کند. در صورتی که طرفین دفاتر تجاری را مطابق قانون تنظیم کرده باشند، در صورت توافق مفاد دو دفتر، مطابق آن حکم صادر می‌شود. در صورت تعارض مفاد دو دفتر، چنانچه تعارض کلی باشد، مثلاً دفتر خواهان دلیل بر وجود طلب و دفتر خواننده دلیل بر فقدان طلب یا تسویه آن باشد، هر دو دفتر از اعتبار ساقط می‌شوند و طرفین می‌توانند به هر دلیل دیگری تمسک نمایند و چنانچه تعارض جزئی باشد، مثلاً دفتر خواهان دلیل بر وجود طلب به میزان صد واحد و دفتر خواننده دلیل بر وجود آن به میزان پنجاه واحد باشد، مفاد دو دفتر فقط در قدر متیقن، مثبت ادعای خواهان می‌باشد و در موارد، اثبات دعوا و دفاع با تمسک به هر دلیل دیگری ممکن است. اگر هیچ‌یک از طرفین دفتر تجاری

نداشته باشند، اثبات دعوا و دفاع با استناد به هر دلیلی برای طرفین ممکن است. چنانچه صرفاً یکی از طرفین دارای دفتر تنظیم شده مطابق مقررات این قانون باشد، طرفی که فاقد دفتر است جز به اطلاعات مندرج در دفتر طرف مقابل، نمی تواند به دلیل دیگری تمسک نماید.

ماده ۴۷۷- صرفاً شخصی که نام خود را در دفتر ثبت تجاری ثبت می کند عضو اتاق بازرگانی مربوط محسوب می شود. اعضای کنونی اتاقهای بازرگانی که در دفتر ثبت تجاری ثبت نام نکرده اند، ظرف یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون باید در دفتر مذکور ثبت نام کنند؛ در غیر این صورت عضویت آنها و مزایای ناشی از آن کالعدم می شود.

ماده ۴۷۸- اشخاصی که پیش از لازم الاجراء شدن این قانون در دفتر ثبت تجاری ثبت نام کرده اند از ثبت مجدد معاف می باشند، لکن اخذ کارت بازرگانی یا تمدید آن در هر حال منوط به داشتن رتبه که براساس رتبه بندی اتاق بازرگانی ایران انجام می شود و در سامانه موضوع بند (۲) ماده (۴۵۸) این قانون اعلام می گردد می باشند.

ماده ۴۷۹- با رعایت قوانین و مقررات مربوط، صرفاً تاجر از مزایای زیر برخوردار است:

- ۱- امکان استناد به دفاتر تجاری خود به نفع خویش
- ۲- اخذ کارت بازرگانی
- ۳- ثبت گروه اقتصادی با منافع مشترک
- ۴- اعطای نمایندگی تجاری یا نمایندگی توزیع
- ۵- اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز)
- ۶- قبول نمایندگی از اشخاص حقوقی خارجی
- ۷- اخذ امتیاز کسب و کار (فرانچایز) از اشخاص حقوقی خارجی

۸- ارائه خدمات سراسری ارتباطی و فناوری اطلاعات در هر یک از بخشهای محتوا، کاربرد و زیرساخت

۹- اخذ کارت از اتاق بازرگانی.

تبصره- شخصی که بدون ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي به هر عنوان به ديگري نمايندگي تجارتي، نمايندگي توزيع يا امتياز كسب و كار (فرانچايز) اعطاء كند، به جزاي نقدي درجه سه محكوم مي شود. همچنين شخصي كه بدون ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي نمايندگي يا امتياز كسب و كار (فرانچايز) از اشخاص حقوقی خارجي اخذ كند، علاوه بر مهر و موم (پلمب) محل فعاليت به جزاي نقدي درجه سه محكوم مي شود.

ماده ۴۸۰- اشتغال به اعمال زیر منوط به ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي است:

۱- واسپاري (ليزينگ)

۲- انبارداري عمومي

۳- هرگونه عمليات صرافي، بانكي و بيمه‌اي

۴- حق العمل كاري

۵- تصدي به عمليات حراجي

۶- تصدي به هر قسم نمايشگاه عمومي

۷- تصدي به حمل و نقل زميني بين‌المللي ريلي، هوايي و يا حمل و نقل

دريائي به وسيله كشتي

۸- خودروسازي، كشتي‌سازي، واگن‌سازي و هواپيماسازي و خريد و

فروش يا ساير معاملات راجع به آنها

۹- ارائه خدمات سراسري ارتباطي و فناوری اطلاعات در هر يك از

بخشهای محتوا، کاربرد و زیرساخت.



تبصره ۱- اخذ مجوز یا پروانه هیچ یک از اعمال مذکور در این ماده منوط به ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي نیست، لکن شروع به فعالیت‌های مذکور منوط به ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي است.

تبصره ۲- اشتغال به اعمال موضوع این ماده بدون ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي، علاوه بر مهر و موم (پلمب) محل فعالیت موجب جزای نقدی درجه سه است.

تبصره ۳- در صورت فوت یا حنجر تاجری که به یکی از اعمال موضوع این ماده اشتغال دارد، قائم مقام قانونی وی فقط تا دو سال می‌تواند بدون نیاز به ثبت نام خود در دفتر ثبت تجارتي به آن فعالیت ادامه دهد.

ماده ۴۸۱- چنانچه شخصی با کارت بازرگانی خود به حساب دیگری فعالیت نماید، با وی در پرداخت دیون، مالیات و عوارض مربوط مسئولیت تضامنی دارد و هر دو به محرومیت از عضویت در اتاق بازرگانی و اخذ کارت بازرگانی به مدت دو سال محکوم می‌شوند؛ همچنین است اگر شخصی با اخذ وکالت از دارنده کارت بازرگانی یا با توسل به عناوین دیگر به حساب خود از این کارت استفاده نماید، این حکم در خصوص شخصی که با اخذ وکالت از تاجر یا با عناوین دیگر به حساب خود و به نام تاجر به یکی از اعمال موضوع ماده (۴۸۰) این قانون اشتغال داشته باشد نیز مجرا است. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است نسخه ای از هر نوع وکالت در خصوص کارت بازرگانی را به سازمان امور مالیاتی کشور و اتاق بازرگانی مربوط ارسال کند.

### فصل سوم - دادگاه تجارت

ماده ۴۸۲- به منظور رسیدگی به دعاوی موضوع این فصل، قوه قضائیه موظف است ظرف مدت سه سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون در کلیه حوزه‌های قضائی شهرستان‌های مرکز استان به تعداد کافی شعبه دادگاه تجارت

تشکیل دهد. تشکیل این دادگاه در حوزه های قضائی سایر شهرستانها به تناسب امکانات به تشخیص رئیس قوه قضائیه موکول است.

تبصره ۱- در حوزه قضائی شهرستان هایی که دادگاه تجارت تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی موضوع این قانون رسیدگی می کند.

تبصره ۲- در مورد دعاوی که مطابق قواعد صلاحیت محلی رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه عمومی حوزه قضائی بخش است، رسیدگی به کلیه امور و دعاوی موضوع این فصل در دادگاه تجارت نزدیکترین حوزه قضائی شهرستان و در صورت عدم تشکیل دادگاه تجارت در نزدیکترین حوزه قضائی شهرستان، در دادگاه حقوقی آن شهرستان رسیدگی می شود.

ماده ۴۸۳- قضات دادگاه تجارت از بین اشخاص واجد شرایط زیر انتخاب

می شوند:

- ۱- داشتن حداقل پنج سال سابقه قضاوت در محاکم حقوقی
- ۲- گذراندن دوره های آموزش تخصصی مطابق آیین نامه مصوب رئیس قوه

قضائیه

تبصره- حداقل سابقه مذکور در بند (۱) این ماده برای دارندگان مدرک دکتری رشته حقوق با گرایش حقوق خصوصی یا گرایش های مرتبط با صلاحیت دادگاه تجارت، دو سال و برای دارندگان مدرک کارشناسی ارشد رشته حقوق با گرایش های مزبور، سه سال است.

ماده ۴۸۴- رسیدگی به امور و دعاوی زیر تابع اصول و مقررات دادرسی

مدنی و صرفاً در صلاحیت دادگاه تجارت است:

- ۱- دعاوی بین تجار، مگر آنکه در صلاحیت سایر مراجع اختصاصی باشد؛
- ۲- دعاوی مربوط به تشکیل، اداره، ادغام، تجزیه، تبدیل، انحلال و تصفیه شرکتهای تجاری و اختلافات بین شرکا و یا سهامداران با شرکت و اختلافات بین

شرکا و یا سهامداران با یکدیگر در خصوص شرکت در صورتی که نام شرکت در دفتر ثبت تجارتنی ثبت شده باشد؛

۳- کلیه امور و دعاوی مربوط به داوری از قبیل تعیین داور و ابطال و اجرای رأی داوری، در صورتی که رسیدگی به اصل دعوا در صلاحیت دادگاه تجارت باشد؛

۴- کلیه امور و دعاوی مربوط به داوری‌های تجاری بین‌المللی؛

۵- ورشکستگی تاجر و دعاوی مرتبط با آن؛

۶- شناسایی و اجرای احکام دادگاهها و مراجع داوری خارجی و اسناد خارجی علیه تاجر، مطابق مقررات مربوط.

ماده ۴۸۵- رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی نسبت به آرای دادگاههای تجارت، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، بر اساس مقررات این قانون انجام می‌گیرد.

ماده ۴۸۶- رئیس قوه قضائیه با توجه به تجربه و تخصص قضات، شعبی از دادگاههای تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را برای رسیدگی تجدیدنظر و فرجامی به آرای دادگاههای تجارت اختصاص می‌دهد. اختصاص شعبه یا شعبی از دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور برای رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی به آرای دادگاه تجارت، مانع صلاحیت شعب مذکور برای رسیدگی به آرای سایر دادگاهها در حدود صلاحیت آنها نیست.

ماده ۴۸۷- در دعاوی مالی موضوع صلاحیت دادگاه تجارت که هزینه دادرسی آن از پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال بیشتر است، در خصوص مبلغ مزاد خواهان می‌تواند با پرداخت ده درصد (۱۰٪) آن تقسیط باقیمانده هزینه دادرسی را حداکثر به مدت هجده ماه از دادگاه درخواست کند، در این صورت، دادگاه قرار پرداخت اقساطی هزینه دادرسی را مطابق با مهلت درخواست شده و در قبال اخذ تأمین مناسب و تعیین مهلت برای تودیع تأمین صادر می‌نماید. این قرار قطعی است.

در صورت عدم تودیع تأمین مناسب ظرف مهلت مقرر در قرار، برای پرداخت مابقی هزینه دادرسی اخطار رفع نقص صادر می شود. در صورت تأخیر بیش از سه ماه در پرداخت هر قسط با دستور دادگاه، مطابق قانون اجرای احکام مدنی باقی مانده هزینه دادرسی از محل تأمین وصول می شود. این حکم در خصوص دعاوی طاری نیز مجرا است. چنانچه حکم قطعی به نفع خواهان صادر شود و برخی از اقساط وصول نشده باشد، مابقی هزینه دادرسی از محل اموال محکوم علیه وصول می شود، حتی اگر موعد اقساط فرا نرسیده باشد.

ماده ۴۸۸- به منظور ثبت رویه قضائی دادگاههای تجارت، آرای قطعی دادگاههای مذکور با حفظ محرمانه بودن اسرار تجاری طرفین، باید حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور رأی قطعی، به صورت طبقه بندی شده و قابل استفاده برای عموم، به نحو الکترونیک منتشر شود.

ماده ۴۸۹- رسیدگی به امور و دعاوی تجارتي که پیش از تشکیل دادگاه تجارت اقامه شده اند، در دادگاهی که دعوا نزد آن مطرح است ادامه می یابد.

ماده ۴۹۰- مواد (۱) تا (۱۹) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ نسخ می گردد.

اصلاحات فوق در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ سی ام اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و نود و نه مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. /ح

علی دریجانی